

سلاوج

مغاربة ملوكهم دلمون ٢٧ - نسخة المليونية - جب الورقة ١١٠
يناير ١٩٨٩ - مغاربة ملوكهم دلمون ٢٧

Ketabton.com

د/أ. كتر علي مشتري
نها الصدوق صالح عادل هوبيا

مغاربة ملوكهم دلمون ٢٧

لکی فایف رستوران
LIBERTY FIVE RESTAURANT



لکی فایف 555

دعاوهای رسمی و شخصی، محافل عروسی و شیرینی خودی شهریان را
به حسن صورت برگزار می‌نمایند. سالن لکی فایف
همیشه برای شما بر خاطره خواهد بود.

به استثنای روزهای تعطیل از ساعت ۱۱ تا $\frac{۱}{۲}$ در خدمت شما قرار دارد.
آدرس: شهرستان و مقابل مسجد جامع شیراز. تلفن ۰۷۰۴۱۰

فروشگاه فرید

وارد کننده بهترین
اجناس از کتبی های
معروف جهان.
آدرس: زرغونه میدان
شهریار



لباسهای مناسب برای
هر نسل میان
از سایلی که جدیداً
وارد گردیده دیده
نمایند.

قرطاسیه فروشی شمریز

طراب افزایی محافل خوشی و سرو رشما

لکسری: قلم رزی و کاغذی شیرین و حنایی سعید

تشرفات موئیل شم: سیاوش، جولان، رمروز، رخبار مهمنه، قرطاسیه و کارهای ترکیه همه را به قیمت مناسب ازین قرطاسیه فروختی
فریدار نمایند

آدرس: متصل بازار امید

شیرینی ویدیوکست

محافل خوشی و

سینمازار

کنستهای باکینیت

ویدیوپی فلمبرداری

مینایند.

آدرس: شعرنو

متصل رستوران

لکن فایف.



کنستهای بوسنی دکت نای ویدیوپی دیگواه تازه از
ارتابش ویدیوکست بدست آرید

وسایل واجناس مورد
ضرورت خانواده ها
را تازه وارد نموده
است.

آدرس: چهارراه

انصاری متصل

نایابنده می پشتی

تجارتی بانک

بخرید

به معادل شما و خانواده های
شماست

سعید سر لوحه نولیسی

فناوری طرح های مترادفات

آدرس: جاده اندیابی

رہنمای معاملات روح اللہ فقیری

خرید و فروش خانه و موتور

آدرس: شهر نو چهارراهی شیرین

تلفونهای دفتر و منزل: ۳۲۵۲۹-۳۵۲۸۳

علی کریز

قرطاسیه و محلات

سینما نیاز شما

را به نیت مناسب

عرضه می نماید.

آدرس: متم

کلینیک

مرکزی

قرطاسیه فروشی اخباری

کتب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای

تبرکی ارزان و خوب

آدرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغانستان

حج زندیان

قرطاسیه و محلات مورد

نظر تائید را عرضه

می نماید.

آدرس: مقابل دروازه

جنوبی روضه مبارک شهر

موزار شریف مقابل

هتل بلازار

کابل.

وسایل ارایش را جدید

فروشگاه

فقریزی

وارد نموده است. هیجان

رہنمای معاملات سسم اللہ بادگار

خرید و فروش خانه و بارهای

آدرس: بین چهارراه

شیمیر و چهارراه

انصاری ری

تلفون: ۳۲۴۶۸

فرزین

موریت

انواع مختلف کنستهای

موسیقی اینغانی، هندی و فرسی را

به علاقمندان موسیقی پیشکش مینماید

آدرس: مارکیت جمهوری

فلیبرداری محافل خوشی در کنستهای ویدیو پذیرفته می شود.

آدرس: شهر نو مقابل سینما بارک

رای روزگار ۱۹۹۰

خود اشک میریخت واز کودک -
سخت میشمید وانگاه که جشنان
کودک بسته میشد بلایان سود و خون
بسته اثر را برپاشان تپ کرد که کو-
دک میگذاشت و طرفهای صبح پود
که کودک آرام کرد پر شته نارام نگاه
ها یش از هم گست و در حضرت
بر قلب مادر ری جاود انمقش شد -
اما آن سیه دلان و ماداران
سیاهی هاد رانسی با جشنان
مکارشان میخندیدند مادر رفاقت
شان را خاص مکرده که به آسمان
میرفت مادر از اعماق قلبش
میزجید و کودک مرد را رافوش
میفرشد -

ولی مردم مامید اند که بخاطر
رسیدن به آرامش باید از میان راه
های دشوار و مرگا عبور کرد لذا
هرگز شهامت خوش را از دست
نداشته و غرور خود را بامال نکردند.
مردم میدانند که بیرونی زیاد
بیکار شر افتاده اند بخاطر رسیدن به
بیرونی زیباتراست بسیار هست ها بر ساد
سوخته اند بسیار انسانها از زنده گش
بریدند بسیار قلب ها خاموش
شدند و اماعلیمی راکه قلوب
مردم مارای خاطر رسیدن بمن
زنده گی و افعی گم نگفید اند
هرگز نتوانستند خاموش کنند -

چه اشکهایی که در صفحه طبل
نازوانی ها و تانک تسلی در لابلای
گریبان هان ریخت چه پیکرهای -
نهیف و زنجور که از زمان از زنده
ولی ایامد مافراموش خواهند
کرد اند هرگز این دستان به هم
میزند بحکم وحکمتر گره میخو-
ند - ولی ایعاشی که مرگ به
اریغان می اورند باید کدام خا -
طه بی باری راکه به وشود اند
آنهاستینی میکند سبک خواهند
کرد - نکاه نایاورانها چگونه بروی
وردم خواهد نشست -

ایا بایان سریندن ها شکم -
درین ها ریختان دن خون جون
آب را لآخره با تحمیل گرفتند و -
سرمه توان مردم را به زانود را و زند
نه هرگز! ماتانی را به خاطر
دارم * -

جنگی بایان خواهد یافت صلح
حته بخانه ماختار اند آشاد
زمستان خواهد گشت اما کاش
جنگ طبلان زودیه صلح با ور
میکند تا بیشتر این خون
ریخته نمی شد -

می بینند -
هزارها سوال از هنر میگردند ولی
خیلی زود انتظار او بایان میرسد -
نگاه د روازه به روی لذک میگردد
نخست بد رعوس و بعد چند تن دیگر
که همه چهره های مانعده دارند
به داخل می آیند و میرویں از عقب
شیشه* گلکن تابوت غرقه به خونی
رامی بینند که آنها به دیون می-
آورند و این جنازه غرقه به خون
د امداد است که در انفجار میباشند
بعید گردیده است -

در صفحه طبل نازوانی ها در
فضای خاکستری رنگ سحر کشکش
غیر تعلق همه روزه جربان من باشد
زن و مرد «اطفال قد ونم قد با
شک های به پیش چسبیده با
جشنان چی فروغ بخاطر گرفتن
قص نان ساعت هایه صفحه می-
ایستادند که کودکان وزنانی که به
مشکل از نزل خارج میشند نه همراه
با مرد اند بخاطر گرفتن قص نان
در تاریکی های شب به سوی
نازوانی هاره میبرند -

و در یکی از نازوانی های شهر
بد ری سه ساعت منتظر نیست
من ایستادم سه ساعت که جون سه
قرن بر او میگشت سرمه چیون
آب سرد در گهای میمه وید و قشی
چشمان منتظر برتناگی فرزندان
خوره مال را بیادم اورد مقاومت
و پرده باری خود را به اشخان
میگیرم - ولی در فرجام آنوقت که
نوبت او و مرد خبار زنید میزند
دور بزید نان خلاص شد و کمه
(خلاص) از شهزاده ای اور از هم
سیگلد و جایه جاسکه میکند -

و در گوشش دیگر شهر در راه -
دار الامان چسبیده به تند رختی
پسر چه بی جنان همیشه گن غشاد
و سرمایخان باز مینمیگویی
ساخته که به مشکل میمود از زین
جد ایش کرد - بزید یک اوگلیه
خالی تیل قرار دارد -

و از نهادن چنان میشند میمیشند
خانه دین هنر هزاران گرفته بی از
گرگستان شعر کاپل کودک ای زگر -
ستگ جان میداد - سرمه ایز دن
بیرون و آن دن خانه بید اند میکرد -
 طفلک تیزیزی افسرده و نیم رقد -
جان تازه می یافته فقط رشتیه
نگاه های افسرده ایود که آرام
نیمگرفت و در حستجوی چیزی بسود
و آن جنمان بود -



نیزد

هایش را برای همینه بینه است

و مکرر ناد میزند جزاً اودن

ز

در رختی که بینه اش را ازین قطع

های شاه سعیده عروس بینه میشند

کرده اند بینه این از جایش بینه میشند

مانته بیانان از جایش بینه میشند

بد اطرافش بینه میشند آنوقت گریان

با قالمال اطفال وطنین سا ز

گه خورد است به گوش میزند

درینگاه عروس دریان از انتظار

من میزند از لحظات دیر با یمه

صدایش درد هلیزی میزند آناتا -

طرف بیرون میزند عروسی ودر -

فمامیگرده و از کلکن هایه بیرون

بیش میانه داماد که هر دن کار هم

تا کرایه های آسمان میرسد -

بالای کوتند آیخه شده اند

داستان در که انتقام را

میگیرند اند این همان راه است

کام شعروکام نشی میشان

قطره ایشکی میمیده و تویز که

دیده گان کودک گرفتند

زده بدانم باره باره راکه واقعه

ولی ایستادن انجه راکه واقعه

شده بروی کاغذ ریخت - در کام

رایز سرگ شنیده و میگراند

زده بجهه جوانی که جشن

غلتله ماست تصویر کرد؟

رای روزگار ۱۹۹۰

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵



اگر عشق پاشد خواه شیخی است

مان اعادل محصل صنف چارده
دا رالعلیم

زنده کی مشترک اگر هم اسان من
عشق و دلبستگی اغایی پاید، سما-

د و خوشبختی را در قیام دارد.

ولی استند فامیل های کخوشنی
اولاد شانرا (جه دختریانش چه

پسر) فدای خواهشان خود

می سازند و از عشق و محبت اپیان

چشم بوس میکنند.

من میخواهم با پسری ازدواج -

نمایم که دارای تحصیل و اخلاقی

پسندیده بوده و محترمازهمه

و تیکه زنده کی مشترک تشکیل داد

تحت اثر والدین نباشد، و در ضمن

د وست دارم با فامیل شوهم پکجا

زنده کی نمایم به نظرمن نمود

عروس خسروان او است.

عاشق که نیاشی دیا گورستان است

عبدالله ((صادق مل))

عشق راجونه شناخته اید.

عشق به معنی نگفتنی و دلبستگی است.

عشق کلمه ایست باک که باید باک نگعداشته

شود که برای نزد پکرین دوست، مقدستین هدف

استعمال نیشود.

شما تاکون عاشق شده اید.

بلی.

عاشق چه بوده اید مادر؟ وطن؟ مطالعه؟

دختر؟

شخص بگوئم؟

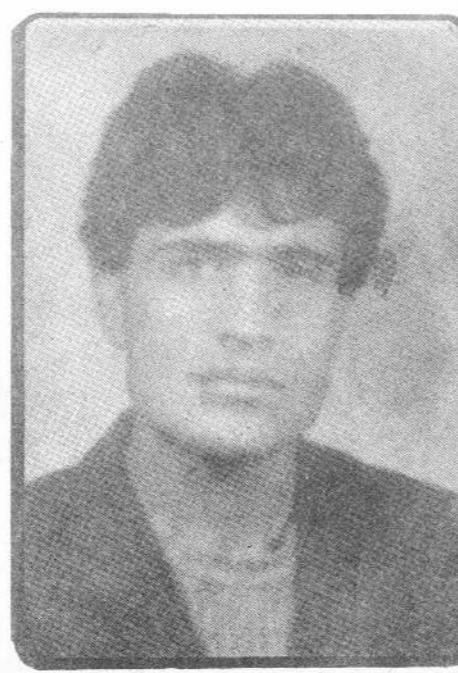
بلی شخص بتویید؟

میلن، کسکه عشق ندارد دنیا برایش مثل

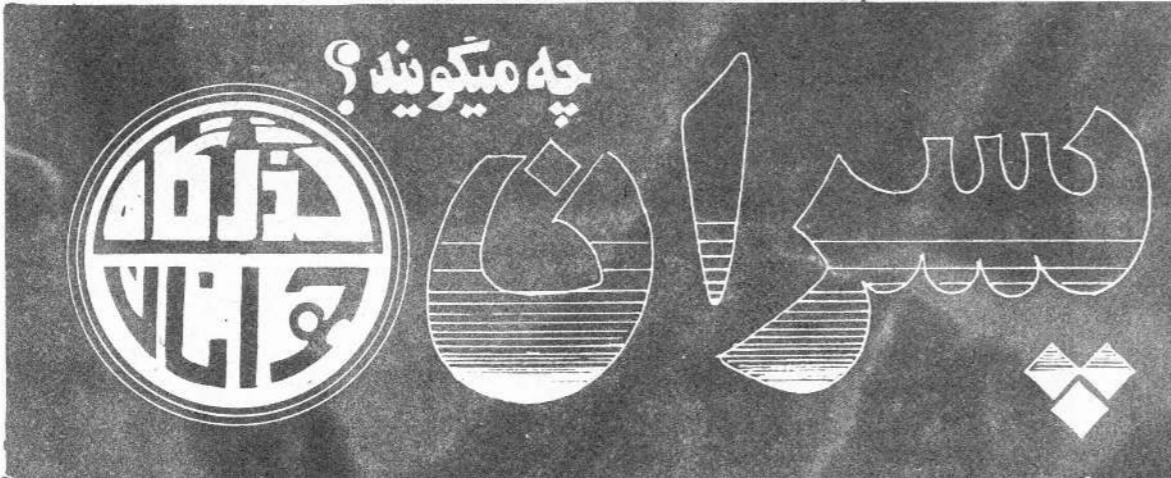
گورستان است اگر عصیاً دیابلو مر قضاوت

نمای طبعی است که هیچگاه من نمیتوانم که عشق

میکنم.



حشت کارمند روزنامه بیام:



عشق بیک کلمه مسخره است!

ناهید نظری توخی کارمند ریاست مالی وزارت امور خود است کهند میان
- عشق از نظر شما چیست؟

- عشق قبل از ازدواج به نظرمن یک کلمه مسخره است، چون در عصر حاضر عشق واقعی وجود ندارد، اما عشق بعد ازدواج رامن بدیم.

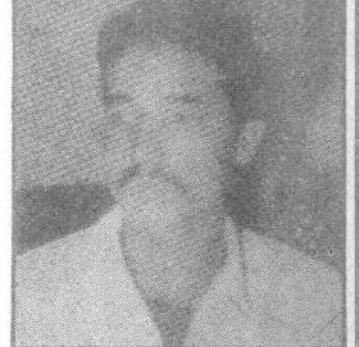
- زنده کی راجونه شناخته اید؟

- زنده کی مثل بازی فتبال است که انسان باید عقب اید ها و هدف هایش همیش بده و گاهی دین بازیها نماند مثل توپ فتبال لگه میخورد و با نام زنده کی را باعه رنجها، فمه ها و خوشی هایش دست میدارم.

- پژوهش ارزی تان چیست؟

- آزادی ام هست ایند ام یک مرد با کرک مردانه بوده مستحضر نیاشد، مرد پیش از دارایی قد و اندام مناسب و اخلاقی جاوده اه ترباقی من ماند، به نظر من عشقها ی اجتماعی، بدگان و شرک خوب نباشد، اینکه جه وقت ازدواج -

خواهم کرد به تضم فامیل ام ارتباط دارد.



عشق را نمی شناسد

شمعی الله معاون داکتر

سریس جراحی عصبی اکادمی

علم طی:

- شما زنده کی را چگونه شناخته اید؟

- زنده کی مجموعه ایست از خوبی و نیکی که باید خوشی آنرا دوستی محکم گرفت.

و مقابله غم هایش مبارزه کرد: من شکل واقعی زنده کی را در طبول این دوستی که در شناخته کار میکنم، دیده ام وقتی مجرحین

و معلولین را می بینم، غم های زندگی خود را فراموش میکنم. لذا میکشم

برای دیگران مفید تمام شدم زیرا اینجا بعضین عرضه امتحان است.

- عشق از نظر شما چیست؟

- عشق بکس را از نهدل دوستی داشتن و خواستن که من تا از رو ز هر آنچرا که دوست داشته ام وطن و مردم بوده است.

- و دختر را چطور ام.

- تاکنون هیچ دختری تارهای قلم رایه ام تیاز نیاروده است.

- ازدواج را چگونه رشه می ماند؟

- ازدواج رشته ایست که زندگی دو انسان را بینندیده هد من هرگاهی که خود را اماده ازدواج باشتم، خواهم کوتید که این رشته

باشتم، خواهم کوتید که این رشته را خیلی محکم گردد زمینه از هم

از هم گستن آنرا هرگز فراموش

سازم.

پاسر پولدار عروسی میکنیم

نویسه شیرزی کارمند تصدیق بر جنونروشی مکریان:

ازدواج به اساس عشق و دوستی دوچانبه

اخلاق، مقبول و معتبرانه بولدار باشد، تابعه از عروسی ضرورت به کار کردن بیرون از خانه، نداشته باشم.

- از حرف هایتان معلوم است که پاسر دارای همین خصوصیات آشنا استید؟

- والله در زمینه چیزی گفته نمیتوانم، اگر بکنم فامیل خبرم میشود، ومن جانم را دوست دارم ...

- نکش را نکید من صرف در مجله می نویسم.





۵ میشود

ده سال است که محبوب ترین هنرمند زمان ماه آنکه پیکارچه استعداد و شناخت بسیار خوبش است، خواب جاوده احمد ظاهر از او سروده های تازه را باز گرفت و دیگر تاکسون همچ دلبسته و شیفته این هنری از احمد ظاهر چیزی نشنید وندیده، مگر اهمان گلی نبود که به هیچ بحثی باز نمی آید، یک نسل احمد ظاهر هر دوست، یک نسلی که هنوز آرمان هاو ریا های شان را حتی ده سال بعد از خاموش جاودانه ای او، سروده های این هنری خود می پابند و هنوز در خانه هر کسی که رادیوکسی است صدای او است و هرجاکه رادیویی است صدای او است و چه بسیاری ها که فم خود را با او فراموش می کنند و خوش خود را در او بروی پایند، حتی انائیکه اوراندیده اند.

باشادی و خوشوقتی این روزها از سر احمد ظاهر خبری در یافتم که راه پدر را در بیشتر گرفته و اکنون او از خوان محبوب است که دوستداران زیاد دارد.

احمد رشداد ظاهر پسر احمد ظاهر است که ۱۹ ساله میباشد و با مادرش ناجیه که خانم اول احمد ظاهر بود در امان غرب زنده گشته می کند، اما درین تازه کی ها راه نیز پیش از این راه پیش گرفته تا باز شنیدم، اخیرین پادگزار پدر رفیزندگی نماید و خواه هنری شر امتحنت بپاره راهه

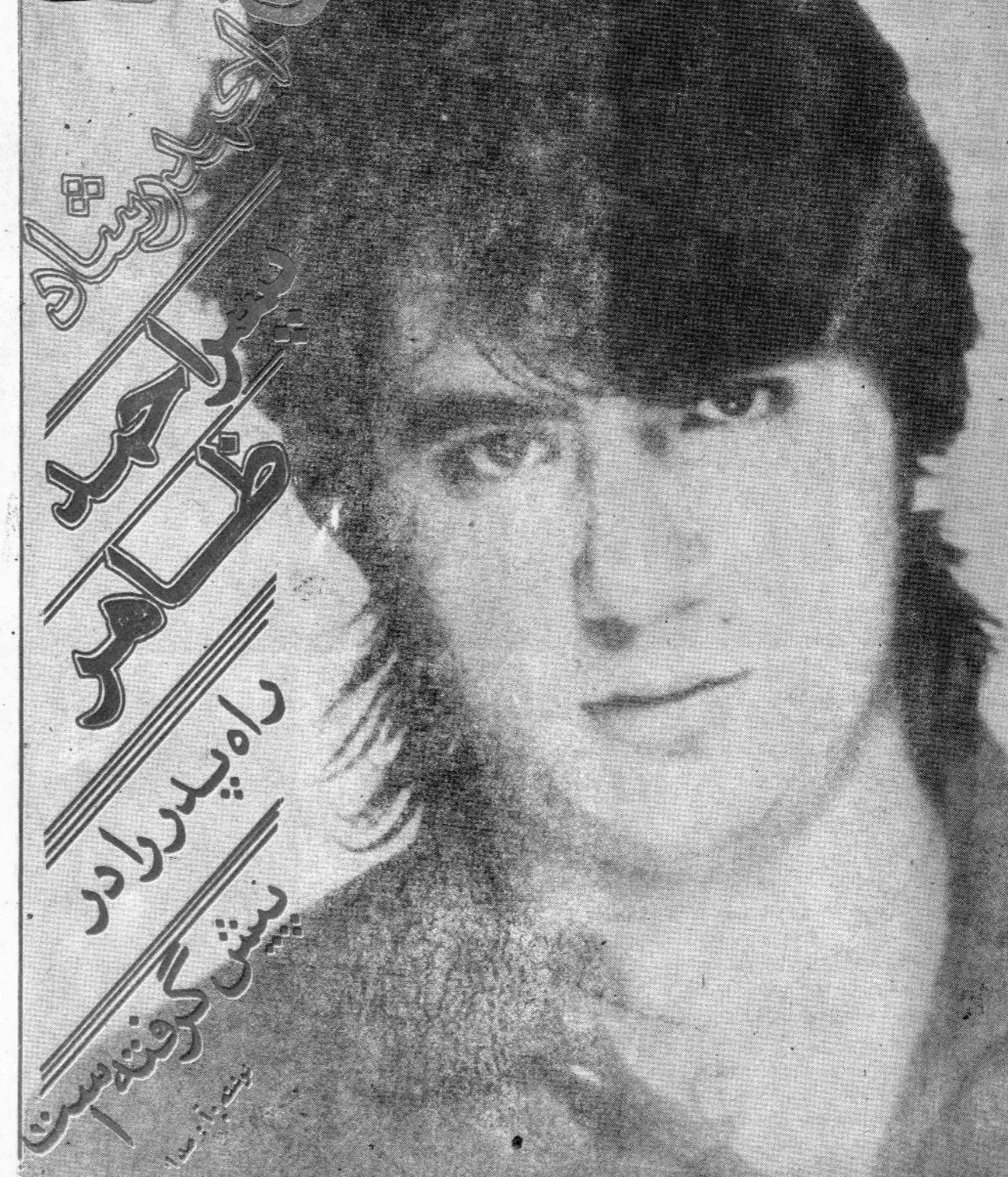
خود رشاد نیز هر رات بخشیده و آرزو دارم اورا بزودی در کابل و رشاد را بخواهیم وطن خود تماشا ده رشاد بزیبون وطن خود تماشا کنیم و در کسرت هایش گم شده خویش را باز بایم واحد ظاهر را باز زنده بخشم.

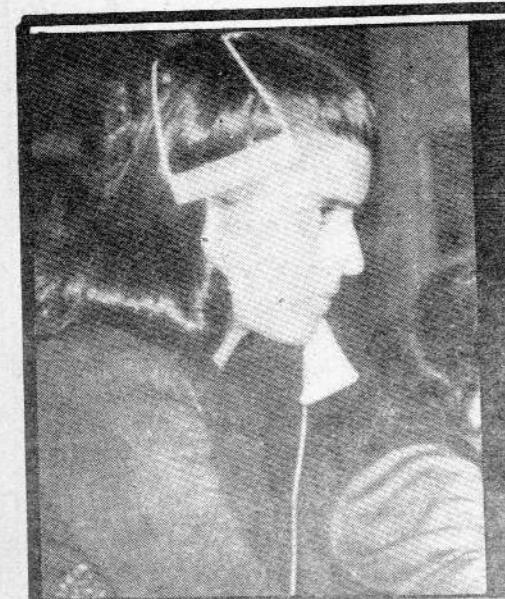
مجله سیاون از احمد رشداد ظاهر دعوت می نماید تا برای اجرای کسرت یک هفتاد پیش از کشور تشریف اورده و همان به مجله سیاون باشند، مهتوانند بعد از این هفتاد دویاره به کشور در دلایل دوستداران او از احمد ظاهر همچنان در داغ نامرادی دیدار دوکود کنند و هنری شراد و شبنم به خواب رفت، اینکه ارشاد اد ظاهر بسرا او جوان است و استعداد داشت

نشر بسیاره و سهار روزها بیش وقت رشاد کوکی بیش تر و احمد رشداد راه دشواری را در پیش از تابستانه هنرمندی دوست از شهادت او دیده بدنیها گشود و بعد ها مادرش از ابیه امریکا بود، اکنون ۹ ساله است.

احمد رشداد ظاهر کست های تازه بی ثبت نموده که به تازه کی از طریق پک دستگاه نیت موزیک این کست او در شهر کابل پخش خواهد گردید، چه خوب خواهد بود اگر تلویزیون با مکانات و شناخت شخصی افراد کست های تلویزیونی اورا نمی نموده و بدست

احمد ظاهر باز زنده





شماره

بلی ((١٥)) بفرمایید !
تلفون شماره ((١٥)) و هزارها است، از آنطرف سه میگویند: میشنود ؟
بررسی !
قربان صدایت چه آواز مقبول - آیا پرستور حرم مهریار اموال
داری و بعد گوش رامیگارند . خانه خود را فروخته اند، مرغ
وازان طرف سه میگویند : فقط همینقدر ؟
بلی، بفرمایید، معلومات !
کجا لور و پیاز سیر چند است ؟
داری !
قربان صدایت، چه آواز مقبول - پس میشود آنجه راه در طبول
من با خانم جنگ کرده لم، چگونه
روز از ورای سه تلفون میشنود ؟
میشود درباره اشت کم
دیگر !
بخوانیم ؟ آنده دخترانی که بگویید ؟
از تلفون شماره ((١٥)). هر لحظه - میگویند: نمره پایت چند است
بدون تأمل برست نانرا باسخ میگویند: من نزد پیک
مثلاً میگویند: من نزد پیک
سینما بهارستان منتظر هستم
در نشی ام سیاه و پیراهن لیویسی
سابقه کار، روزانه بیش از ۳ هزار
مارازیاد فحش میدهند کلماتی
است، موتومن هم سیاه است
تلفون راجه ای میدهدازورای
نه من جرئت تکرار درباره آنرا
بیا، یکبار بین اگر خوشت آمد،
سم تلفون کلمات و جملاتی را
ندام و وقتی برایش میگوییم:
جوری ایهم. ولی هوش کن که
هم میشنود که چیزی جز ضیاع خواهد نداری، مادر نداری میگویید: مراسیل کاری نکنی .
وقت نیست:
- مردم بیشتر تلفون کدام کاهی هم نمره را خود آنها به حافظه
سبده نمیتوانند و آنوقت مارابه مراجعت را میرسند ؟
- زیاد تر وزارت خانه ها را باد ناسزا میگیرند .
میرسند، اکثر شماره ها را لیلا نقیری؛
تکراری میرسند، مارازیاد آزار سه سال سابقه کار داشت،
در حدود ۲ الی ۳ هزار تلفون مثلاً میگشند: بسیار خراب نشسته
آزار میدهند، یعنی چه ؟! راجه ای میگوییم .
بقیه در صفحه (٨٢)

هند
ایران غالباً معلومات درست نمیباشد

تلفون

تایپیه کنند: مجله

دستگاه معلومات چه کار فرسایند؟ بی راپیش میبود

پیشین وقت آپریتوران

را آزار دهندگان آماقور

ضایع میکند



- من بحث از همه برای پایه بیک
مادر، باتنم تقدش، بعد بیک
خانم خانه، بدنهال آن بیک
استاد و معلم و در فوجام یک گهنده
و نطق. این بدان معنی نیست
که یک بز دیگر کامل مرجع آت
هیک در لحظه معین آن ارزش
بخصوص خود را دارد.

- آیا در آغاز کار نتاق مبتدی
برای پیروی داشته اید؟

- مذکوی داشته ام، برای پیروی
نه فهد، ائور رایگان
میدانست و میدانم صدای او در من
تأثیر عجیب دارد.

- هیچ وقت خواسته اید بجای
او باشید.

- گفت، اوه گاهه بود، نیشود
یگاهه را دوتا پایبستر ساخت.

ولی من همواره مخواهم خود
باشم این همین زیاد خوش نهاید.
آرزو دارم روزی چنان باشم که
همه کاملاً مرد بپذیرند و بر کار
هیچ ایرادی نباشد.

- غیر از نیزه، دیگران راچگونه
یافته اید؟

- صدای زهره رهگرد برای
پذیرنده است. دیگرانی هم
وجود دارند.

- اجرای اخبار پیغم در تلویزیون
کاهن برای بکلش و امیر خسته کن
نیست؟

- برای شان امتیازات دارد.

مشلاً حنف باشگرد های آشیانی
آشنا بیان کامل یافته و امیر هم
به تلویزیون علاقه مندی نیازی
پیدا نموده است.

- برنامه های هنری ادیسی
رادیو تلویزیون چی تاثیر داشته؟

- همکن، خود گاهن جوائی
مکم، چزهای منفهم بعضاً از
زبان های خارجی ترجمه میکم
و پیشتر از همه اینکه زود روز یا بهم

که چه را غلط کرده ام. برای من
برای مجله جوانان امروز مطلع
می شویم و غصه هیأت تحریر

آن نمی بودم.

- چه آریزی دارد؟

- آرزو دارم، و زن در رشتے

حقوق دکترا اخ. نایم



بکلش

نیزه

یک معلم

کفکویی با هنر

نطاق رادیو - تلویزیون



گهنده در میاند که درجه همه معین
خواش کتابهای ملک و حققی
را جان مدد و زنده میکند. این
خط اصلی مطالعات را میسازد.
قفسه کتابهای مانعایش نیست،
حرفهایم در مردم خواش شعر و
است بگاهن فرهنگ ها و لغتنه ها
است. بگاهن فرهنگ ها و لغتنه ها
داستان صداق بیشتری دارد.
کاری است.

- فکر کردم کتابها ممکنست من و ط
به بکلش باشد.

- شوهرم بکلش خود آدم فرهنگ
است. فرهنگ وقت گهنده در برابر
کسره، ضم یافته بخوانم فرهنگ
هنری در این مورد همگون نیستند.
آنچه مخواهند، اداری دین کرد
و آنرا چنانکه باید خواند، کار ش
نوع هنر است.

- سوال تازه باسوال مخواهیم
و مشاجره بین بیان شما نیست (۹)

- گاهی نه، بلکه هر وقت فرست
کنم، مطالعه میکنم. از شعر
ها و نخواسته هاست بعضاً

- زنده کی آمیزه ش از خواسته
هرگاه معاشر از عزفون بگردد،
هر مژده دارم. سبک کوتیک را درست
معماری حتماً بخاطر دارد. به
نیاز دسانم. منید بین من میک
استاد نظایق نهیز چنین است. همان
نظرم نظایق نهیز چنین است. همان
گونه که هرمند از عوارد خام جنی
می آیند، گهنده هم با
خواهیم گرفت. مثلاً کلمه سه حرفی
(سیز) پنج نوع ادا دارد، گاهی
به همه پرسید.

دقيق جواب دهم. برنامه های
هنری - ادبی برایم چنان قطvre
است بگاهن فرهنگ ها و لغتنه ها
میخواهد بر سریول عنده به
ملقات همکم، شوهوش خنیف
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
میگذشت. همانگونه که از اوان
لزم است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- راست اصلاً چه صروفیست
گاذب هیز.

میبریم، چگونه بود که به
دانش قالب شده بیرون میزند
دانش قالب شده بیرون میزند
گاهیکه، ز هم بجای دیگری سه
دارد، صور ممکن به رایو گوش
داده ام.

فضای خانه انباهه است
اصیمهت صد دانه بین افراد
توام با طرفاتی که از وجود کد.
باراول کوئی ژوپ راخواندم که
میخوانید، کدام یک برایتمن
زیاد برایم خاطره انگیز نبود و در
قصه کتابها ملواز جشنگ
های شعری و آثار دیگری شانه

لیف های است از فرهنگ بودن آنها.
ظهور شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- اضطرابی نداشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش مخواست روزی استاد شوم و
سوانجام شدم.

- از طرف این داشتید؟

ظاهر شدن در برابر صورده
همواره توأم با اضطراب است.
مکر من اگاهانه به این راه قد
قبله هیز با آنچه برای خود گرفته ام.
ول اراده اخبار توانندی میخواهد
لزム است، تفیه دیده شده
میوش م

ترجمه‌از: جمشید

قتال فیال گاندید ریاست جمهوری برزیل



لاتین است، آیا با او هم حقیده استید؟

جواب: نه، زیر آینده نوتبال در بیوند تکاتک باسرو از روی و همارت بازیکنان یک کشیور استه و هر یم که ازان برخودار باشد، آینده هم به او تعلق دارد.

سوال: ((مختار کولیابی از لیبی)) آیا صحت دارد که شما در آینده نزدیک به بست و زارت کشور نان برگردیده خواهید شد؟

جواب: نه، ولی برخلاف بعد از ختم قراردادم با تیم کاسوس شویارک در سال ۱۹۸۹ برای ریاست جمهوری

برازیل مبارقه خواهم کرد.

سوال: ((برونو د تیریش از لیوی)) آیا تمایز های نوتبال

بغاید در صفحه ۶۴)

ومن علاوه‌نده دوفاداری خوش را با بول در تادله نگرفتم.
سوال: ((اوپیور ویرها که از بزرگان)) برای تمام دوست داران فوتبال جام جهانی مکسیکو ۱۹۷۰ (ام) جشن فراموش ناشدن و خاطره انگیز محسوب می‌گردد ایشان نیز چنین نکر می‌کنید، یا خیر؟

جواب: در مکسیکومبا نسل نیزه خاطر دست پازیدن به نفع جدید، مبارزه کردیم.
نیزه جام جهانی ۱۹۷۰ مکسیکو برای یک نسل از فوتبال‌رانان بزرگی برزیلی چون ((جرسون، پریتو، کارلوس البرتو، توستائو)) آخرین چانس بازی در ریو دنیزگاه نوتبال و قدرمانی جهانی بود که ماننتخار فراموش ناشدنی قصر-

سوال: ((فرانک بودون - فرانسه)) لطفاً خوش آوردیم.
جواب: من سه بار باتیم ملى نوتبال برزیل به قدرمانی جهان رسیده‌ام. علی الرغم آنکه در جام جهانی ۱۹۶۶ در مسابقه نهایی هزارمین گول این برای ما حاکیت کنید.

اشترک نداشت ولی دوراً ول مسابقه را باتیم خوش همراه بودم (یعنی در سال‌های ۱۹۵۸-۱۹۶۲-۱۹۶۶) بجزاکلوب ((کاسو-س نشویارک)) ایشانها بایشندنها.

جواب: واقعاً لحظه برمنشوه گردیده اید؟ آیا شما علاقمند بازی در یکی از کلوب های فرانسوی بودید؟

جواب: من چندین بار باشنهادات جالب می‌دانم، برو-

ونتوس، باری سنت زمین موافق مظیع را باید تحقیق پیشنهادم از جهانیان نیزه رانتظار آن برو-

که جهانیان می‌گردیدند. نهیش می‌شلد همde الکترونی قبلي تم ملى دند.
سوال: ((زان بایستیم فوتبال نوتبال نفرانه، اهل داشته که آینده فوتبال مربوط به مالک ماسو- فرانسه)) آیا شما خود را آینده است ولی سایر

سلطان سالی

۱۷



سوال: ((الساندر وسروی تبعه ایتالیا)) نظرشمار در رابطه به انتقال و تجمع فوتبالیست‌های سرشناش برزیلی در ایتالیا چیست؟ آیا شماد رآن هنگام که در میدان سبز فوتبال حکم روانی داشته، نیزه چنین عملی پلی، فوتبالیست افیا-سویی برزیلی سلطانی هستی؟
جواب: درین جا بول بعنکبوت رایت زنده کی پوپارش نمسوده اساسی مبدل گردیده است.
یعنی استخدام نوتبال‌ران برزیلی رابطه حدود ده هزار سووال عنکبوت دارد که از طرف کلوب لای ایتالیوی صورت می‌گیرد.
آن‌زمان من نیز باشنهادات دعوه شعبه سهورتی مجله «ماندیال» صورت گرفته بود.
کلوب های پوپونتوس و میلان ایتالیا مادر زیرگزیه یعنی ایسرو- شهای جالب پلی را براي هلا- قند انش به نشری سوارم: دوست داشتنی باقی ماند



PAOLO TRAVAGLIO

شومان حرف

نایابه بیوفیال جهانی مصاحده‌ی
به سوال پاسخ می‌دهد و اینک
برگزیده آن به نشومیرسد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضرور ند ه چه همیشه فکر وش، چن
خوک د کورمشردی او خوک ترینبو
لاندی، خوک باید اشیز خانه کی
وی او خوک نه باید ه دی چن پرس
د نومویی جویی خخه د کوروک به
لاس واخیں، د لته معمده داد ه
چن بشده اومیره به یوه واحد نظر
سره تول کارونه مخته بجزی او د
تای سف و کریبا و تکیه بن کری
داد روانشناس د برش هورا و رواج
شوی ضرور تادی .
معلومه د ه چن نارینه د بنگسو
په ز هن که په دریوش بهاتو سر ه
ظا هرینی : لکه زوی، سره اویلار
په نومویی حالت کسی میره د زوی
په شان دی که جیری بشده د —
د اسی بزیوی خخه جلاشی، نسو
حتماً نومویی زوی به بله پـ
همه نتبیت شویوخوا صولتیوی،
لده که چن د دوارو د روشنویه منع
کی همیشگی توپی موجود نه وه ۱۰۰
کیدای شی چه په د دوارو کورنیو کو
نومویی موضع دارتباطاتو
روشانولو منجرشی دا جوره اون
بود هفوی خخه نتیجی نترسینی
بچه در صفحه (۹۶)

عنعنوی سیستم قطع شو، اودل
سی واقع شوچ دکورنی فروته
داجونه نه و، چی کنم بیفری دکو-
رنی خه حقوق او مسؤولیت نظری.
لکه چی ترنسی درخن پوری بنده
او معه دزرا او بالآخره د طلاق
ترسحده پوری د اخیری رونانی
نه با سی چی شوک د فامیل مشتر
دی :
د مثال په توګه، نارینه پختله
کارگاهه دولتش وظیفه کی) ا پیر
با استعداده سپری دی، یعنی
د اجی یا رئیس او با مردی، مگر
دکور د وظیفویه موردعقول تصمیم
بنده نیس، نولد لته د لنډه ظا -
هری نظره د اسی معلومینی چس
سری اصلا دکور د کارو سره
د موړه علاقه نه لري یونیمه بنده
بیاشکایت کوي، واین چی زما
سری (هیمه) دوهم اولاد دی،
یعنی همه خواهشات چی زما
خخه یا اولاد لري، همدفسی
زمایم، هو تربوی اندازی پوری
غواری پختله میره کن د اولاد یمه
شان نازوتراکت ووینی، غواری
همه وسانی، دده یه حالت



**خاڭىدۇارىيە خېلى ناچىنە اوپېھى خېلى بېتھىيە
خاڭىرىتىاوى لە لاسىھەورگۇي ؟**

کی هفہ نارینه چن اعظمی د
 بندھینی او هفہ بندھی چن اعظمی
 د نارینه رول یی لووپی او لووپی
 یی ، د پرلور شعورا و استعدا د
 لرونکی وی ، او هدایت کم تبیسر
 منوونکی او د وخت از مان سر
 اعیارونکی دی .
 د رول سیستم پس کورنی زوند کس
 بنیادی تبیسرات د خیل اخدا ن
 سره راوی دی بندھی ، نارینه
 ملامتی ، نارینه ، بندھی رسورا و
 پلار خیل اولادونه دا خهره
 هرجاته جوته د .
 پونسته : دغه جنجالونه د خه
 شن خخه سرجینه اخلى ؟
 نعوا ب : که چیری دار بنا طا نو

شه دی ، چن اعظمی خیل
 بندھینی او نارینه خوارم تی ترا خره
 پرلور ساتلی وی د اجرا شیرو
 تحقیقاتوہ اساس تینگار کسو . یی
 شوچن پدغه تیپ خلک همیشہ
 خوشحالی نه احسا سوی مثلا
 بندھے د اعظمی بندھینی خواصو په
 د رلود لوسره نازارمه او بر خیل
 نفس باندی تینگ اعتماد نه لسی
 همدفسن نارینه د اعظمی نارینه
 خواصو په د رلود لو سره د خوانی
 په موده کن پر خیل نفس باندی د
 په اعتماد احسا سوونکی دی ، اما
 بندھینی خوارم له لاسه ور کوی ؟
 هعوا ب : تراوسه پوری د پرسی
 بندھی او نارینه چن هفوی تے
 د رلود ونکی دی مد دی په مقابل
 اصلاح شوی انسانان هم وايسی

نوموی بندھه د نارینه خواصو
 د رلود ونکی د همدفسن په لته
 پونسته کم ، چن ایادا به صحیح
 وی چن سری د یکونه پرمندیس ؟
 هوداد تحمل او دیو هو در خبره
 د ۰۰ اما زیور یه افغانی تولنه کی
 د ومره رواج نلری ، مگر په
 زوند کن او س دا نوی تیپ نارینه
 په غیره دی توکه بخ پرزیانه د
 دی .
 پونسته : په خه بول سره نارینه
 خیل نارینه او همدفسن باندی ،
 بندھینی خوارم له لاسه ور کوی ؟
 هعوا ب : تراوسه پوری د پرسی
 بندھی او نارینه چن هفوی تے
 د رلود ونکی دی مد دی په مقابل
 اصلاح شوی انسانان هم وايسی

همیشه آروچی د نئی زمانی
 بندھی او نارینه د پخوازمانو د بناو
 او نارینه سری په پر توپیر لری . ایا
 د ارشتیاد ؟ که همدفسن وی ، نو
 دابنه ده اوکه بد ۹۵

په نارینه کی د بندھینی او په بندھو
 کو د نارینه خواصو په هکله
 همیشه آورو . ایادا بیوازی تصور
 کهنه اوکه حقیقت لری ؟
 د دی مسالی په هکله بحث : که
 چیری بندھه وکولی شن د نارینه
 کارونه اجرا ، همیشه د انڑی -
 د رلود ونکی ، آزاده او د کارکونکو
 په منع کی د بنه استعداد او -
 د وامداری ، د رلود ونکی وی ، نو
 دا بخیله شهادت ور کوی چو

میخواهد

که در فاکولته درس میخواهد

صاحبه: از طاهر ابوز

پوکه شامل مکتب شد، حالا صفت دوم
پوکه تون درس میخواهد

من هم در مکتب درس میخوانم، هم در فاکولته و هم در مدرسه

اسلامی کابل به نام دارالحقاط.

خیراً ولیکن رمکت صفت چند است؟

۴ ساله بودم که شامل مکتب شدم و حالا در صفت (۲) است.

در کدام مکتب؟

مکتب قاری عبد الله.

در زبان میان سید محمد اقبال داخل اتاق من شود به طرف

کودک اشاره کرد، میگوید:

سید اعظم جان عینی هاست.

بلی، معرفی شده ایم!

سید اقبال پھلوم من نشینید، ممکن کرده میگوید:

خوب، بفرمایید سوالهایی تازرا شروع کنید!

نمیخواهم سوالهای را کلیشه بی وفور مولیق طرح کم، زیرا صیحت

محبوب مارالطمه خواهد زد، پس خوب است خود شروع نماید و

آنچه راکه از روز اول تولد سید اعظم جان تا حال قابل توجه نیده

اید، قصه کنید. اگر در جریان، بازرسش ایجاد شد طرح خواهم

کرد.

درست است.

در حالی که سوی بسرپوش چشم دوخته میگوید:

سید اعظم جان در سال ۱۳۶۲ تولد شده است. امامچه برای

ماجالب واقع شد این بود که او از روز اول دندان داشت.

چند دندان؟

دو دندان در لاله پایین.

لطفاً صفحه بزرگردانید.

استعداد

کودک پیحسا نه افغانی

سید محمد اعظم کے سالہ

مکتب است و همزمان دو

خواهش میکم، هواندن رسد نیست، از جانب همای کشوف میگویم
سوی منزل سید محمد اقبال محمود زی پدرگوی پنجساله

است. سید محمد اعظم

ساعت (۲۲) پس از جاشت است.

با غذه های سید برف، باجله بی که نمایانگر شاد مانی آنها

ست سوی زمین می آیند و با آمدہ کلان قبل شان که جاده ها با

مها و کوه ها را نقره گون ساخته اند می بینندند، تا روز دیگر

آب شوند زینه را از شنه می برهانند.

بانشان که در دست دارم، نزد پلک دری میرسم، نشانی دقيق

است، منزل خود شان.

در روزه راهه مداد رفی آم.

لحظه بی بعد جوانی که در حدود ۳۰ سال دارد، با چهره

پسر از صمیمت، در روزه راهه روم میگشاید.

خود را معرفی میکند:

نام سید محمد اعظم است.

در جوکی مقابله می نشیند، منتظر است تا چیزی برسم. به

چشم انداز خیره میشون، فکر میکنم با ادم بزرگسالی مقابله است، در

نکاه هایش رهه های از صمیمت، جدیت، میانت و صراحت میگوید

بینم، ازش میرسم.

صف جند استش؟

خود را جمع و جور میکند، راست من نشیند، مشت گره کرده

سید اقبال خانه است.

لبخند صمیمانه به لبانش نقش می بندد، دست رافشد، میگوید:

من خودم، سید اقبال است.

هر دو با هم می خنده بنابرآشتبا هیست که من

مرتکب شده ام.

داخل خانه می روم، در حالی که بخاری را روشن میکند میگوید:

حتنا، خنک خورد، آمده اید، بسیار بخشید به زحمت شدید.

کجا چطور؟

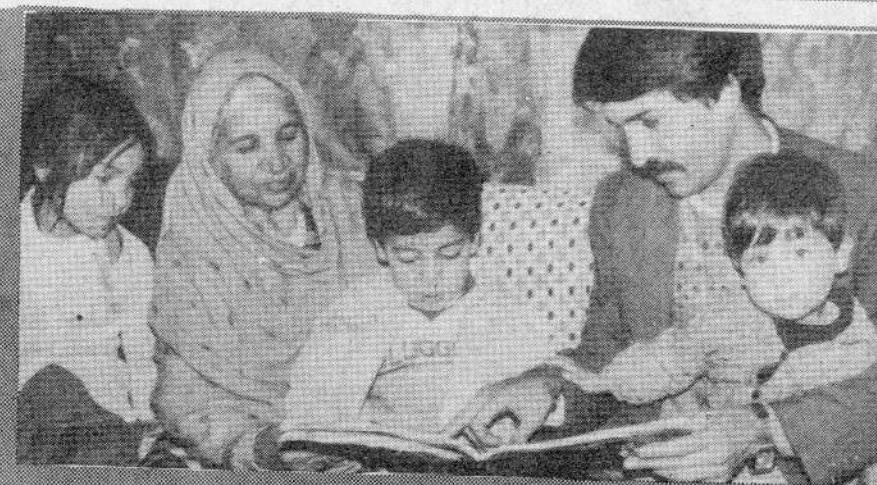
لطفاً صفحه بزرگردانید.



فوتوهای از جاروزنده‌گی نابغه پنجساله افغان

۱ - سید اعظم صروفی محل نمود نسوانات ایاضی
۲ - سید اعظم صروفی محل نمود نسوانات ایاضی
۳ - لاری خاک اورانکه ریس مینها به
۴ - در جمع استاد اسلی
۵ - طاهر شمس روانشناس با سید اعظم
۶ - محمد کاظم وطنیار
۷ - رئیس پوهانی روشان به او کهیما - رسیده هد

۱ - سید اعظم صروفی محل نمود نسوانات ایاضی
۲ - سید اعظم صروفی محل نمود نسوانات ایاضی
۳ - لاری خاک اورانکه ریس مینها به
۴ - در جمع استاد اسلی
۵ - طاهر شمس روانشناس با سید اعظم
۶ - محمد کاظم وطنیار
۷ - رئیس پوهانی روشان به او کهیما - رسیده هد



د هنراو هر هنگ سره د هنده پراخه مينه اوين ساري استعدادي ده
سيب شوجي د بورالي هنرمند په خيره کي را خركند شن . د هنده
تميل او پر خيل بول باندي بور لاس بري د هنده د ليد وونکون سنا -

پنه احساس را بازويي . غواص چن د پيشتله د هنر تكه " با استعداده
او ساقه لوريونکي . لينغاري " نمايشنامه ليکونکي او دايرکسر سره
مرکه وکرم . نود هنده د فتره د هنر " در عرض " د هنر ياد اس حال کي د هنر جي

ستريکي چن او هيکن عي په سترکونکي " لاسونه بوروي او - "ه
غچنه لهجه وای د لنه شوت شنه " د خداي به حاطر مرسته رامره
د کري " درونه " شده نه د هنر ۰ ۰ ۰ په د فتر کي یوخونه جي او غلس
ناس است د هنر . د هنر محنن به ليد لو سره حيرانيم . خود فعنانه محترم
صلبي متريکي برانزي اواجي . د اس حركت بايد وکري . کله چن

د دويي کار پيشن شود هنده خنکه د هنر روح اور تره رخه د هنر وايم :
صلبي صاحب آوري له مي د هنر چن تاس د بيرزري به قصر كيزي " او
دادي اوس وين جي ۰ ۰ ۰ زمخبره بري کوي اواجي : ستاسن د خبرني
برخلاف زه يه آسانی نه په قصر كيزي " خزنيت و خونه د دايرکت به

وخت کي ، اعصاب خرايميز چن داهم به مثل بوروي اري " لري ، کله کله
جعليش شل محل ممثل نه زيرزد " کم خوهمه بير شلوپر خه هم نسيوي
زده کري . برباراه بيخي ليون شم چن با باپرون م ماغره درسر "

وخت هنرخه په تشجي دي . " بدی حساب کويه درج چن دايرکت لري او به خرابا عما بوکرته
سی نوکرني به موهم در سره په ستونزروي ."

- زه د فتره عموي توگه د بعرجا و جنجال ! و ناخوالی هيختکله
کورته نه د هنر . زاد واده بنه وشت کاله كيزي " به د موهر موه " کي
منز خيل ته ترخه خبره هم نه کري ."

- تاس په تميل يار جوکي ، تل د خبلی ميرمن تري پيشبره په قوانده
لاندي مالومني " په کوزن زوند کي هم مساله هعد اس ده اوکه
خنکه ؟ په تميل يار جوکي ، تل د خبلی ميرمن تري پيشبره په قوانده

يد اس حال کي چن سکن سکن کيد وين ويل :

ستادي پوشنن ماته یوه توکه را ياده کري : پايی یوخونت په یونسار
کن پيچن شوي و معلومه کري چن خومره کمان د خبلو پنحوتا بخ و
خومره نه د هنر . د د ي کار د باره به سره یوشنه رنگه و غلام ناکل
نوبي وين . هنده کسان چن د خبلو ميرمن تابع و د شن ملامي ترخنکه

او هنده چن نه د سري علامي ترخنکه بايد دريد لى واي . د بيار تول
خلت به شمول د بيار د مشرد شن علامي ترخنکه دريد لى ، پواخه
پوتن د سري علامي ترخنکه دريد . یوخوني چن د بيار د اتل به توکه
پيژنده ل شوي گزير . پوشننه وشه : ست د موقعيت رازه خه کي دي ؟

نوبور په ديل : کله چن را لامن نوميرمن م راهه ديل : چن د سري علامي
ترفون آندی بايد و ديرم اونکه نه .

- تاس ته وخت درك کر چن : د تميل ل هنر کي د هنر استعداد لري
او خومره وخت کيچي چن د هنر به توکه کي موکام ايجي دي ؟

- د هنر خلوبنست کاله د مخه زه به کند هارکي به شيرم توکل د . جا -
ن محمد بيار چن به توکه کي ی زده کري کري و ديزونج بنونکس
و ، هنده د تميل ل هنرسره په بعرکي آشناي بيداگزري و دعويست
چن چي به کند هارکي هم تيازرا تميل چن هنده وخت د ناتاکه به نوم
پاديده رامفع نه کري ، د هندي هدد بياره یوه له زده کونونکه
خنه خونه غوره کرل چن زه هم په ههدی په له کي را لام . بدی توکه
پرته له د هنر چن د تميل ل هنر هنر آشناي ديل . د هنر تر يه

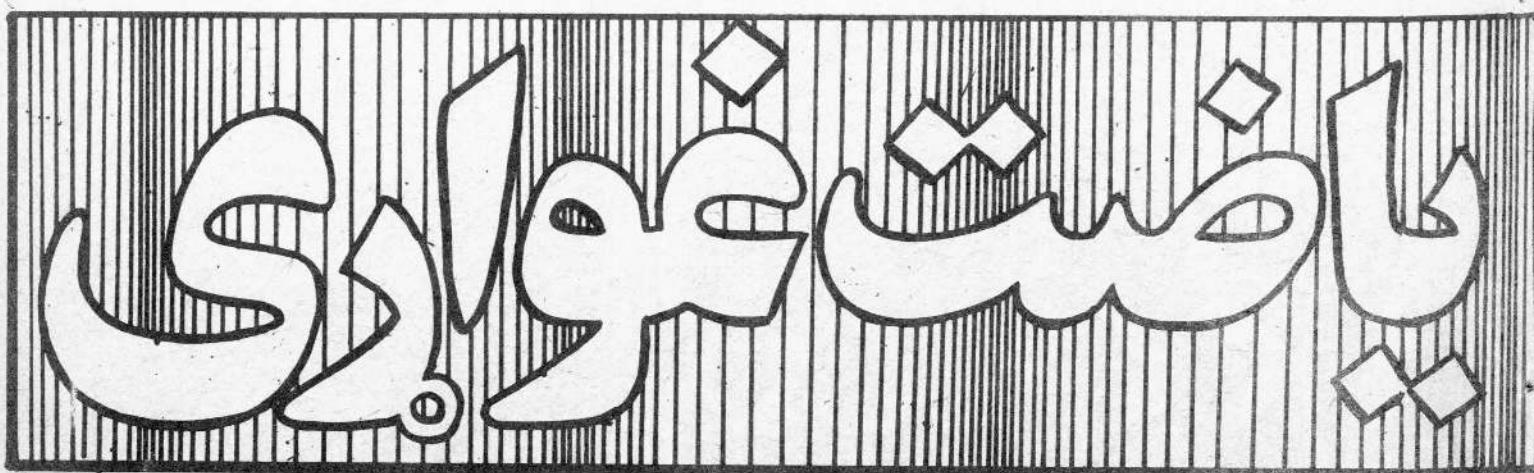
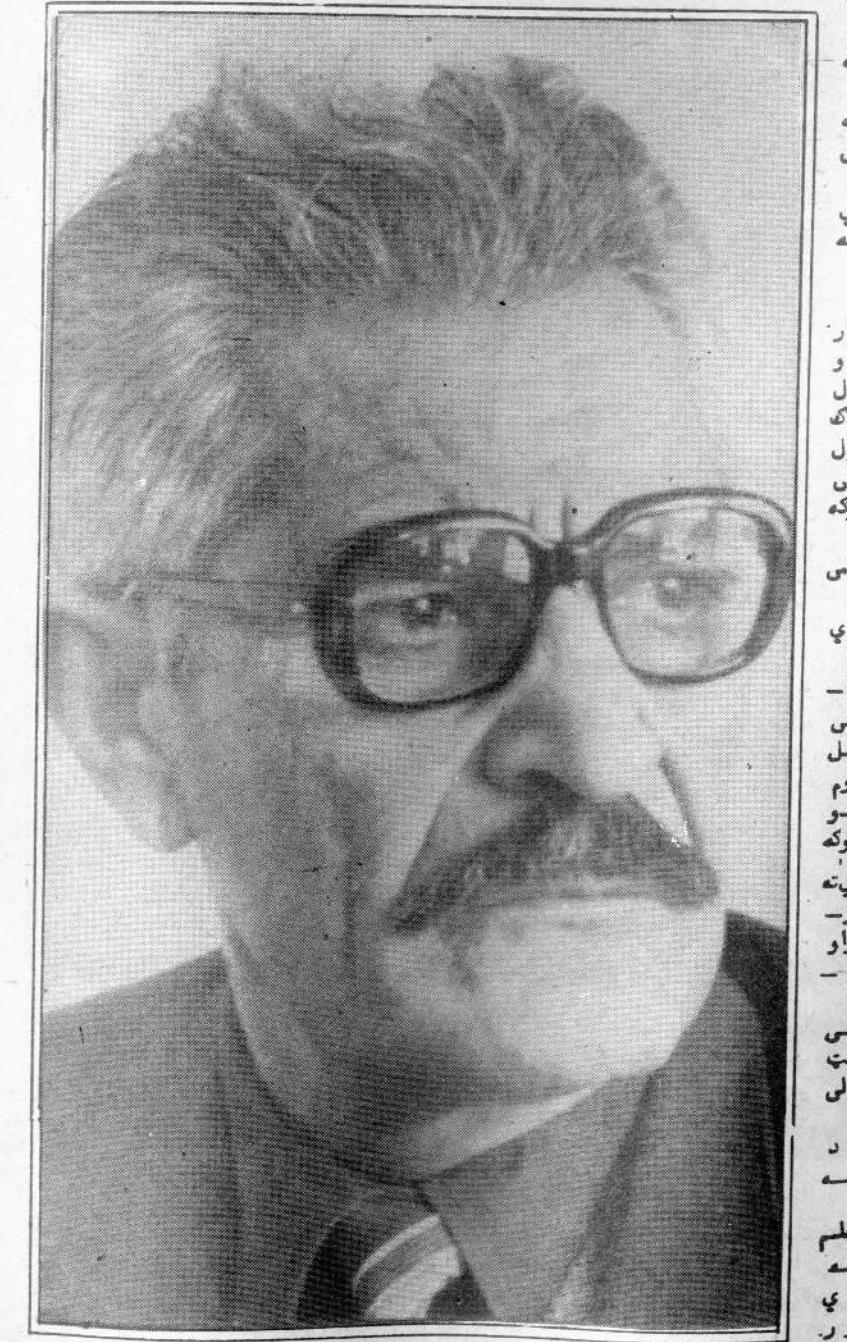
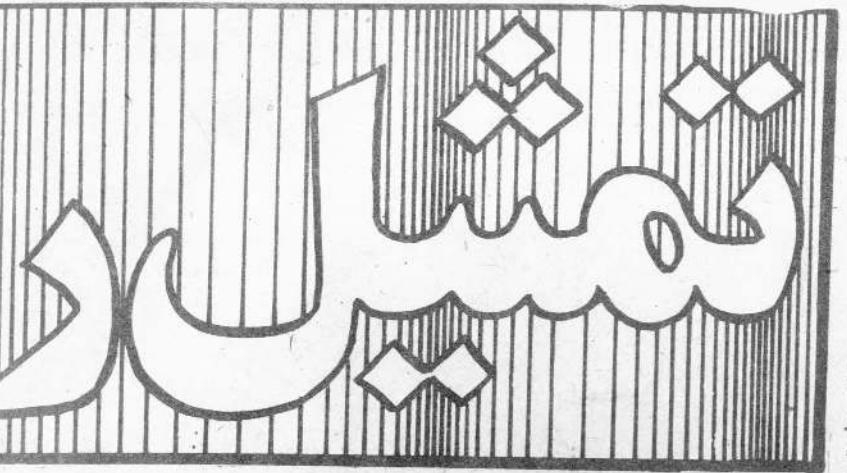
نتون . خوده بزوم له د هنر سره ليواله پينه پيدا شونه اولاد بور -
محتنکه لباره کابل نه را غام . په شيرز ديرشم کال کي مه راد سواو
پيونعن دنداري سره حمله کري په لول د باره مه د -

" لور " په را بوری بورام کي چن زما لينکه و پيرمه و اخيستله .
- نوبه د توکه تاس اه اوله هرگاره وي ؟ . د اس حال کي چس
به خير خير راهه کورب ، به خند او اوي : راد بور اس ده لکداره هت
سلواده چن بايد صردد یوخه پکي وي . خنی وخت چن د ازند نشتوالي

سره مخانع شونوپياره قلم اوکاند را احمل او پوشه ليکم .
- تاسوله تميل سره " د ميكروفن ترشاوي که د ستير بسراها د
تلويزيونه بوره کس تل له بور سره مخانع کيچي ، تاس نه پسه

کوئي برجي کي تميل یوه زه بور دي ؟

- سره ده يچي زه د راد بور يچي اولترين چون نمايشنامه تيازرا و د فلم
په تميل کي برجه اخلم خوتيات راهه تريلوپه نه بوری د هنر . محکمه
تيازرا د تميل د هنر لرعون بليله او بشكارنه وي د هنر . تميل د بور ي
حل د باره به توکه زه شواز ده رايتا ترد ده اهبوله طهور

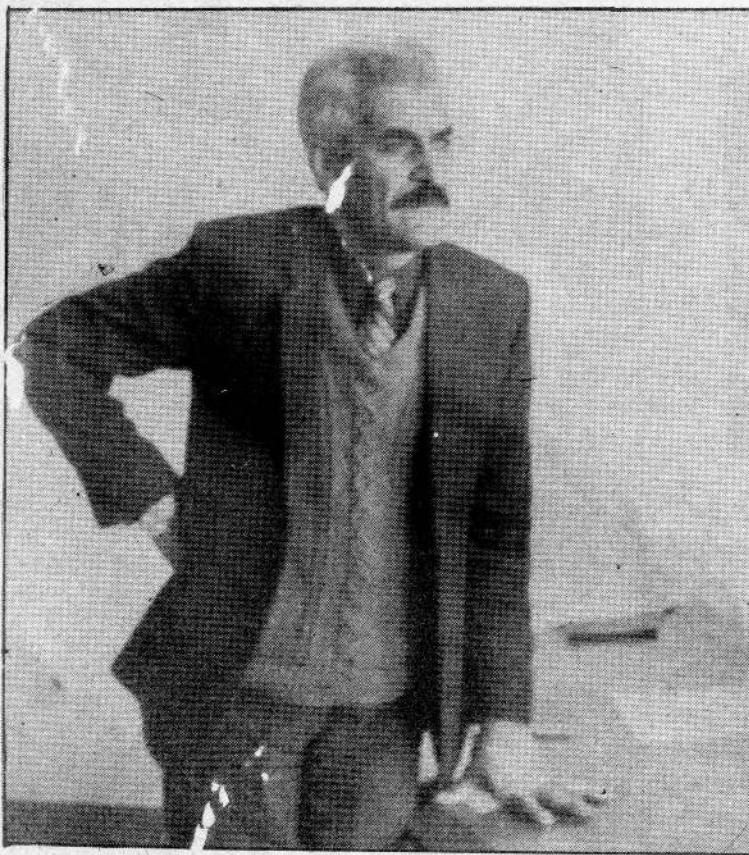


د. فضلي سره مرکه

دریومیلیونوفند د یوتیاتر

نهشی ما تو لای . . .

مرکه کونکي : د لحوم



سره یوخا رامفع ته شوید چن بور ی د کليماء له مبوبونو خونه
د ستير به توکه کارا خستک کيده . ما هم تميل به تيازركي بيل کر او -
غواص چن تل له تيازره نه شلید ونکي ار يک ولن اينتميل ته
پکي د وام در کسرم .

- تاس نه هنرخه هنري کار به کوه نمايشنامه کي تر نوره زما -
به زه بوری دي ؟

- د ((قفرمانانو)) به درام کي له خيل تميل خونه رصایت لرم . مایه
د هنر خلوبنست کال کي بندقه بورام کي چن بورازيه ي اتودزيمانقلان

شاعر رول به غاره درلود . دا درام به بير زيات خلکود خونس دروگر -
خديد . د ومه مياشش بوله پس پرستير و جلید او تکه عي ده و ده -

او جتیده . بور د وح د ددي نمايشنامه ننداري ته چن د کابل سينا بر

ستير بندول کيده . د وخت صد راعظ هم راغلی و . کله چن نمايشنامه

و نمودل نمه . هنده ستير ته را بوره شواره ته کنار کر . او هم

((لا برياليتوب موغوارم)) او دا خبره بور راچي غافل . ديل :

عن سل زه افغانی د بالي به بول راگر .

- تاس په خيلو خونی کارونکن ستونزی لري ؟ او هم وخت کس

د عيواد د تميل د هنري عكله ستاسو نظرخه دي ؟

- هنرمند کيد ل . ديرگان کاردي . تميل سويه غواصي " استعد اد

غواصي " کاراوه اه اخلاق غواصي او تريلو هم رياست غواصي . موئ

لا بركم او د کوبونه شميرد اس . لونغاري لور . خونه حقن کمان د هنر

انتصادري ستونزله کله يام همین ددي له باره چن ممثل و دسته

بوييل شن . راغلی د . بل د اچن اثرنه لور او بيد هي هکله د لکوالو

اتحاده يه هم له مزه هرمه هرمه ته کوي . عبد العالان ملکي پيرسي

به زه بوری لپکش کوي . خونه هم اوں له تهلي . خونه کارا خلي .

خوله د ي تولو سره تن دیز نه بوراچي د تيازركي بارزوندي کيد و

له باره هنده کيچي بله تيازركي به پيتشونه هم فعالیت ولسي .

بايد زيات کرم چن د تيازركي را زوندي کيد وکي د قادر رفعت زما ر

او کوشن د قدر او ستایين هر ده د خودولت بايد به کابل کس د

در بول ملیونو تندو باره باره بوياترسينه ونکي او خونه نور تيازرنونه

هم جوی کري او هم به خرولايت کي پايد تيازجور شن .

- تاس په کوشن د تيازركي د کونکن هنر تر نوره

زيات خونشيني ؟

- دالن دولن او استاد رفیق صادق تمیل ماته د بوری بور .

دي . د استاد رفیق صادق هنرمند د ومه خونشيني چن کله کلمه .

من د هنده بوری کوله . هنده کار بیچري يالستيک و د متوري

شكل او به تيازركي د قادر رفعت تمیل هم زما بام حان تمار ولي د .

- غواص یوه شم چن ماساواه حاجي محمد کامران د کرکوند هم

تیبیت والی کي توشیر شنه . که دی هنده به کم دی ؟

- حاجي حمد کامران بور بیزندل شوي کمبه د هنر هم خان

به کمبه په بوری حمد و که په دی . بروخت مایه بور د رام کي هنده ته

يو ترازیه ي رول و دکر چن هنده ونه شولونکي . پکي هنده شخص

کمبه کرکش لري . خورما د خيل تمیل ساحه حمد و د کري نه د .

ما تراوسه عرکترها هم کمبه هم ترازیه . لور بول د .

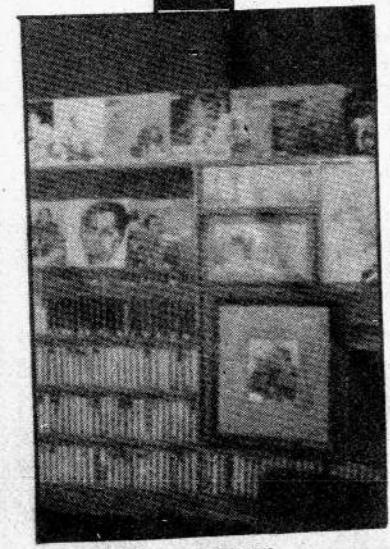
- چنی هنده نمايشنامه چن د بورنونکله اثار و خونه زيار

کيچي او زونج له چاپریا سره د ومه توافق هم ناري . به د هنر

ستاسونظرخه د . د مثال به توکه د ((ازدواج)) نمايشنامه .

باتش به (۱۴) مج

دریک آرشیف شخصی



۴۷

نژم موجود است، وهم بارچه های از استاد فقیر حسین، استاد محمد عمریاب نواز، استاد برشناه نیماز و گویتراد را آرشیف خود دارد.

خلاصه دراین آرشیف از محلی تاغل های ناب وجود دارد که بارچه های استاد توانبا استاد سرآهنگ در تشكیل میدهد که به مزا ران بارچه میرسد.

بارچه های طبله از استادان وزیده هند چون الا رکا، شانتا برثات و پیزان، همچنان در بخش سرود و ستاره بارچه های از استاد ولایت خان، عبد الحکم، جعفرخان، رئیس خان، استاد موسیقی زانوزد من موسیقی را - علی اکبرخان و استاد بم الله - خان شهنازی نواز معروف هند دراین آرشیف موجود است. بارچه نشتم احسان مطعن زده گش میکم. و صرف به هارمونیه و تبله دسترس دارد.

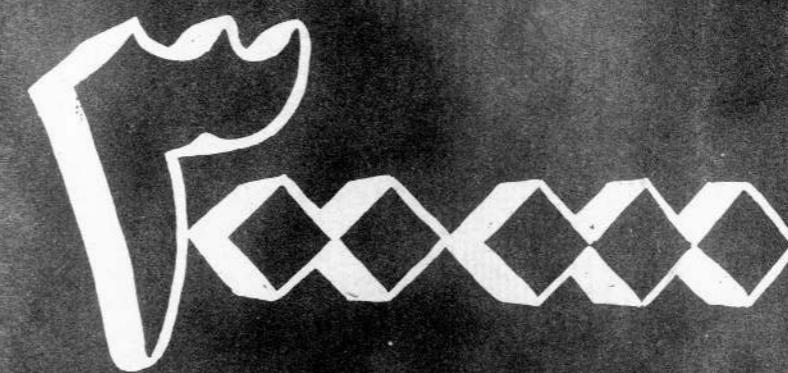
گنجینه پریهای این آرشیف را بینشتر آهنجایی کدام آوازخوان تشکیل میدهد؟

- بیشترین آهنجها زبانی موسیقی میباشد من وقت مرحوم استاد سرآهنگ راشناخت موسیقی را - شناخت استاد بزرگ موسیقی مشعله ارمنکب پتیاله، در حلولی کارهای شربخنی امیا زات دیگری نیزد است. در کم و جوان فلکلور محلی پک تعداد خواهند گردید.

این آرشیف کوچک دارای - ریلای فراوان به اندازه چهار هزار حلقه که دارای سه مد هزار بارچه است و از ۳۰ مال به این طرف درگذ آوری آن کوشیده ام، لعجه مانند مردانه بزرگ بود. وی ناگفت نیاید گذاشت که بارچه های درمکب پتیاله هند نزد استاد - عاشق علی خان زانی شاگرد بیزد کلامیک و غزل مرحوم استاد قاسم و بعد از شانزده سال دیواره به آرشیف خود دارد؟

که به (۴۰۰) بارچه واژ مرحوم مزانظرکه به ۰، بارچه میرسد، لطفاً صفحه بزرگ داند.

پارچه آهنگ

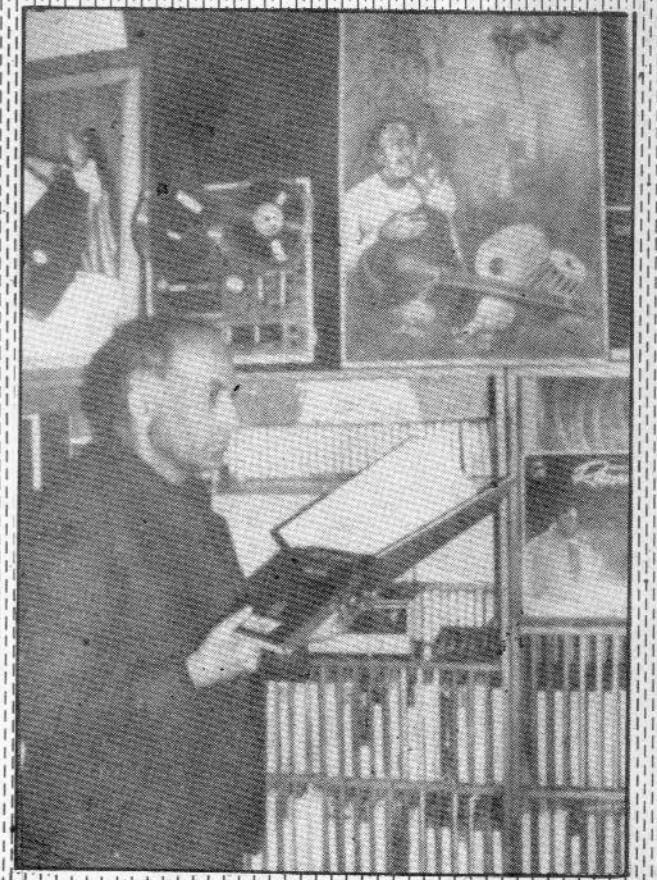
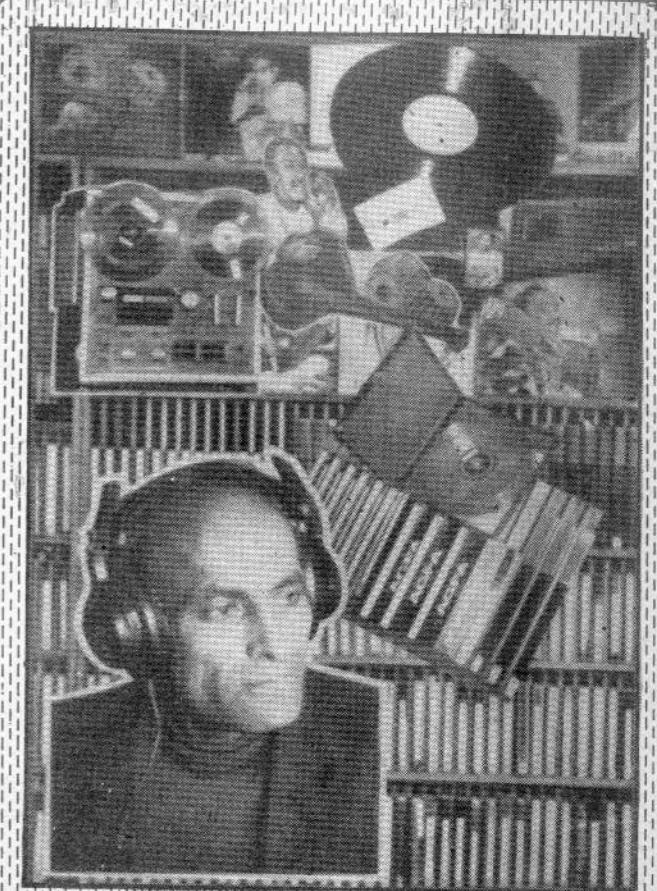


هر آرای پارچه آهنگ استاد سرآهنگ راین گنجینه موسیقی موجود است.

مید آنست که زمان رادر لا - میشود، رنگهای زرد و نارنجی به بلای موسیقی به زنجیر گشیده ماند. شیشه هایی پنجره میزد.

گذشت لحظه هارا تو اموش میکم. اینجا نزدیک که در فضای آثار باخش هر آهنگ که در فضای آثار با خاموش طینی میشود از همان لحظه نخست های ازان بزرگردن از دنیا میشود که با یکی از دو قندان موسیقی چون ایرهای سیک ازاق خاطرم میگرد و تصور هر کدام در تزیین جالب اتفاق گذاشتند ریلما آینه چشانم من نشید.

وکس ها، تابلوها و تابعاهای در هوا هنوز هم بوي نم باران دارد. هر قسم و هر گوش و کارا تاق جلب تاد بروقت های نوای موسیقی گوش توجه میکند، همه حاکی از ذوق



آخر رادیوپرزنامه را برای ابوی اختصاص دهد او آهنگهای آرشیف خود را شتر میگرد.

دانندۀ رحالیکه نزد من (۱۰۰)
بارجه موجود است.

چگونه توانستید آهنگهای
کلاسیک و غزل‌های استاد قاسم

و دیکزان راجمع آری کنید؟

سال‌ها قبل من همراهی یک

گروه هنری که در ولایات هنر

تشیل را نایاب میداند، سفر

داشتند، در قله های در راه، به

د و کانه‌ای رفت، بکارهای جمیع

آری میکردند.

شما در شمار آهنگ ها باز هنر

مندان ایرانی نام نبرده یعنی که

از آنجاتوشی یعنی تداریک

چرا دایع آهنگهای از گوشه

مرضیه، دلخواه عارف دام و هم

د کلمه شعر نطاقيان را بایران

در اینجا موجود است.

اگر از شاخهای شود که از جان

دایر، چون زمینه رفته تاکنون

به هند می‌رسند لذا مکاتب

کشید؟

اگر صرف مطلع غزل را بگیرد

درین لحظه، آن بارجه مورد نظر

شخص را پیدا مکنم.

ایا از آرشیف شما هم هنر

کا هن دیدن میکند؟

بلی دروازه خانه من به روی

هر روشند لی باز است آهنگ ها

که ندق و علاقه سرشار به موسیقی

د از اینه را کشماد را رشیف خود

د اید، را رشیف را بایران

نیز موجود است؟

نه به صورت قطع، طوفان

د را بایران استاده قاسم ۱۲ بارجه

۳ و ۴ پسران و دختران توسط
استادان و زنده و دست‌اندر -

کاران موسیقی تدریس می‌شوند.

همچنان تقاضادان ناکتاب
معروف استاد سراج‌نگ که در -

ایام زنده گی خود نوشته است

به زور طبع آراسته شود تا زان -

همه کسانی که به هنر موسیقی

اشتغال دارند مستفید کردند وهم

از زوییم تا یکمداد او از های

غزل و کلاسیک استاد که در آرشیف

راد بی‌وجود است به صورت کمتر

به بازار عرضه گردند وهم بروگرام -

درس استاد که آنوقت در لایلای

امواج راد بیان‌کار می‌باشد

صورت کست به دسترس علاقمندان

قرار گیرد.

ایا حاضر استید آرشیف خود را

در دل اخذ قیمت به دسترس من

راد بی‌گذارد؟

غزگنه، ولی اگر بروگرام شخصی

برایم بد هند از بارجه های آرشیف

خود در آن استفاده خواهیم کرد.

شمارتیاط شعر را بایران موسیقی

چگونه می‌انسید؟

چنانکه اراده براعصاهه حکومت

می‌شود، همان قسم شعرو موسیقی

براراده حاکم است.

شصتین موسیقی مثل غنچه ایست که

هنوزد رست شگفت نشده و عطر ش

به خوب احساس نمی‌شود، شعر

موسیقی را روح می‌هد و موسیقی

شعر را شاعر خود را و موسیقیه ان

هرمه را!

خارجی مهدی حسن و همیشت -
کاریام از نزد یک دیده اند

و در تنظیم آرشیف مراکف کرده
اند.

آیا هم اتفاق افتاده است که

آهنگ راخواسته ایدولی نتوانسته

اید به دست بیاره؟

من هرآهنگی را که خواسته ام

حتماً به دست آورده ام.

بزرگ این حساب همیشه نان

نامیل را گرفته اید؟

نان فامیل را نگرفته ام ولی آنرا

کم کرده ام.

چون بیشتر بارجه های این

آرشیف از خواننده کان و نوازند -

کان هندی و ایکستان است آپا

با آنان مکاتبه هم داشته اید؟

شما حتماً حافظ راندیده اید

ولی آشعار او را خیلی دوست -

دانه - چون زمینه رفته تاکنون

به هند می‌رسند لذا مکاتب

نشادم.

شما همیشه موسیقی می‌شنوده؟

بلی!

ایا اعضاي نامیل اعتراض نمی

کنند؟

این مرض است که به همه

سرایت کرده است.

بر راچیلی باز است آهنگ ها

و شنونده های آن چه بیکاریه

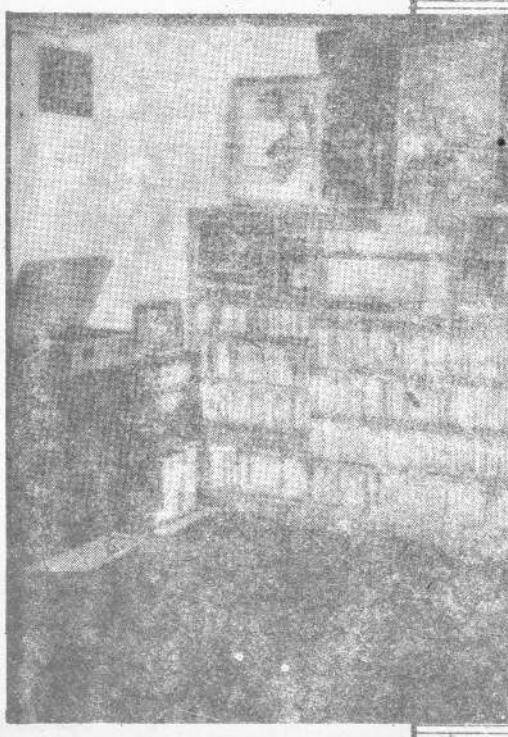
موسیقی اనسانی هرگز راه رسد

و شکریای رانخواهی بیرون، نگر

میکند. این آرشیف را من بس

کم دوستان عنزند و هنر وست

بنیاد گذاشته ام. از هنرمندان -



دَبَّارِي

سال ۱۹۸۸ میلادی

ملکه زیبایی
مسوکیستی زیادی، کم موبایل و فارماقی

کاری که تصویش کامل -
غیرمادی بود .

((سابقه نیمی ۰۰۰
آنهم اینجا در مسکو؟ غیرمکن
است ())

العلای درانست که
برداشت و تصویرمدم شیوه ای از هفت
برتری زنانه، زن امّق و با کلامت
دوشفلش بوده است، ولی زمان
ایده ال های تازه را بدست
انسان مددوه کیار دگر قلب ها
بخاطر نیمی، بخاطر زن نیمی،
خوش اندام، فرمینده و رمانیک
می تید و دقیقاً همه اینها در -
سابقات نیمی او دیسه،
نهانیوس، ریگا و سکو، جاییکه
نفسین روند مسابقه انجام
پذیرفت، پیش میخورد، برای
اکثر این روزها واقعاً چشم
تلقی میگردید .

شایه طالی سین هنرمند مسورد
پذیریش قوار گرفته است. آنان
ادعاء منور ندک اگر طبعته به
هرچه، چهره، فیما بخشیده،
نمیگران باید فرست تحسین و حظ
بردن آنرا داشته باشند مخالفین
همچو ((امتیاز ایغ))، برافروخته شدند
و همه خدمت و میکنند ((چهره
و اندام فیما هم چنین زن نیست
واضافه بران، انسان زنانی را که
مواظیت خواهد کرد؟ مشمول است
ارایش به عده کی خواهد بود؟
ایما کدام روانشناس این مشمول است
وابعده میگرد تا هر یعنی نشمار
روحی را که ممکنست برای ((فیما
بران)) اغایق بیفتند، رفع کند؟ و -
با آخره مسکور چشمیوی چگونه
((ملکه نیمی)) است؟ فیما
روی دارای موهای کم و باقی سار
(مانند هیرویون های تنه های
فولکلوری روس) یا صهری از ((زن
امروز)) - قد بلند، باریک و -
دینامیک؟

فیصله برآن شدک چهره
خوب به تعابی کافی نیست -
((ملکه نیمی مسکو)) همچنان
جهد کارهای این تعابی بود .
رنبار، سلوک و مرامات ادب -
معاشرت کاندیدان یادداشت
جهد . بخش ذهنی مسابقه رامه
تفه در صفحه (۲۲)

متوجه: ستانک

د از کاوت و تحریمات انتہ سر
خوددار باشد . از اینکه این -
نفسین مسابقه نوع خوش بود،
هیئت تیزی در بسا موارد با
نشوانی های مواجه میشود خود
را اجاز احساس میکرد، نیز بروای
انان انتقام یک برند باتاعم -
معنی از میان اینها زنان جوان،
نیما و دلک کارساده بود .

در جهان مسابقه هرگانیمید
بایست استعداد ایش را به نمایش
میگذاشت . خواندن اهنگ،
آجری و قص، خواندن شعر و -
نایش لیماش شمانه (که توسط -
خوش دوخته شده باشد) از -
جهله کارهای این نمایش بود .
رنبار، سلوک و مرامات ادب -

معاشرت کاندیدان یادداشت
جهد . بخش ذهنی مسابقه رامه
تفه در صفحه (۲۲)

مشترک بود که چندین کمپنی -
پشتیبانی مینمودند خوش میگردند
که بالآخر نیمی و نه ظرفیست
تحمل از میان های شوارزندگی به سوس و کارتیرو ۰۰۰ به آزمایش



۱۱۵ کیلوگرام وزن داشتند.

بروزن ترین نوزاد جهان در سال ۱۹۶۱ از مادری در جنوب ترکیه زاده شد، او ۱۰۸ کیلوگرام وزن داشت. کوچکترین مولود جهان که تنها ۸۳ کیلوگرام وزن داشت، در سال ۱۹۳۸ در انگلستان بوجود آمد، وی هنوز زنده است.

اولین عمل جراحی

اولین عمل جراحی در سال ۱۱۲۶ توسط جراح نظامی پادشاه انگلستان، ژرژ دم با موفقیت انجام شد. کهنسالترین مردی که تن بعمل جراحی داد جیمز بر اهل نگاز بود روی درسن ۱۱۱ سالگی به انجام عمل جراحی سلامت خود را باز یافتند ۷ نوامبر ۱۱۶۰ مردی که بین از تمام مردم جهان مورد عمل جراحی قرار گرفته، یکی از سریازان افریقای جنوی (لیونل دویست) است که در نتیجه انفجار مین مجروح شد و ۴۱ بار مورد عمل جراحی قرار گرفت.

قد بلند ترین انسانها

چندی پیش مسلم شد که بقاوی اسکلت میمونهای انسان نما که ۲۵۰ متر طول قدشان بود، تقریباً در پنج صد هزار سال قبل از میلاد میزیسته اند ولی هنوز شواهد دقیقی در زمینه قد واقعی انسانهای غول بیکر ماقبل تاریخ در دست نیست. بعضی هائیندیده دارند که غول بیکر ترین و قد بلند ترین مردان روزگار ما شخصی بنام (روبرت پرشینک وادللو) بوده است. وی در سال ۱۹۴۰ در میشیگان وفات یافته در آن هنگام روپرتو ۷۲ متر قدر و ۲۲۲ کیلوگرام وزن داشت. در حال حاضر قد بلند ترین مردان معاصر مردی هلندی است که در سال ۱۸۹۸ در آمستردام پای عرصه وجود گذاشت این مرد که (البرت یوهان کرامر) نامیده میشود، ۴۵۰ متر طول قد دارد. قد بلند ترین زن تاریخ خانوی بنام (ماریان وهمبا) بود که ۲۵۰ متر طول قد او بود. وی بسال ۱۸۶۶ بدنیاند.

شگفت‌های آفرینش در خلقت انسان

هنوز بد رست معلم نیست که انسان درجه زمانی بوجود آمد و اصولاً عمر منظمه مابچند میلیون سال میرسد. تعداد راین مورد فرضیات وجود دارد که پرحله قطعیت نرسیده است. در حال حاضر حد منی زنندگه منظمه ما ۴۹۰ میلیون سال قبل بدیده امده باشد، قدیمی ترین اسکلتی که از انسان بدست آمده از مغاره های اولاًی تانکانیکا بود. در سال ۱۱۰۹ از این فواره های بقاوی انسانی کشف شد که جمجمه آن مجهر بدنده ای باشد. خانه ای اس. بی. کیلی، رئیس هیئت بژوهش‌های باستان‌شناسی نام این انسان ماقبل تاریخ را ((فندق شکن)) نهاد. طبق برآورده های مسلم و دقیق علی این انسان ششصد هزار سال قبل میزیسته است. اکتشافات بعدی در همان غاره انسان داده اند که انسان مزبور قادر بر بازار سازی بوده است.

پراولاد قریبی مادرها

شاید مادری که فهرمان مادری در دنیاست، خانم فلور ورو- اسیلیت متوفی ۱۸۷۲ باشد که ۲۲ بار حامله شده و ۶ کودک بدنیا آورده (۱۱ دوکانگی، ۲ سه کانگی، ۴ چهار کانگی) بسال ۱۹۶۵ در پنسیلوانیا از خانم ((فلورانس باچمن)) عکس تهیه شده اند که اورا در میان نواسه‌ها، کواسه‌ها، نبیره‌ها و ندیده هایش نشان میداد.

خانم بنتی هالی که ۹۴ سال از عمرش میگذرد و فعلاً زنده است دو ندیده دارد، تعداد فرزندان، نواسه‌ها و کواسه‌ها و مجموعاً ۲۰۶ تن است.

چند گانگی ها

تاکنون دوبار از نوزادان هفت گانگی سخن بیان آمده است که هیچگونه گواهی هم آنها را تائید نکرده است. اورده اند که در سال ۱۶۱۰ که در سال ۱۶۱۰ در آلمان، خانم انازو گومر دریک شکم دختر و دو بسر جهان آورده است ولی میدانیم که تنها دلیل وجود این گمان، همانا مجسمه بی است که در سال ۱۸۱۸ از او بنیاد شده است و شاید دروغین دیگر در سال ۱۹۱۸ در نیا چیزی را میگفت: که مادری هفت گانگی زاییده است. با ایننه علم طب ثابت کرده است که دریک شکم بیش از شش طفل نمیتواند بارور شود و تاریخ علم تنها پنج مورد (شش گانگی) در این زمینه میتواند ارائه بدهد، که هیچجیک از آنها زنده نماندو اند.

بنج گانگی ها بین از شش گانگی ها که وجود نشان بسیار نادرست است، عمر میکند. مهد اعلم ثابت کرده است که زندگی آنها طولانی نیست.

دو گانگی های بهم چسبیده

اولین دو گانگی بهم چسبیده (که یکی از اعصابی بدنیان بهم چسبیده و با مشترک است) در تاریخ، ماری والیزا جالکرنسن است هستند که در ۱۵۰۰ در زیدنند انگلستان بوجود آمدند و ۲۴ سال عمر کردند.

د و گانگی های بهم چسبیده مشهور، سیامی چانک وازنک بانکر، روز ۱۵ اوریل ۱۸۱۱ در سیام تولد شدند. اینان با خواهران ساراواد لایند میتوانند ازدواج کردند و اینان صاحب ۰۱۹ فرزند شدند در سال ۱۸۲۴ روز ۲۶ سالگی بافانله سه ساعت از یکدیگر بروز حیات گفتند.

تاریخ طب عجیب ترین زایمان یک دو گانگی را در سال ۱۸۴۶ در استرا سبورت ثبت کرده است بنامه زایمان این دو گانگی ها ۱۳۲۱ روز تمام طول کشید، طاق اول روز ۳ ابریل بدنیا امد و چفت دیگر ۱۲ سپتامبر تولد شد.

مادری که رکورد دو گانگی زاییدن را شکست مادام و اسیلیت است، مهد ایلکساد رسیلی نیز کورد مه ثبت نمود، زیرا بایزده بار دو گانگی زاییده، اخرين دو گانگی های او در سال ۱۹۴۷ زاده شدند.

پر وزن ترین دو گانگی های در سال ۱۹۵۰ در میشیگان از مادری ۲۲ ساله بوجود آمدند. ((جف)) ۱۲۵ ر، کیلوگرام و دان-

داستان کوتاه

نویسنده: حسین فخری

لازم دارد سرمه



کهدم :

چرا مرادرک نمیکشد، چرا ۱
نه خاموش بودند یا آن را طیبیتی می
پنداشتند. جوان را زستایا قصه نمود و گشیدم
ترحم شان را برانگیز، اما بیهوه بود. ماقبت به
سوی تصریحی از بانگران که در گشه دورتر -
آمده شده بود، رفت و با داد و فریاد گفت:
- توازنه نزدیک تیوودی، چرا گذاشتی؟
چرا این پشتهای نکردی؟

اما او همانطور درازگشیدم بود و چیزی کوچک
تین تاثیری برآورده بود و من ازشدت هیجان و
از ترس این که رسایی به بار اید بدواره سرتخت
انتیدم واژشم عرق میختم.

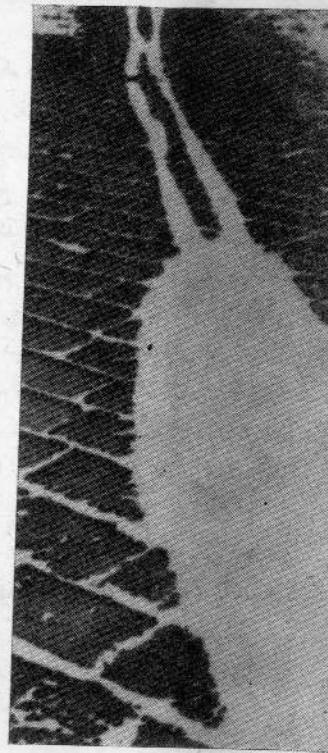
به گذشته های دور ماندیشیدم. به روزها
والعلی که در صحنه کوچک و خان الودی به نعلیش
میپرداخت. در بانی هایی که غالباً ناطقون و نسا
خش آیند بودند، شوک میکردم. نیایش‌هایی که
مردم تعا به خاطر نیدن رقصهای آن می‌آمدند.
نش هایی که در سوز سرما و گرم اجرا میشدند. چه
تحفیر هایی که تحمل نکرده بودم و گاهی پس از ایام
نیایش از درود بیوار و کوچه می‌گردیدم و از بازگشت به
خانه شرم داشتم. خلاصه بسیار تاریخها و مختصات
کهدم و تاره آن روزهای دشوار را پشت سرگذاشت
بودم که این طور شد.

دوباره از جابر خاستم. نورکش شمع می
درخشد و سایه لرزانم را کوچک و بزرگ و دراز و کوتاه
می‌ساخت.

با خود ماندیشیدم:
- نهاید گذاشت که این طور شود ۱
می‌سین آمده است به سوی تصریح می‌گردید
بنیه در صفحه (۲۸)

* چیزخواهی‌نی د در انتظارم بود: ناچند لحظه
دیگر روی صحنه صرفتم و در برابر تماشگران مانیستادم
آدمهای نیادی روی چوکی هاشسته بودند. ساكت
و آرام مرا مینگرستند. هشندند، آنها را مینخدانند.
شروعال می‌خشیدم. به شکنن و امدادش، اجدوار
و اندیشنان می‌ساختم و گاهکاهی هم چکیستادم.
به قدری خوش و سرمه بودم که سوزانیمی
شناختم. هیجان تا آن زمان ساقه نداشت. از
شدت خوشحالی تعبیرهای میرقصیدم. وقتی به نایش
و استقبال تماشاچان ماندیشیدم، قلم دیوانش
بهرن آسمان گرفته و پوشیده از ابرهای تیره و تار
بود. باد از روبرو میزد. اطراف را کوه های بلندی
احاطه کرده بودند. اضطراب و تشویش خاص روح
رامپشد. همه چیز در ظلمت و تاریک فروهرفت.
شکست و گفته قدم بر میداشتم. به مجرد رسیدن
در افق سست و محال بر تخت آفتدم.
می‌کشیدم انکار را که خلی درهم و پره
بودند، منظم نمایم. همینداشتم که در کار، کارگردان
بسری هست که اگر بخواهم گره آن را باز نمایم، کوشش.
بیهوده عی خواهد بود. دوباره سرتخت شستم.
سیم راهان زانو اتم گرفته بودم. ۰

هر قزچه را و گردش می‌گردید. ره روم تمازه
هر مرندان روی دیوار خود نعلی داشتند، نیمداشتم
آنها مرا میندیدند و صدای رامشیدند. خونر دی
بنی غاویق مجیب و سعنای از درود بیوار اتفاق می‌یارید.
کم کم آنها به حرکت درآمدند. یکی چشمک میزد،
دیگری سکری در گشه! لش داشت و دوش را به هوا
رها هکرد. یکی دیگر بانار پیش بانی داشت و دیگری
بلکه باره تمام امدها و آرزو هایم شکست. مثل
میله در رایم خشکیدم. نفع هایم بسیار کوتاه و تند
شد و سخن گفتن را بایم دشوار کرد. چند لحظه
گشیدم، سواسیم گش راشونی و مزاج معمولی



د ارم او از خوانان و هنرمند انيکه
شريک احساس مالک وجیزه هايس
میخواستند و میسرما یند که من شود
بدان گونی فرونهاد و در را بزر
چهره های رانیزی میتوان نگاه
کرد که نه اينکه باداشت هایشان
برا حسابر انسان دست نوازش
من کشند بل آنجنان نابخرد امه
در رب گوش آدم رامی کویند که
جاد از د مستشار را گرفته بمه
معدرت نشینی که براي پل -
من شود کار بار د پگري براي خود
دست و ياكو ؟ از که بايد گرفت ؟
شعر تاحدی ناد رسخواند و
من شود که ائمه جاي شاعر
وازه ها زيان باز گوين داشتند
باشند فریاد خواهند برا آورد که
((مانیستم)) تارها بزده ها که
هرگز حاضری آشناي باشد
نيستند و ...

د رمیان آوازخوانان جوان،
راد بیوتلرین یعنی سراغی برده از
نواد رامزکه در مین اواخر، با
آهنگ ((د لمون نیدانی)) که کابی یک
میدان نیدانی ((نام د فناست))
آهنگ عربیست، به دلهای -
علاوه مندانش بیشتر رخنه کرد و
راه یافته است. نیاپد نگفته گذ-
شت که آهنگ تازه ((نام د فناست))
که از ساخته عای محتم شاد کام
من باشد نیز بر شمار علاقه مندان -
آوازنی افزوده است. که فکر میکنم
در این دوره طرز محلی آهنگ بیشتر
از سایر جندها موثر بوده است.
نواد رامز جوانیست خوشبیها
و خوش نشست. سرو صورتی دارد
که بیشتر مردم پسند جوانان امریز
شهرماست. چهره بشاش و جبهه
فرابخی دارد که وقتی با او هم
سخن باش احساس خسته کسی
نمی کسی. از صحبتی چنین بیده ا
بود که به موسیقی عشق دارد و از
همه جاست که با احساس آواز -
میخواند و در لعاجای میگیرد.
او میگیرد: ((من از کودکی ها
احساس و عشق را در رخداد می یافتم

که مرا به موسیقی من کشید (۱۰) -
خوب، شاید این سخن مکرراشد
که هر هنرمند موسیقی و آیاز خوانی
بر آن تا کید نماید، پس بهتر است
بدانم که با چن هدفی بـ
موسیقی روی آورده است، اودر
موزه اپنئونه پاسخ ارایه داشت:
بـ^{نه} در صفحه (۲۲)



در تهای ویکجایی، موسیقی این زیبا
عزرز میتواند ترا به خویش بخواند.

جن بالمواجه همچو چن از روی نوار
ها، از آواز خوانان و موسیقیس
نوگران مختلف شنیده و می شنید.
اما شاید از همه آنها حفظ نبرد
و حاضری بازشنوی همه آنها
نمی شود.

آنچه در این میان جهات -
دیگر راز بیگردید، علما ناعتنق
راستین و نهاد پن خود هنرنمای
است.

تکنار جعلیل آند پیشه و تصوف -
شمس تبریزی در این بیرون من -
محنی به این نقل دارد:

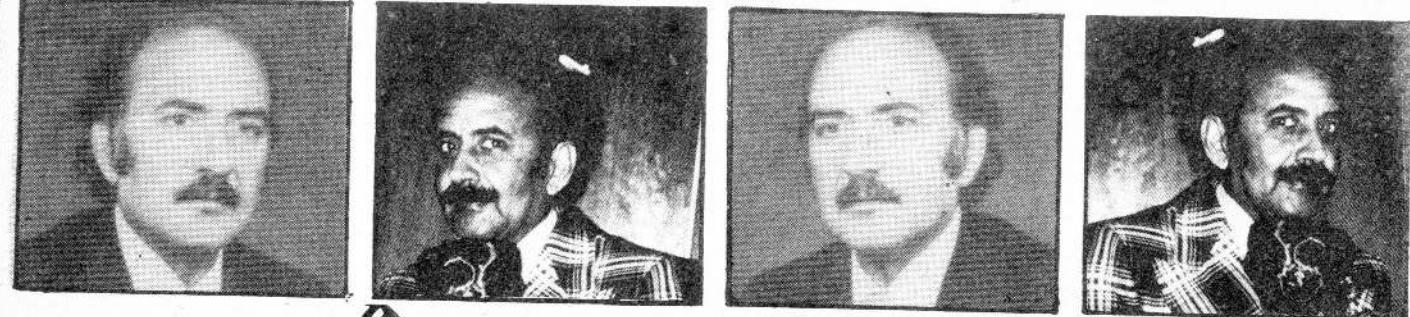
((مطروب که عاشق نبود و -
نوحه گر که درد من نبود)) دیگران را
سرد کند))، یعنی عشقی و دردی گی
باید تا حد امی و سرودی به لهد یسر
آیند.

هم اکون در رجار کار خود

A black and white portrait photograph of a young man with dark, wavy hair. He is wearing a light-colored button-down shirt and a dark tie. The photo is taken from the chest up, showing him from the waist up. He is looking slightly to his left with a neutral expression. The background is plain and light-colored.

موسیقی، این عنزل طیف را
هنرست که انسان را، از خود ی
خود به دنیا ی دیگرمن کشد و این
بیرون آنی آدم به بی خود ی و فرا
رفتن ناد گرگونی های پا طنه و
احساس با این سکر شیوهن جهه
شیرین است: وقتی، اندوه بسی
نمایش داشتیست است وقتی
شادی ایرا به بد رقه برمی خیزی
در شعای و در یکجا هی: این زیبا
هزیز میتواند ترا به خوبی بخواند.
به گفته دانشیوری: ((اد رنهاد
عاطفی انسان حسی منصر است که
زیبای شناسی خوانند شویه و مسیله
همان است که هنر را در روی یابد:
موسیقی یک از عواملیست که این
حس را بیدار می کند)) اینکه چه
پهلوهای دیگری نیزد رایسن
سخن دیده میشود، برآن درستگ
دلم رام، رامست هم موسیقی
هزیز است که بر احساس و عاطفه
آدم دست میکند و چیزی را باید
آدم عن گویند که آدم نمیتواند -
نکارشدا بیان نماید، زمانیکه
موسیقی با شعر در روی آمیزد دیگر
هر جی افزونتر کشنده من شود و
احساس انسان را به نام صدا
میزند . اما، آیا هر نوع موسیقی و
هر نوع شعر آن را و هر گرهم نه ...
تحمادی ای اشناهی نام آدم
را به درستگ و باز ایستادن و امیدارن
میمیگونه موسیقی باید اشناهی
احساس انسان پاشد و بیامنی
در آن نعمته .
نمای هنگاهی بیشمای را -

کنستگی با فوادر امز



بای بیسکل مازکی پل



دارد؟ دیوانه براعن روز و طفل به راهی
پاران مگر این شعرشما منگندارد
منه ذریمه باشکن سوت گرفت، زیرا ران زمان
البته بالای مام سنه باریدن گردسته سگه شنات
سته انتقاد، حتی سنه خای دشنه، از قبیل
موده ریاست البیت هم تهدی نامه بی زمان
انگلیس به سفارتی البیت بین الملل براهم
داده شده که نعلاً هم موجود است.
راستی یک مرض دیگر عم به بار آمد که به عرص
بریام برباست البیت عینه عی تقدیم خود و
برای سیاحت جوان که، عنوی و مادی شان را
غناچانه سوده بود که در زنجیره ریشم البیت (سردار
آغا) به مقام صادرت پیشاند کرد که در اوقات
ویز خارجه و معاون ستادت بعد نعم حان بود.
بنچه دارفده

دارد؟ بله، درست شنیده اید. سافرت من به
پاران مگر این شعرشما منگندارد
منه ذریمه باشکن سوت گرفت، زیرا ران زمان
البته بالای مام سنه باریدن گردسته سگه شنات
سته انتقاد، حتی سنه خای دشنه، از قبیل
موده ریاست البیت هم تهدی نامه بی زمان
انگلیس به سفارتی البیت بین الملل براهم
داده شده که نعلاً هم موجود است.
راستی یک مرض دیگر عم به بار آمد که به عرص
بریام برباست البیت عینه عی تقدیم خود و
برای سیاحت جوان که، عنوی و مادی شان را
غناچانه سوده بود که در زنجیره ریشم البیت (سردار
آغا) به مقام صادرت پیشاند کرد که در اوقات
ویز خارجه و معاون ستادت بعد نعم حان بود.
بنچه دارفده

دارد؟ بله، درست شنیده اید. سافرت من به
پاران مگر این شعرشما منگندارد
منه ذریمه باشکن سوت گرفت، زیرا ران زمان
البته بالای مام سنه باریدن گردسته سگه شنات
سته انتقاد، حتی سنه خای دشنه، از قبیل
موده ریاست البیت هم تهدی نامه بی زمان
انگلیس به سفارتی البیت بین الملل براهم
داده شده که نعلاً هم موجود است.
راستی یک مرض دیگر عم به بار آمد که به عرص
بریام برباست البیت عینه عی تقدیم خود و
برای سیاحت جوان که، عنوی و مادی شان را
غناچانه سوده بود که در زنجیره ریشم البیت (سردار
آغا) به مقام صادرت پیشاند کرد که در اوقات
ویز خارجه و معاون ستادت بعد نعم حان بود.
بنچه دارفده

خدا یاتیه کردم تو به او لامست
زمر کاری که غیر از عشق لیلاست
العی یانق عاشق تترم کن
سرابا آتشم حاکم کن
وجنین است یت احسا عشق واقعی و انسانی د
وجود انسان.

شندم در عالم براشه میگشت
دم از زندگی نی تاب و تیم بخش
بریان کن سحرخاکستر مر را
ولیکن سوز و ماز پیش ششم بخش
س- چه تصره خانی در میرود عشق نما بـا
ماد هوبالا درین مردم صورت میگوت?

ـ سوال کرد یه چه تصره عای در مـورـد
عشق من میگشت بعـرسـمـرـسـامـ کـه:

نـورـهـ رـدـعـشـ کـهـ خـوـنـ حـتـرـیـ بـدـاـندـ
حـسـنـ لـیـزـنـدـ کـهـ صـاحـبـ نـظرـیـ بـیدـاـندـ
فـطـرـ اـنـفـ کـهـ اـرـخـاـنـ جـعـانـ جـبـوـرـ
حـوـدـ گـرـیـ خـوـدـ شـکـ خـوـدـ گـرـیـ بـیدـاـندـ
حـبـرـیـ رـوـتـ زـگـوـنـ بـهـ شـیـستانـ اـزـلـ
حـدـ رـاـیـ بـرـدـ عـیـانـ بـرـدـ دـرـیـ بـیدـاـندـ
آـرـزوـگـتـ بـدـلـ دـرـتـ وـتـیـ، نـاـکـسـ
جـسـمـ رـاـکـنـ کـهـ جـعـانـ دـگـرـیـ بـیدـاـندـ
زـنـدـهـ کـهـ گـفتـ کـهـ دـرـحـاـتـ تـبـیدـ هـعـصـمـ
تاـ اـزـنـ حـبـدـ بـرـنـهـ دـرـیـ بـیدـاـندـ

رامـتـیـزـهـ مرـدـ، مرـدـ اـمـاسـتـانـ وـحـصـرـاـ

باـشـنـدـهـ کـانـ شـنـرـگـاـلـ دـرـانـ زـمانـ نـاـپـدـ ۲۵ـبـیـمـ

ازـ اـسـتـانـ مـاـ ۱۳ـهـ کـاـلـ دـاشـتـ وـهـرـکـمـ تـبـصـرـهـ

دـرـانـهـ مـيـمـوـدـ تـبـصـرـهـ حـاـيـ مـخـنـلـ، تـحـلـيلـ وـ

تـصـيـرـاـ، سـخـانـ کـمـ وـنـيـادـ یـسـمـاـ جـنـبـهـ مـيـثـ فـصـيـهـ

رـاـيـعـصـ دـيـگـرـ جـنـبـهـ مـيـعـ آـنـراـتـمـيـحـاتـ مـيـادـدـ

درـهـرـحـلـ وـجـلـدـ وـسـتـانـ اـنـ بـجـثـ بـهـ مـيـانـ

كـشـيدـهـ مـيـنـدـ بـعـسـ عـاجـنـ حـوـانـ وـعـسـ عـاـ

هـمـ بـيـتـ شـعـلـهـ زـوـدـ گـدـرـ مـيـحوـانـدـ بـعـصـ عـاـشـبـ

الـاـمـ شـعـرـاـعـوـدـ مـيـكـدـ دـ بـعـصـ عـنـقـ مـجـازـيـ

وـدـيـگـرـ عـنـقـ حـقـيقـ مـيـكـتـ الـبـتـ بـتـ نـظـرـ يـاـسـ

عـوـسـ عـوـرـفـتـ شـدـهـ بـودـ تـاـ نـتـيـجـ وـنـظـرـهـ تـطـعنـ مـعـلـمـ

مـيـكـدـ دـ وـاـيـنـ بـتـ وـاـقـيـتـ لـاـتـرـ اـسـتـ کـهـ مـيـنـدـ

دـ رـوـزـهـ شـهـرـ رـاـمـیـزـانـ بـسـتـ وـلـیـ رـانـ مـرـدـ رـاـمـیـزـانـ

بـسـتـ بـعـضـ مـرـکـحـ بـهـ فـراـخـرـ حـالـ خـودـ وـهـ سـوـسـهـ

خـودـ وـاـزـدـ رـجـهـ ذـعـنـیـتـ وـقـلـ خـوـیـشـ نـظرـ خـودـ رـاـ

اـلـهـارـ مـيـمـوـدـ، جـنـانـجـهـ فـعلـاـ هـمـ جـنـنـ اـسـتـ زـیرـاـ

شـارـهـ بـنـ نـوـدـ سـبـاـنـ جـنـونـ رـاـ شـمـ کـیـ زـنـجـیرـهـ هـاـ یـ

مـرـدـ رـاجـعـ بـهـ بـنـدـ شـرـقـ شـدـهـ بـایـدـ جـنـنـ بـانـدـ

سـ شـنـیدـهـ اـمـ کـهـ سـعـرـشـاـ بـهـ دـنـ غـرـصـ

دـیدـارـ بـارـ بـایـسـکـلـ سـوـرـگـرـتـ آـیـاـتـعـیـتـ

بـقـیـهـ دـرـصـفـهـ

دـاـکـتـرـ عـلـیـ مـشـتـرـیـ بـهـ اـمـیدـ وـصـالـ مـاـدـ هـوـبـاـلاـ

مـجلـهـ سـبـاـ وـنـ جـنـدـ بـیـ قـبـلـ خـاطـرـاـ دـاـکـتـرـ عـلـیـ مـشـتـرـیـاـ
بـعـنـوانـ جـهـاـنـگـرـدـ مـعاـصـرـ اـعـمـانـ کـهـاـنـگـرـهـاـیـ زـیـارـدـیـ
بـاـزـ بـدـ نـوـدـهـ اـسـتـهـنـرـ سـانـدـ دـرـانـوـقـ وـدـ مـدـاـنـ
بـوـدـ کـهـ کـفـمـهـ مـصـرـوـعـ عـنـقـ دـاـکـتـرـ عـلـیـ مـشـتـرـیـ وـمـ هـوـ
بـالـاـهـرـمـدـ مـحـبـوـبـ سـيـمـاـيـ هـنـدـهـ رـاـزـنـاـشـ بـرـیـانـ
حـکـایـهـ کـمـ کـاـپـلـهـ طـبـقـ وـدـ مـهـ نـهـرـانـ بـرـدـ اـخـشـ :

مـرـ بـرـیـاـ اـرـلـنـ بـارـ بـرـکـامـ فـلمـ وـدـرـنـدـ اـمـ سـالـ
مـاـدـ هـوـبـاـلاـ رـاـ بـدـ بـیـ پـدـ
عـ بـرـیـاـ اـرـلـنـ بـارـ بـرـکـامـ سـادـهـ بـلـاـ رـاـ طـلـمـ
حـلـ کـهـ بـیـتـ طـلـمـ زـیـارـیـ بـرـتـخـیـلـ بـوـدـ دـینـ کـمـ کـمـ
بـهـ رـاـسـتـ مـاـدـ هـوـبـاـلاـ دـرـانـ فـلمـ خـوبـ دـرـخـشـیدـهـ
بـوـدـ هـمـ اـرـجـیـتـ عـنـرـوـعـ اـنـظـرـ زـیـارـیـ دـاـشـتـانـ
فـلمـ دـایـرـکـتـ وـتـشـیـلـ فـوقـ اـعـادـهـ مـالـیـ کـهـ وـجـوـدـ
مـاـدـ هـوـبـاـلاـ آـرـاـصـدـ جـنـدـانـ بـرـدـ بـوـدـ بـیـاـدـ عـرـضـ
نـامـ کـهـ مـتـسـعـهـ تـارـیـخـ دـسـاـلـ آـرـاـدـ فـیـقاـ بـهـ مـاـخـاطـرـ
نـدـارـمـ

سـ اـیـاعـشـ نـایـهـ مـاـدـ هـوـبـاـلاـ اـزـهـمـانـ اـرـلـنـ
تـاـنـایـ تـانـ بـدـ اـمـدـ؟
عـ بـرـیـاـ اـرـلـنـ بـارـ بـرـکـامـ ((ـمـحلـ)) رـاـ دـیدـ اـلـتـهـ جـنـدـ

بـارـشـنـدـاـ تـحـتـ تـاـنـیـزـیـاـجـ وـهـنـرـمـادـ هـوـبـاـلـاـ قـارـارـ
گـرـفـتـ بـعـدـ اـزـ ((ـمـحلـ)) خـوبـ بـهـ خـاغـرـتـ اـمـ کـهـ فـلمـ
((ـنـازـیـنـ)) رـاـ کـهـ مـاـدـ هـوـبـاـلاـ هـیـرـیـ اـنـ بـسـوـرـ
دـرـسـیـمـاـیـ کـاـپـلـهـ مـاـشـاـکـرـمـ دـهـ اـیـنـ فـلمـ مـرـاـ
تـحـتـ تـاـنـیـزـیـاـجـ وـهـنـرـمـادـ هـوـبـاـلـاـ بـهـ اـمـدـ

بـیـزـ آـنـ دـلـبـیـشـ نـدـهـ بـهـ مـاـدـ هـوـبـاـلـاـ بـهـ اـمـدـ

کـهـ تـبـ اـنـتـمـ اـنـ عـلـاـهـ بـهـ مـاـدـ هـوـبـاـلـاـ بـهـ اـمـدـ

عـشـقـ، بـعـدـ آـنـ هـرـفـلـ مـاـدـ هـوـبـاـلـاـ بـهـ کـاـلـ مـنـ

عـمـارـادـیـ بـهـ صـرـبـ سـيـمـارـاـهـ مـيـهـنـدـ کـهـ بـعـدـاـ فـلمـ

نـقـابـ کـهـ دـرـایـنـ فـلمـ نـمـ مـاـدـ هـوـبـوـنـ اـعـادـهـ

دـلـبـیـشـ بـهـ بـهـ مـاـدـ هـوـبـاـلـاـ بـهـ اـنـتـ

عـرـسـ مـنـمـاـیـمـ :

عـرـکـجـاعـشـ اـسـتـ شـاعـرـ بـیـکـدـ آـنـجـامـانـ

هـرـکـجـاحـمـ اـسـتـ آـنـجـانـیـانـ بـرـیـاـ کـدـ

دـرـهـ مـنـلـ لـبـیـلـ کـهـ خـضرـهـاـسـتـ دـرـ آـنـ

شـرـطـ اـوـلـ قـدـمـ اـنـ اـسـتـ کـهـ جـنـجـونـ بـیـاشـ

دـرـایـنـ جـانـکـهـ بـهـ خـاطـمـ آـمـدـ کـهـ بـیـ مـاـنـبـتـ

بـیـسـتـ بـهـ عـرـصـ بـرـیـانـ ((ـمـیـگـنـدـ فـامـلـ وـاقـعـ مـجـنـونـ

اوـرـاـ بـهـ خـانـهـ کـمـهـ بـرـزـ نـدـ بـرـایـشـ گـلـتـنـدـ زـنـجـیرـ

دـرـواـزـهـ کـمـهـ رـاـ بـهـ دـهـ مـتـ گـلـ تـرـهـ کـنـ وـارـخـاـوـنـ

شـنـاـوـرـنـدـ کـهـ دـلـتـ رـاـزـعـشـ لـبـیـ صـرـدـ هـدـ زـیرـاـ

عـشـقـیـتـ نـافـرـجـامـ وـبـیـ تـنـجـیـهـ وـحـنـونـ جـنـنـ کـرـدـ

زـنـجـیرـدـ رـاـزـهـ کـمـهـ رـاـ گـرـفـتـ بـهـ دـرـگـاهـ خـداـوـنـدـ

لـاـیـزـلـ زـارـنـالـیـ وـگـتـ :



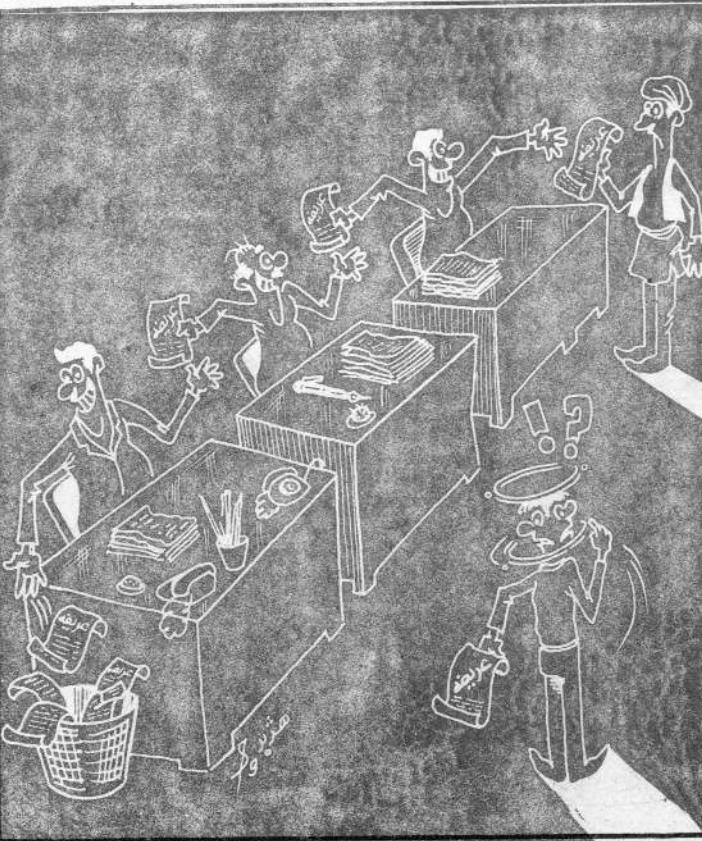
ایاوهیزی چی می خدش
دی، اوینا خدش ته وای؟ که خد
هم مریاله منی خنده خوچی
منی نه وی نومنبا به که خود
و خرلش، نوی خایی بی ویس
دی چی؟
»(منی داری منی بخور)«.

ما به پخوانکاره جی منی به
بوازی به مریانکی وی خوچی وسته
درسته بوهیدم چی به اجا رو
پسراوختی به کله بیروانک هم چی
منی نه وی نوی خوارک هیله پس
مه لر.

پورته خبره داسی حق دی چی
حق حقداره رسوبی. نکه چی
د زوند به نولو چاروک نن سه
شخص پیژندن، ارتباطات او
خبلوی داسی بخیره، ی لک پنه
طعم کی مالکه. داول منیا ن
دوه دو له دی؟ که د منی پیژندن
علم و خبر و نولاندی دوه دو
به پک پیدا کرو:

لومری دله سی ساه لرونکی او
دو همه عی بی ساه منیان دی او
ساه لرونکی هفاه شخص پیژندن
ارتباطات او خبلوی ده چی منیان
ع هروخت او هر خایی به منیان
سری خوک خوندی. آینی ساریس
لکه: پیسی، مویر، لورک کرواوه
هنه کی بی توله دعوونه اوداوس
نور ۰۰ جی به دی بول دغه
بی ساه منیان له خبل بطن خخه
ساه لرونکی او زوندی منیان
زیروی او د منیا نومتل تکتیموس.
چی بیروخت بی زوندی چابریا
کی زیات چلندر لولد دوکو کو پی
شی چی له هر باخه اجبار اوله
اجارو خخه چکن جیر مکری او
هدادول ددی استعداد هم -

ورسره دی چی له هر خومرچیکانوار
بی خوند ملطفونه هنیا جیره کری
نویه دی حساب منی دانسان
پیژندن کی هم زول لوبی او -
دغه هم والی عی به هنرخایونو
کی لپرا حساسیزی ی چی هلتچا ته
بی له هیں خخه منیان رسیزی.
لانوک نوش جان کری او د رانلو
بیوخت زه به یو شرکت کی کار
گرد چی به لومر پی محله دغه
ستکش بیالی شم او عمله منی
من ولید چی رنتیماهه (منی داری
مریا بخور) یه خایی وساده.
موزی به خبل شرکت کی له خبلوا
محاشون خخه پیاند از بیسی پس
گله پانک ته تحولیو چی د خیس
عالج پرور تویه وخت کی له هفی



حق په جانه پنه کاله مخکی به
حق رسیدلی ۰۰ او عمد اول د
فروشاتود خانکی امرد خیلی مسورة
دناروفی تصدیق داشم و مانوکه
روفتون خدھ ورته را جیر کری او
فرضه بی ریباندی اختیه و -
دادی خبری به آرید و سره من سر
راباندی و خرخیده. اوکه دیواله
من تکیه نه واپ کری نود اسی دران
به لرید بی واپ چی دسترنگ و
به ریپ کی به عی د مورغیزی یتے
رسو بی واپ - خوچی کله من لنه
خه حال به خای شنوت خخه به کنه
ناست کارکرته بی مخ راوار اوه:
- عجیبیه ده ۰۰۰ چی زمانه
مره شوه جاراته فرضه رانه کره.
حال داجی دامیرکل بلار بینخه
کالا دمچه مر شوی دی اوامیرکل
اویس دهنده دناروفی به نم قوضه
اخلاقی.

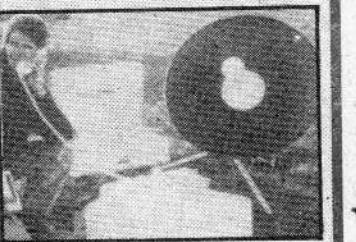
- امیرکل خه کوب، محمود ته
و گرمه چی د مورد ناروفی به نومی
شل زده افغانی واختن اویه
هفوی د مویر ماشین نوی کر
این تیلغون قسمیکه در تصویر
د بدی مشتود، نوسط اتمار مصنوعی
کارمیکنده، و اضافه برآن امکانات
ارتباط از هر کوشش جهان با هر
 نقطه دیگر راحتی در قلب
ابحار میسر می‌سازد.

لزمن است بدایم قیمت ایمن
تیلغون ۳۱۰ هزار فرانک فرانسوی
است که همکان توان خرید اسرا
ندارند. به یک عبارت ایمن
تیلغون برای اشخاصیکه در راه
کارهای بزرگ قرار دارند، -
اختصاص دارد.

مکالمه تیلفونی

موترسایکل ناریه ایکه د رعنویز

مشاهده میناید، بنام (سکوترا)
معروف است ویک از تولیدات
هم عصرما به شماری ایکدادر
عین وقت ظرفی، قوی و سریع
نیز می‌باشد. موترسایکل (سکوترا)
دارای چراغ نورانی و اشاره رات
روشن بود، مایشین آن خیلی
مستحکم می‌باشد که به شکل اینها
کار میناید. در سکوترا چراغ هکثری غیر
قابل استحلال تعبیه شده،
باید که این موترسایکل از
ساخته های جدید شرکت هوندا
جایانی است.



جامه بقا

این واسکت به صورت عاماً
نسیعلات زیادی برای سافرین -
چه در صحراء های سوزان وجه هم
در مناطق دیگر فراهم نموده است
که میزان آنرا جامه بقاد رفیق
باشد و سواند سهولت های در حمل
نبود، چراغ ۳۲۰ فرانک فرانسوی
ازش دارد.

واسکت مذکور دارای یک کارد، -

اشارات فریاد رسن ویک قسمتی
برای تکدداری غذا می‌باشد که در
محافظت سافرو بیا وی در قبیض
حیات کم میناید و اخیراً گفته
شده که دراین جامه خیمه بی که
کنجایش د و فررا دارد، نیز
گنجانیده شده است.

یوتن کارکریک راود نکل :
- تاسود واره لبینیان شوی یا است
او تراوسه دغیل به غوز کری ده
یا است. همه موته دی او رید لی
چی : «منی داری هر یا بخور». -
دی خبری به او رید و سره من
به غوز و نوکی ازانگی خبری شوی او -
لکه اوری ایه واجوی داسی
من ماغزه ارام شول. دا لکه چی د
لومری نعل له باره به دی پیوهیدم
چی : (منی داری منی بخور) خبره به خایی خبره ده. اونشون
چی ما غوندی منی نه لری نود -
منی خوبونه دی هم نه ویش.

موین لادغه خبری کولی چی
یوتن کارکریک راود نکل :

مربی او فربا

کاتب باشین

در اندي کر خوياند ازه نقدی
شم چی اميرکل ته عی به کمد لیل
فرضه درکر ۰۰ نکه جی مورله مود
بیلوبنیاره ولپریان روند کری کله
چی سرول نفرزمانی پنه له شریه
 مجرد و . مانکر کر چی کوندی
د خبل واده به نم ع بیس تر
لاسه کری دی خو روروسته
ماموراته رویل چی :
- امیرکل د خبل خدا ی بیلس
پلار دناروفی تصدیقونه را در یبو
او هنجه بی بیا زوندی کری دی، نو
لکه بی فرضه واخته.
او د خند ایه لاداوه چی د
ناروفی تصدیقونه بی له زیر نشون
خخه ورته را در ی دو: نکه چی
نه د کول کنی.

هله بی بیلوبنیاره د لایل رویل او

آلله گوئم گند

این آله که به مایشین رسن
تراش برق شباht دارد به ما
اجازه مید هدکه هنگام زمان
ورزه های سرد جهت گرم کرد ن
موترهای خرد از آن نیاز استفاده
به عمل آریم.

بالنصال این آله با مکان
مخصوص اشتغال سکرت در داخل
موتره میتوان ازان کارگرفت.
قیمت آن ۹۵ فرانک فرانسویست.



از منابع منی
ترجمه براست سعاد

دندز
دالش

وَسَرِّيْهِ فَلَادِیْهِ

بِيَانِيَّةِ احْمَدِ شَاهِ مُلُوْدِ رَكِنِيَّةِ

فُوِسِنْدَهْ كَانْ أَلْمَانْ

کنگره نویسنده گان المان -
((اینترلین)) چندماه پیش با
موضوع (جهان سوم جهان مالیه)
دردها و زنجهای جهان سوم
از زیان نویسنده گان و شاعران
برداخت. احمد شاملوکه از ایران
در این کنگره شرکت جسته بود.
سخنرانی خود را بعنوان ((من
درد مشترک مرافقیاد کن)) ایجاد
کرد.

این ((من)) همان من نوشته
جهان سوم است و در مشترک
همان رنچ استثمار و فقر و کم فرهنگی
راچ در جهان سوم جهان سوم
که البته مرزا یا جعفر آنیا پیشی
میینند ندارد و کوکان نقیب
(. منطقه هارلم و من ست بارک
نیویورک) از قلب جهان پیشونده و
شروعند جهان نیز باره ای از آن.
مجله "سباون" با آنها از -
محبوبیت فراوانی که احمد شاملو
این شاعر بزرگ فارسی زبان -
جهان معاصر دینین روشنگران
و هنر و سلطان افغانستان دارد به
نشر تصنیفهای از سخنرانی بلند
این خردمند بر جسته من برد ازد.
آنای رئیس، خانم ها آقاپايان!
اجازه بد هید تختست سهای س

هر چند که در ترازوی نامیز اُن -
از شهای مادی جهان پیش فته
سم کتری دارد، کشور شیلی به
مانعه تولید کننده بخش اعظم سس
جهان در رسال پیش ازیک میلیون
تن به کشورهای صنعتی - بویژه
ایلات متحده و زاین والسان و
انگلیس صادر میکند و با این حال
دستمزد کارگران بخش تصفیه مواد
معدنی خود شیلی در حدود بیک
د هم دستمزد کارگران همین بخش
در راپالات متحده است. و در حالیکه
واردات شیلی از این کشور هادر -
همین دهه حاضر بالا فزايش قیمت
در حدود دو برابر رو به رو بوده
که سال به سال هم قیمت میکرد.
در راپالات صادراتی رکود مرگباری
حاکم است که به سال ۱۹۲۲ ایز
چشم همه ماباتوطه سرمایه داری
انحصاری جهان خوتوتای شیلی
به رهبری ای - تی - تی بنیو شه
برقرارشد. مردم شیلی که با جان
و خون شان چرخ صنعت عالم را من
گردانند هر سال به نفع انحصار
های جهانی ارزش بیشتری از -
دست میدند. شاخی این معا -
دله مایوس کننده ترازوی ابلیس
است.

در غرب و شرق می گویند: ((جای
بسی خوشوق است که در عرض
جهل و چند سال جنگ جهانی روی
ندااده))

- چه وفاختی در تمام این مد ت
جنگ های بی شکوه بی حاصلی
خاک بسیاری از کشورهای جهان را
به توره کرده است. جنگ کشورهای
های جهان سه البته که جنگی
کشورهای است. آن، جنگ شان را به
جهان سه منتقل میکند. کارخانه
های سلاح سازی به برکت چه
چیز میگردد. و مگر جزاین است که
اگر این جنگ ها بنشدنی باشد
در این کارخانه ها راکل بگیرند.
عوايد جهان سه چرا باید بجا بی
سرمایه مذکوری در قلمروهای که
حاصل شرفا و سریلنکی ادمس
است صرف خرد و سایل کشتار
ست کثافی بشود که در اینی
تصویری دقیقاً مشابه خود نادار
رنده

بنیه در صفحه (۹۶)

کلان از دسترس آنان خارج میشود.
تاد ریاز گردش خود ابزارها ی
سلطه وسیع تر و کارآمد تر فراهم
آورده و بدین شان در را بربکار -
چنگ فراپنده سرمایه در سطح
جهانی، پکار چنگ انسان های
که علیه موانع رشد خود نیروی
ذخیره عظیمی در آستین دارند
خشن می شود.

تصویر این نکته که مشیق مرمنز
هر قلمروی از سطح زمین را به
باد شاهی بخشدید، آن کند ها
هم کود کانه ترازاین تصویر است
که هر کشوری جد اکانه مسؤول -
رشد و پایس مانده گی خویش
است. با قبول این حکم از بیش
صادر شده، جهان به متابه
جنگل رقابت تصویری شود که
در آن هر کشوری حق آن را
دارد که عنان مشیخته به تاختو
تازه برد ازد، بجاده، برو بد
بینه وزد، صادر کرد، بازارها را
به هزار مکر کید بمقاید و شعب -

واحد های خود را در سراسر
جهان برقرار کند - اگرچنین
باشد جهان سه در مقابل جهان
پیش فته نقطه به ساده گی و ظایقی
را بر عده میگیرد که نه جهان -
شمول است نه لازم الاجرا برآن
صورت دیگر جهان سه فقط
تعارف زبانی خیرخواهانه بی
است که حتی می تواند در همین
پیام ساده ((جهان سه بجهان
ما)) نیز مستتر باشد.

پاری جهان عرصه رقابت هاست
اما نه میان همه مردم ویرای همه
هدف ها. رقابت را واحد های -
تولیدی و بخصوص فرامیلتی هایی
دنیال میکند که هم اکون سقف
فروش بیست تا از بیش تاز آنسان
از هزار میلیارد دلار نیز فراتر
میروند. یعنی پکصد برابر رامد
ملی کشورمن، زامبیا، کشورمن
شیلی، کشورمن بلغارستان،
کشورمن بنتله دیشوخت کشور
من ایران که تازه به دلیل منابع
سرشار نفت و گاز شاخص از این
کشورهای جهان سه به شمار میروند.
دست رقابت جهانی به جهان
سه که میرسد رقابتی می شود -
سلطه جویانه و هرمه کشانه.

بید ریشم را با فشردن صیمانه
دست های که جنین با اینگرانی از
پشت رفاه و صنعت به سوی سا
مردم په اصطلاح جهان سه
در از شده است ابراز کنم و اینکه
بین از سخن گفتن از مسائل -
جهان سه به حضور هولنای
و پیش مانده گی فرهنگ، جهل
مطلق و خرافه برست حاضر در
قلب و حاشیه شهربانی بزرگ سرا -
سر جهان اشاره کنم که به ویژه
نم کند. یعنی برمیلیون هانفر
انسان تیره بینی اینگشت بگذا رم
که درین لوله های سیمان، نیز
بل ها در حلیب آباد ها پایه
ساده گی در حاشیه خیابان ها
میلواند و از افتاد سوزان و باران
های بین برکت پناهی میجیند.
انسان های که جنگی میکنند.
من زایند و کود کان شان رادر با -
تلائق از لجن و گنج رهاس کند تا
اگر نیز نسل بین بناهانها از
انفراخ رهای بخشدند. برآشی
کی میتواند بتوید انسان های که
نی المثل در ((من مت بارک))
در قلب نیز یورک نروتند از گریشی
مدام رنج می برنند مردم جهان
جننم اند.

در نظام موجود جهان فرهنگ
انسان اعتلای نی یابد. بعبارت
دیگر مجموعه تلقینات امنش ها
بیوند های میں و نامی میان -
مردمان و بیان عواطف و احساسات
و درد های فردی و گروهی نیز نویاند
آنچنان که شایسته دستاورد های
مادی انسان برای همچنان ۱۳۰ هی
د هنده، فنی و سرشار از تعمیه
متقابل باشد. در عین حال چهاری
مده روزگار ما که زمام ازراقد رتند -
آن اقتصادی، سیاستی ارائه حرفه ای
فرماندهان نظامی و امنیتی -
امنیتی به دست دارند تامی
از رشایی مادی و تجهیزات و تا -
سیاست تولیدی و اطلاعاتی و خدمت -
ماتی بین که آدمیان آفریده اند،
از دسترس انسان های تحت
سلطه به دور مانده است. مادر ر.
سر زین های عقب مانده و کم توسعه
آشکارا بینم که حاصل کار
انسان ها به صورت سود های

گزارشگر: صباح رهش

بِلَهْ بِلَهْ

بِلَهْ بِلَهْ بِلَهْ

فلمهای خوب بخارطه، توجیهات، از فشیاز می‌مانند

وای از دست قیچی ساسور!

توضیح دهد.
من وکارمندان شنبه امسو-
لیت دارم، تا فلمهای هندي
کارتونی وغیره را کاندید پرورگرا
های شبانه، تلویزیون نایم ۷ام
اغلب چنین اتفاق میافتد که کس
رویکاری به نامهای توانگونی
نم قبلاً کاندید شده را از رو-
گرام خارج و تعویض مینماید.

چندی قبیل به مناسبت برداز
مشترک که به افغان - سوری
در فستیوال فلمهای هنری «فل-
هنری شیرین و فرهاد رانیز»
انتخاب ویک فنمه قبیل از نایش
اعلان نموده بودم. اتفاقاً شبیه
فلم باید نایش را ده میند ها -
دف بود با همانروزیکه مفینه
کیان نوریان ماباسفینه میریکجا
روصل میند، در همان شب
فلم شیرین و فرهاد از نشر بازماند
البته به دلیل اینکه امشب شب
وصلست و فلم شیرین و فرهاد قصه

- بل، بسیار ا-
ایا حاضر استید شه را عربان
بیان کید. مگر باکی ندارید که
آمرین محترمان را ناخوش آید.
- خیره میگویند مطبوعات از اراد
سریالها استوقف نموده.
- خوب زهره جان (صحبت را ز
ند و ضمن همینطور فکر میکم)
- خوب زهره جان (پسولیت
شمانتاکدا حداست؟
- بن نهایت!
- صلاحیت.
- هیچ هیچ!
- سخواهم دراین مورد کم

با او هم اون مصروفیت های مربوط
به کارپارش که با سخنگوی بیشتر-
ینه سوالات بینند. گان تلویزیون
به ویژه بینند. گان فلمهای
سریالها استوقف نموده.
- خوب زهره جان (صحبت را ز
کارهای رسمی تان شروع میکنم.
- چه خوب، اگر از مشکلات ما
دراین زمینه آغاز شود.
- درست است، ای مشکلات
رسمی در کارخانه از اداره انتگشتان
یکدست تجاوز میکند؟

حسب معقول کار، خبرنگار
ما برای تجیه، مصاحبه می باشد
توینده، راد پوتلویزیون زهره -
رهنگرد رتاس شده تابا او -
پیرامون زنده گی، کاروسایر
مصطفیها پیش گفت و شنود یدا -
شته باشد.
زعره رهگذر فعلاً مدیر
عمومی برنامه های سینمای تلویزیون
است. بختراول صحبت را



ترجیع مید هم دو سه چار بری مش
د پیگر نیز در مورد ارایه دادم" -
لطف فرموده بتویید چرا در فلمها و
سینماهای هنری صحنه هایی هستند
یا کاملاً اسرت و کوت میشوند را
اینکه سونده دیالوگ باقی میماند
و تصویر برای لحظه هی سیاست میشود
در این مورد چه گفتند دارید؟

- مید انم در این مورد همه
بیننده همان تلویزیون ناراضی
استند، راستش ما در مورد
انسرت و سانسور فلم دستوری
ند اند . این کارد وستان شعبه
از زبان بی نشر تلویزیون ام است .
آنها درستور دارند که باید صحنه
های سکس را کت نمایند . اما این
دستورات به حال غلط تعبیر
گردیده که منجر میشود به اینکه
صحنه های کاملاً عادی را کت
نمایند . حتی در یک فلم کارتونی
که فیل باما پروآپ بازی ام است
برای شرمندی دل میزنند .

قبل از اینکه به توصیحات بیشتر
در این دوره بپرسیدم این قصه ایرانیه
نیز یک به این سو تعبیر گندم .

کارمندان ای ای ای زیگیون . زمانی
اساعیل بیوزیک اخنثی خوار زن را
پیش در رخت چنان لیستگ کرد "اما
بعد از این باب شعر اهنگ نقص
داشت یکی از مسویلین تیلفونی
میفرماید که: ((همان اهنگ زیر
در رخت چناند یگر نشینید)) اما
باتا سف برای مد ت زیادی مجتمع
اهنگها یکی زیر رخت لیستگ -

شده بود و مال هر هنرمند یکه بود
از نشر بار ماند، تا بعد از سرمهد آن
های زیاد متوجه این تعبیر غلط
شدند و در مورد صحنه های سکس
فلمها نیز این موضع تعبیر اراده اداره
من به حیث یک زن افغان و
ملدیر عموی برنامه های سینما پسی
نیز طرفدار صحنه هاییکه منافس
اخلاق و کلتور جامعه باشند.
نیستم . امانه انتظار که هر حالت
زیبای هنری را سکس تعبیر

بغایه در صفحه (۸۲)

تلخ یک فرقه وجود ای "شما خود
قضایت بفرمایید ."

- مثالهای دیگری نیاز از این شمار
دارند؟

- بلی، مثالهای چندان مطرح نیست
رخ ما از توجیهات! در اینجا
از عقب میزهای مسولین زیاد تر
فلمها به خاطر توجیه های زما نی
از نشیاز میمانند . شبیکه قرار بود

فلم فقار باز آثر مشهور استایوسکی
نشرشود ، به ناگاه از نشیاز میماند .

فلم ((خوب بد زشت)) آمریکایی
تابه حال از نشر بار ماند . به
دلیل اینکه فلم تربیت نیشت .

در حالیکه چندی پی قبل به عرض
فلم ((مسترسک)) ایرانی که یک

فلم تربیت و عاطفی است، فلم
((دستخوش)) که دست کم از
((خوب بد زشت)) ندارد نشر
شد .

همین حالاً ما سریال نهایت
عالی ایرانی بنام ((سلطان و شبا-

ن)) را اماده نشر داریم
که قصه بی ازد وره فاجارسان

ایران است . امیدوارم که نشر
شود . ویاد رمود سریال

((شی بیی)) میگویند که فاقد
مسایل تربیت است، در حالیکه

فرانسه در سطح خوبی از لحاظ
فرهنگی قرار دارد .

اینطور هم شده که به افتخار
سالگرد جبهه ملی، از ما فلم

کارتونی خواسته شده .

هر یک از سالگرد های جبهه
ملی از مقالم کارتونی خواسته شد .

فلم کارتونی که باید در برنامه
اطفال نشانید ((شادی گلک

شون)) نام داشت . گفتند به
موقعیان فلم یک فلم کارتونی
ستگی ! . عرضه بد ایم .

- خوب زهره جان، حالاً که
صحبت در بورد فلمهاست منم

فروشنده

نویسنده: پروفسور میرزا دروز لاتسکی
 منتشره مجلسه: سینما

آیا استاین میدانست که

خروشچف گورکن آینده

کیش شخصیت پرنسسی

خواهد بود؟

فتیج درآمده شخصیت خروشچف از چه فرار بوده است

رفورم هایی که در نیمه راه ماند



ستالین در یاکسازی رهبری حزب من اید که خروشچف مسلمان، طوری از تمام مخالفین خود چه واقعی و عمل میکرد تا به متابه پل فرد کاملاً چه خیالی، چه «راست» و چه «شیوه سالم» شخصیت بدان معاصر شوروی نمیتوان این دهن را دروان ساده بی پحساب آورد. انتقال جنگ سرد به همنیست مسالت آمیز، کشون در رجه جد بدی به سوی جهان مدنون و برداشت نخستین قدم های سوی احیای دموکراسی در رستا سر جامعه و کشور اتحاد شوروی در جمیع از جمله دست آورد. های این ده بشمار میورد. در طول همین سالها (در پیشینی کثیر حزب در رسال ۱۹۵۶) بود که برای نخستین بار طور مستقیم و تکان دهنده در رابطه به مستلعنهای سینم موسیالیم در دروان کیش شخصیت برست سخن زده شد. در آن نقطه چرخش قاطع، در جامعه شوروی نفس عمیق نوسازی دیدن گرفت. ۰۰۰... وی میتواند یاد اکسین خفه شد.

لین بعد از سال رهبری بکیهود؛ آیا استالین میدانست که حزب ولت شوروی به تاریخ ۱۹۵۳ درگذشت. بمدارز شخصیت برست خواهد بود؟ پکیز یک مدت کوتاه، نیکیتا خروشچف بعد از مرگ ستالین، جلسه فوق تکریزهای خود را پس از مرگ ستالین او از این راه رانخست به عنوان دروان - رئیسیک. جی. بن. بودند. ((بزرگ)) یاد کردند و بعد از انتخابی مالینکوف که سمت رئیس جلسه را مورد انتقاد فرازگرفت. برای ده س داشت، قدرت افتتاح جلسه را ز بیست سال نام خروشچف و رئیس دستداد، زبانش لال شد «از های از اسکنکون کردند. سخن گفتن بازماند و رئیسیک خود را شد که خروشچف و کدام کس دیگری بعد از استا - ولی خروشچف

به خاطر سرگزی و تغییر میزانش رقص اوکراین همیاک را اجراء میکرد. البته نسل کهنسال جامعه شخ豁ات باز خروشچف را بهشد از اک. ش تعییش شد. مخالف خواهند داشت. که بزرگ و طاهر صورت گند می بینی بزرگ و تاب خود را بطریق بالا آن گوشش خیلی بیرون افتاده از جمله مشخصات باز چهره اش بود. آیا بن ناشی از زد پک بینی کبریس بود؟ به مختی د رعنی خطره بکشد. چگونه واقع شد که خروشچف و نیکولو ماکیاولی، این نقاد سریع استبداد، عبارت برمبنی راهنمی خروشچف و من برای نخستین بار باهم واقعه آشناشده، او امشت ساز خواهد شد، رصویر تک خود ش را چهارمین به نظر میرسید که

ضمناً چالاک چون بجهه شیطان بینظیر میشد. اندام چارشانه و قد کوتاه و لکن قشی با پازوهای دراز و محترکش ب او کم کرده بود تا خود شرایر رقطران افراد عادی چا زند.

تهاجمشان کوچک و تیزش با رنگ مخلوط آین و خاک، گاهی ملوازهایی و شمع طبیعی و گاهی هم آمرانه و قدر آمیزشان د هنده آن بود که امور وارد در صحن سیاست است، گرسن و سردی روزگار را خوب چشیده و قدرت اجرای تحولات بزرگ را دارد به قدرت رسیدن خروشچف به

میجوسیله تعدادی نبود. او از خروشچف آنده اعضای حزب نماینده گی میکرد که در چند شهه هادر - شرایط موجود خواستار انتشار و توسعه د یکواری میباشد - اقتصادی بودند و امثله اجبار د عرصه صنعت، زراعت و کشاور - مخالفت میزند. نا بوجود ما - نهادهای خصمانه موجود در زمین ستالین بادر رک همین احساس آمدن خروشچف روی صحن قدرت تعجب آورنید.

البته چانس نیز تا اند از زیادی با ایاری کرد. هرگاه ((طرقداران سابق)) ستالین فواه بعد از مرگ او در رسال ۱۹۵۲، سروصوت تازه میگرفتند و به مبارزه برپایه امتداد خروشچف هرگزه قدرت نمیرسید و تاریخ کشور اتحاد شوروی سیاست کامل «حد اکنه» بی راد نیش میگرفت. مسلمانه همچ چیزیه نخی بسته بود.

ولی زمان انتخاب به جای - کرد. رفوم های خروشچف با - سخن بود به برایم های حقیقی زندگی کی مردم شوروی بینوازی فرزانده دهات عقب ماند: نیک

صنایع که باین زندگی همیش سطح باین زندگی همیش میگیرند انسان در وقیعه هیلی زندانها و کمپ ها، کشور مجزا از سایر جهان - همه اینها ایس جدید و تغییرات را کا ل ایجاد میکرد. در همین زمان بود که خروشچف سریعه ای اراده خلق و تغییرات عصر جدید بود. سازماندهی امور روابطه بین دی و بیستین کمگه حزب شکل ایجاد زاده ای را خلق کرده بود. چگونه خروشچف شدید رصویر تک خود ش را چهارمین به نظر میرسید که

سیاوهون هنرمندان سال را انتخاب

مین عاد

کارگردان فلم

هنرمند سینما
مثل، آوازخوان

و گیوزنیور

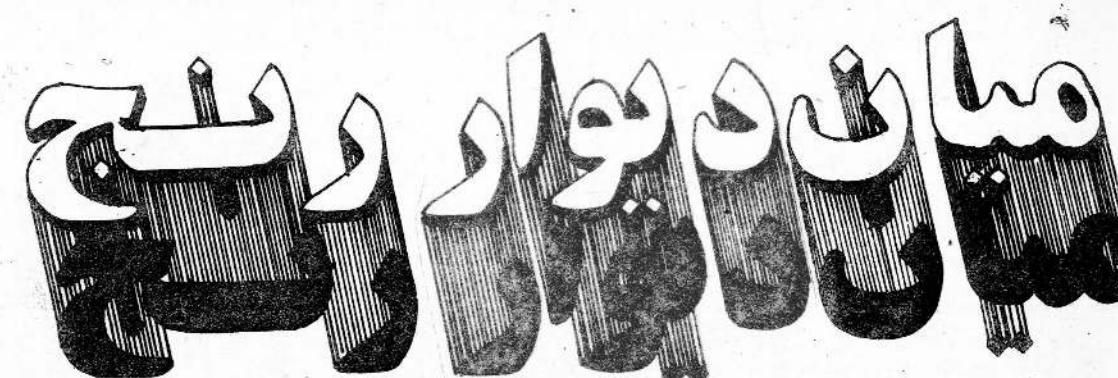
هود علاقه تان

کیست؟

نظر تان را برای

ما بسکارید!

کرس مجله سیاوهون
پیشنهاد و مصوبه رو
پیشنهاد و مصوبه رو



مسایعه از: حسینا حافظ

چیزی بشنوید.

من اینطوری اند پشم که
زنده گی یعنی داستان، یعنی
قصه، هر انسان هر روز روزنده
گیش داستانی من اینند، اگر
انظرشود که هر انسان، هر روز
که ارشای سرگشت همان
روزش را ببینید، مشود که داستانی
آن روزه شود. زندگی بیزار دا -
ستان است داستان ادمی
دنیک زمان و مکان شخص آدمی
دینایی بیرونی دارد و دینایی
در روزی، هر داستانیس اگر
پیوایند نیای بیرونی و در روزی
ادمی امطابق خاطه هایی
دانستاریس به درستی شرح
ویان نایدیک داستانی -
موفق است مکر داستانی
موفق شدن کارسازه نیست.
کیمی به عمل ازده است.
او خاموش شد. و من گفت:
- اگر گهای شماره راه این
شاد میخواهد شاید بس این
شخص درجه، خلاف مفاسد کار
میخواهد.
من هم داستانهای نوشته ام
وی هرگز محسی آن نهشتم که
آنده هایی من ناب و بخته
است به خاطر که هم گونه زمینه
ساعده کار و تشویق لازم خواه
ده گی واجتیه برای من میسر
نباوده است.

من در اثراخود که قریانی های
بیکاه، «آن بادهای شکسته»
نیزیکی قیم خنده تلخی
نباوده گفت:
- لازم نی بینم که ناشد را بگیرم.
ولی این شخص خود خواه، فعل
فریش، تنگ نظر و محروم را نامی
بر میگردیم. شاد راه داستان
توییس و اینده هایی من میخواهد

ادارند، میشناسند. بلی او گفت
که اساساً مسؤولیت دارد، تا
نویسنده کان جوان را میتوان
بدهد، پیروش کند و تندی -
نماید، مگر تعلم سعی و کوشش
او اینست که نویسنده کان را از
انحصار مردان بگشند. در زمان
این استعداد وجود دارد که
شامر شوند، نویسنده شوند
سینماگر شوند، نقاش شوند
جسمی سازشوند، اهنگساز
شوند وغیره وغیره.

کرچی استند نویسنده مکان
و شامر از خود خواه و تنگ نظرموده
که نیخواهند زنان درین راه
کامیابی های چشمگیری بدست
آورند، ولی زنان بایست مایوس
شوندو تلاش نمایند که بالجاد
گری ها و شکار باخ لازم به
اینکونه مرد های تنگ نظره
انحصار گردد خود خواه بدهند.
- آیا شما بزند نویسنده پیش
برخورده اید که شماره و تکنیکی
پا س تراهاده باشد؟
او بهایه چای را به چایش
گذاشت و بالحن غم الودی
گفت:
- بلی!

- میتوانید ناشد را بگیرد؟
- لازم نی بینم که ناشد را بگیرم.
ولی این شخص خود خواه، فعل
فریش، تنگ نظر و محروم را نامی
بر میگردیم. شاد راه داستان
توییس و اینده هایی من میخواهد

بشه د رصفه (۱۶)



زندگی پر زاد استافست، باید آفرابه دیگران گفت



وقاردادی ناگزیر مقداری از گفتی میگویم که نه! آیا بای مرد رنج
هایم را از آزادانه بیان نهایم. درون بارداری و درد زایمان
ایا پاک مرد میتواند درک نماید بلی زن رادرک میکند، به یقین
که بلی زن جوان وقتی بیوه میشود که نه! آیا پاک زن - بلی می داره
نگریمکم بسیاره شواراست که
زی شوهر میاند و میتوانند وقتی که پسرش به موجب از آفرینش
تامیم میشند چند تاکود ک گرفته شده و به قتلکاه فرستاده
قدو نم قد هم به دوش او قرار میشود و بعد نعش از ارباب زیور
سیارند، چی حال میداشته باشد. کس درک نماید؟
مانده گی خ انگیز تاریخ میباشد
و چگونه رفع میکشد؟ به یقین
واین جنگ لعنث و خانه اسوز
که بد رستی درک نمیکند، اگر
هزاران مشکل دیگرا بر مشکل
آن افزوده است که بارستنگی
زندگان خود شما، زن و احسان
زن درباره هنر و ادبیات چیزی
میکشد. بلی زن - مادره!
میبین که درد و احسان
وی لخت خاموش مانند.
زنانه مراه سوی دیگر میبرد، نی
دیگاررا تماح میکند، میتوانند
نماید و در راه از ارادی زن از هرگونه
میالید، آه زنی کشید و یعنده

تدبیک قیصر را در منزلش
ملفات کرد.

زد، بلی زن! میخواهی در
بازه زن و احسان زن چیزی بگوی؟
هنگامیکم بسیاره تازه جوانی
اید و درد زن رادرهمجو
یک جامعه عقب مانده کس درک
این ازدواج سه فرزند میباشد،
دودخربیک بسر.

میخواهم از شما به حیث
پاک نویسنده جوان زن، در رسانه
دانستن نویسی و آفریده های
دانستن خود شما، زن و احسان
زن درباره هنر و ادبیات چیزی
میکشد. بلی زن - مادره!

میبین که درد و احسان
زنانه مراه سوی دیگر میبرد، نی
دیگاررا تماح میکند، میتوانند
نماید، از همان باخهای کلینیکی

۱۰ اذر

دریافت

درازین شماره - مقاله عی از احمد ناملو شاعر برجسته
معاصر زبان در میخوانید برای شناسایی بعتر
با جهره ادبی شاملو، اینک نوونه زیبای از شعر
اورانیز بیشکش دوستداران می نماییم:

بروف

بروف نو، بروف نو، سلام، سلام
بنشین، خوش نشسته ای بربام
یاکی اوردی - ای امید سپید -
عنه الودیست است این ایام.

راه شوم است من زند مطر ب
تلخواری است من جنگ در جام
اشکواری است من کند لبغند
شکواری است من تراشد نام

سون ازده زلقت، بیکردن و میانه
ریشم عنفت راه غم خانه به غمانه
هر چند که بالیدم روزانه به ویرانه
سون ازده زلقت، بیکردن و میانه

ریشم عنفت راه غم خانه به غمانه
ریشم عنفت راه غم خانه به غمانه
پاک است حاشیه من سالانه بصالانه
میخ است حاشیه من سالانه بصالانه

این مردم زیاران پدیدی مسجد و باب
خندیده به هم پیخته بدانه به دیوانه

من غشمه

سند شرابو بیانی به شهادت
دروه دری در لذی پاران به شهادت
خوش بیدایه بعاس به شهادت
مادری برشوندوکی کرکی هیلس
دزندو دام او زلانی به شهادت
شدنو کیس دیلانی به شهادت
پیغور دمیش کی دیلانی به شهادت
دار او گزار دزمیش کی دیلانی به شهادت
نیزه از دنیا

تاكه از لکه خویش
مردمان دگری
برگهای بینندند بران
ای درخوا برمن که جه تلغی
میخشم دور ز انسانه خویش!

روزها از انتاب تهن
ابرها از باران
جنگ از موسیقی
ساخه عی بن هیچ نشان
مرید دیوار سرام ساید
درخانه - من

و هراسانیم

سیزد بال گزینده ساید
دفترنیمه تمام تنه را
سوی دفتر

تاكه از لکه خویش
مردمان دگری
برگهای بینندند بران
ای درخوا برمن که جه تلغی
میخشم دور ز انسانه خویش!

روزها از انتاب تهن
ابرها از باران
جنگ از موسیقی
ساخه عی بن هیچ نشان
مرید دیوار سرام ساید
درخانه - من

و هراسانیم

دریافت

د رشب
و در بندای فصل سرد
د رنگه تک عقره ساعت
نیساز آن
((تمهاص د است که میماند))

در بایز
وقتی به زیبایی های بهار نگرکنی
تها صدای چلچله هاست که از ۰۰۰ درجه
خواهد ماند

و در بغار
وقتی به پاییز نگرکنی
تها صدای شرشر خشک برگهاست
وقتی شب آهنه نیزه گی میخواند.
۱۰۰۰

وقتی صدای رفتن آب زمان رامینه یاند
از بست خاکواره های قرن هایانک میدهد
وانسان آزو میکند
بس من ۱

من بچرا خاموش بیام
وقتی ابر
فریاد در آسمان خنده شده اش را
باریزش باران زمزمه میکند
بس من ۱

من بچرا خاموش بیام
تها در قلب من یکصد است
آنرا با شعم خواهم خواند
و آهنه را
یاده ای تک، تک قلم هم آواز میکنم
آن وقت
سرود شردا... خواهم خواند

ارسالی: حونه نفلیار

کلکل

ستایرانه جو، بستکا و باره مینه نه و
کل د سروشوندو و موسکاو باره مینه نه و
د گل بشانه سرتی بایه دغزل وی و
به کرشونکی دی دنیاوه باره مینه نه و
حسن دی باز غوند یک دزه مرفی پنجوکی نیسی
خند حمود سره فضا و باره مینه نه و
خمارد سترگودی نش دمیک و دی راته
شورومست و او خنداد و باره مینه نه و
اویل دی خورکر چی زما به نه کی اویل شی
داد اویلیں تعاشه و باره مینه نه و
د شوندو شف به دی زخمی نه تکور در کاوه
د بازاری مین سودا و باره مینه نه و
ماوی جی کشکی زه هم ستاینه نه کی عاید عولوم
بوه شم چی خوش تنا و باره مینه نه و
(نژنده) سوزه اوله سوزه چانه هیچ مه وايه
د اجی خبره دی رسواوه باره مینه نه و

(c) ketabton.com: The Digital Library

۴۹

۴۸

نقشی جدید من

عادله ادیم غیر در فلم

در همین تازه چیزهای نقشی را در فلم غنی ((آخرین آرزو)) ببینید کارگردان محترم نظری به پایان رسانید، در این فلم نقش پلے دیگر عاشق پسر جوانی پیام عابد است که او نیز جبرا به این کار کشیده شده است.

تازه ترین نقش من در فلم هنری ((غیر)) میباشد که کارگردان آنرا محترم عباس شیان به میک برخورد ارادت نداشت، که میکن بشه ذوق تماشاگران برابر بود و موردن علاقه شان قرار گیرد.

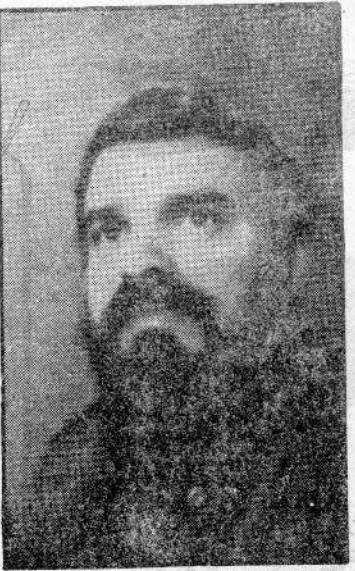
در این فلم سفید روی نوار هنری ((غیر)) میباشد که کارگردان آنرا محترم عباس شیان به دشاد و فلمهای ارادت نداشت، این فلم به شکل سیاه و سفید روی نوار ۳۰ میلی متری میگردد.

فلم غیرت پل فلم جنایی است

ماری امید، داداولدین و دیگران

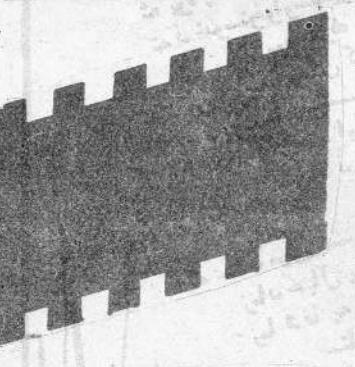
نیز نقش دارند.

میکن که جبرا به قاجاتبری کنند.



این فلم دیده میشود که چیزی اطفال و نوجوانان جامعه ما به بازی گوشی و عدم توجه شان به درس و آموزش و اشته می شوند. در این فلم دیگر زحمتکش را به تصویر گرفته ایم، یکی خانواده هنری، و دیگری خانواده هنری است که پسر نوجوان نجات دهنده است. نه تن و زنانش را به افسوس گرفته و از این مسیر وجه اش منحرف شده، به یک انسان عقده می و -

حود خواه مبد میسازد که همین اتفاق و غرایض جاه طلبی و خود - حواهی اوراد ریمان همیانیها - پیش بکه تازه لجن بیار آورده مور جریان حواله فلم اورا سانه احوال دیگر یعنی پسر اهانت مقابل میسازد. اورک میکند



فلم هنری عاصی پرای توجهاتان

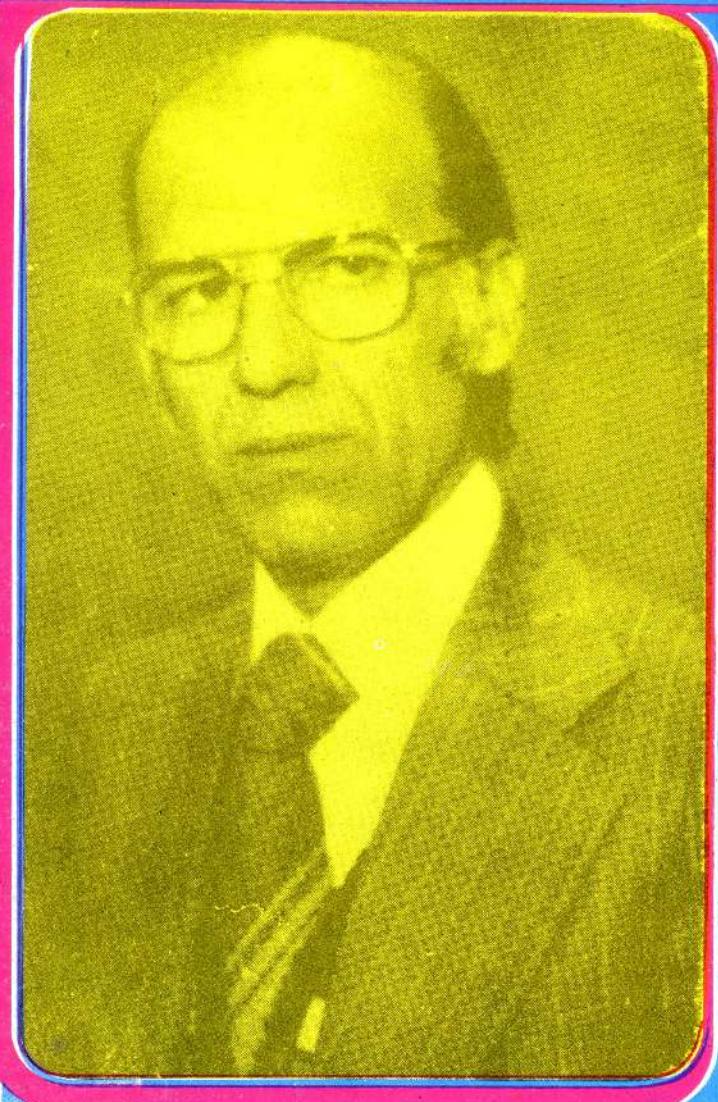
که شخصیت انسان وابسته به نیرویش یعنی کاری که مینماید و این فلم است. اینکه همین عنصر باصیبیت کامل میونت ماباکا ل رسانیده تلاش نراوان دارم بادد و پیاری اداره فلسفه ای خود را از خود میگیرد از هر یک از قهرمانان خود یک قسمت از زندگی خود را بخشم میگیرد و اینها تهمه زندگی و -

این بیچاره زندگی خود را میگیرد و محبوب و صداقت نماید.

این بیچاره فلم فلیمیست که توانستم با پایاری و دشاد سینماگران باد و رک خود در رسمیت و تکامل سینمای خود داشته باشم.

در فلم هنری میباشد که توانستم

در فلم هنری میباشد که



زهور مکدر



فودرامز



میخواهد!

das
Guru

دستان زیادی از مرکوزولایات کشور، هواهه تقاضا مینمایند
نامحابه بی با محترم ناشناس هنرمند خوب انجلم دهیم مادر زمینه
بنابر تقاضای دستان آواز محترم ناشناس و نیز سلسله ماحبه های
هنری با هنرمندان تاکنون سعی بر تکاران اختصاصی مجله را
توظیف نموده بی نامحابه محترم ناشناس راکه "اعلام" در اتحاد شوروی
در سفارت افغانی وظیه انجام میدهد، آماده ساخته و مارسال
بدارند، متناسبه در هر سه بار محترم ناشناس که مردم هنرمندان
بخت دوست دارند، حاضر نشند ماحبه نمایند و مکنهای
تازه شانرا ارسال بدارند، آنها استدلال مینمایند که یکی از مقامات
رعی کشور کار دیلوماتیک را دور زاری کاریک هنر مند دانسته

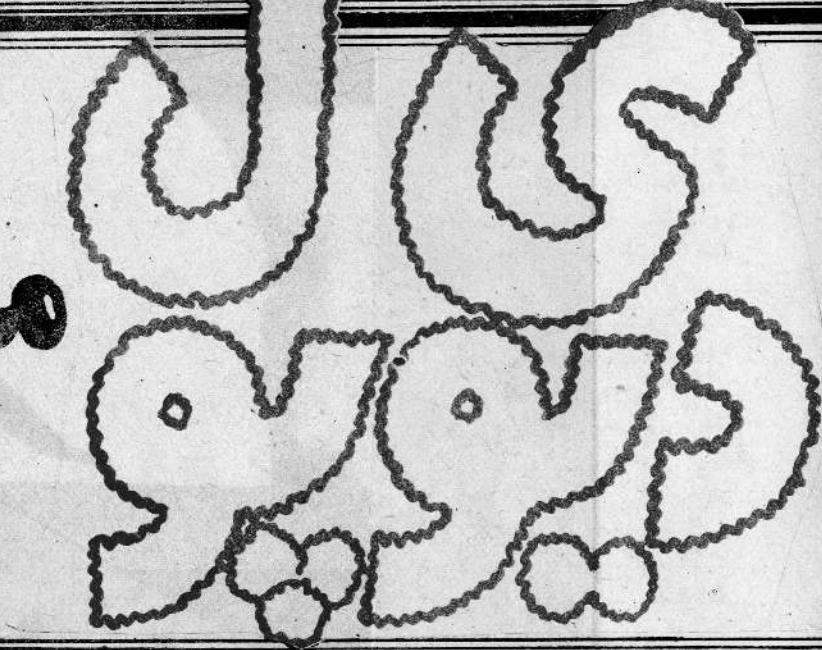
لعداً آنوار حدود همین سخنان گله مند اند و پکر حاضر
نیستند در هیئت یک هنرمند شناخته شوند یا در مقام یک هنرمند
صحبت نمایند، بدینوسیله همراه خواننده گان خود هر ضم کیم
که تعیه ماحبه مطلوب آنها "اعلام" میسر نگردیده و ما به احترام
خواننده گان عزیز خود، مکن محترم صادق فطرت ناشناس
دیلومات افغانی در اتحاد شوروی را به نشر میرسانیم و بعد میدهیم
هم هرگاه آنها حاضر به ماحبه نشوند، در اولین فرصت از طرق
تلفن یا تلگراف یا فرستادن خبر تکار خود به سکر ماحبه آنها را
تعیه و چاپی کنم



انگشت خواهند گرفتاكه من از
این‌توه بروخود داشاد نیست
معتزاز همه اینکه آنهاي که -
بپرماون شخصیت من آنهاي کامل
نه ازند چنانکه به خود حقیقیه هند
که مرا انتقاد نمایند - من یك -
هنرمند است هنرمندی که بیشتر
نقش یك زن حسال را بازی می
نماید و تاجاییک فکر میکم انگزه
بعض حساد تهانیزد رهمنی نکه
نفعته است) .
من از سری دیوی پرسیدم که -
چرا اجازه میدهد که اشخاص -
منفعت جواز زیبایی وجود این شخص
استفاده ناروانی نمایند «اورد را ساخت
میگوید : ((در جهان فلم و سینما
نمندی ممتازی دارد . اینکسری
- یوی تاچه وقت بر فراز این سکو
فرار خواهد داشته بزیری و -
نگردد های خود ش در پیشگیری
شیوه های بھتري بستگی دارد .
در همین رابطه خود ش لفته
است : ((من نقش های خود را -
پوره برسی کرده ام ، نی گویم

نقشاي جد اگاهه اي از هنرمند
دارد ، به زم اينکه در هر چشی
از هنر هنرمند خواهی نخواهی
داشته و من از جرای آن سریز
نژده ام ، لیلیش در آن نفعته
است که من نخواسته ام ، گامی
به عقب برگردم . من به انگشت
گذاري برکار رقیای خود معتماد
زیر نظرم گیرد ، باقی کارها
مریوط به خود هنرمند است . من
هرگز رنگهاي خود به کسی
صدای خود را خنده کند . من تکر
میکم ، بمعرفتیه که من در
هنر خوش گام فراز گرام و نقش
های کونه کونه را بازی خود قرار
داد)) .

تقدیر صفحه (۱۲)



زیبایی « جذابیت و رازنده » تی
اندام سری دیوی آن‌توه است که
کاهن هنرمند را به زیرمیگیرد ، مثمر
خود ش طویل می‌اند پسند که به
نقش های بازیگری هایش بیشتر
انگاد اراد .

این یك امرواضح و روشن -
است که نمسازان تاکون ازوی
بحیث سمبول ((سکن)) استفاده
برده اند و اونیز خاموشانه سر
تلسم خم کرده است . شریه -
های ملعن سیزیا تصویرها ی سکسی
او به رنگین نشرات خوش می
انزوایند .

سری دیوی با آنکه میخواهد
هنرمندی باشد با وقار و رحمند ،
اما اشتباهاش میگردیده تایه
این خواست و آرمانش نایل نیاید .
باید یاد آور شد که : تماشگران -
فلم های سری دیوی ، نه -
قصد تماشای هنریکه به آرزوی -

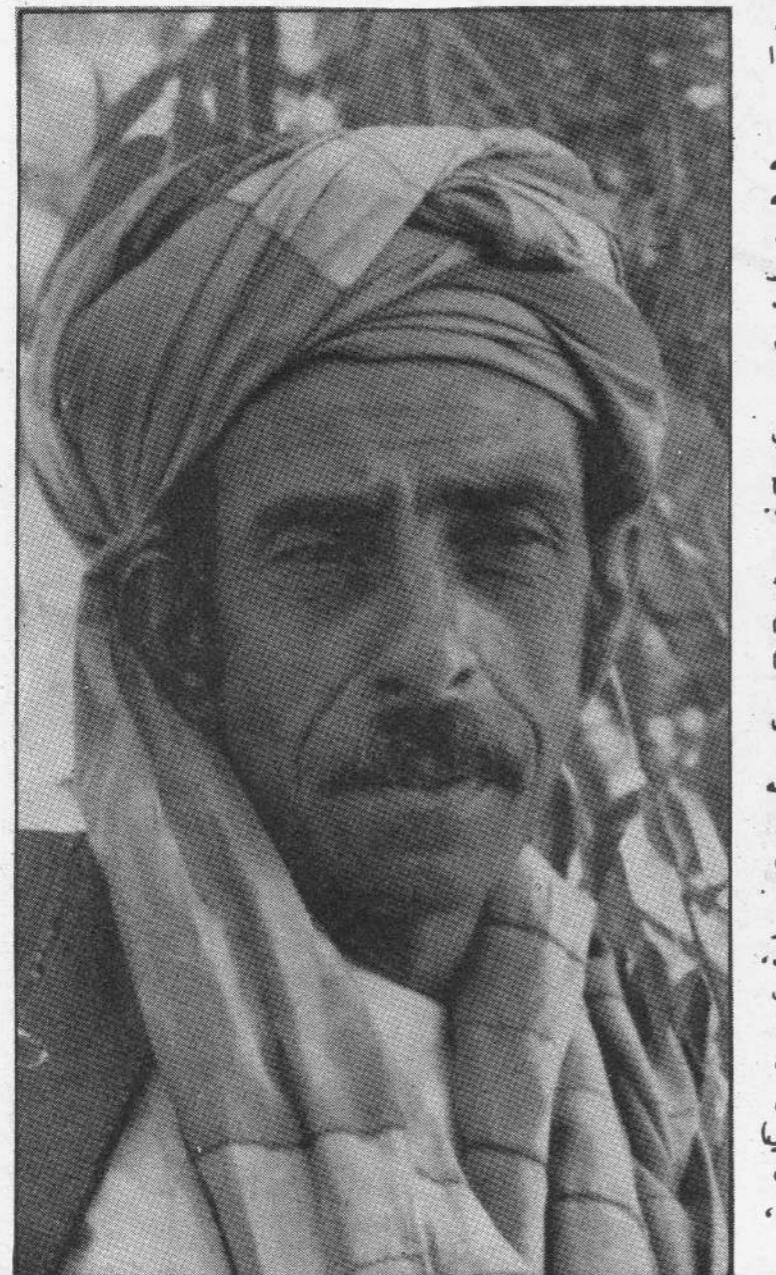


**از سری دیوی تا کنون
به عنوان سمبول سکس
استفاده شده است**



مصاحبه بی‌پاپ‌مالو

صاحبه کنده: کامله حبیب



یکروز هنگام تعریف افتاد واستخوا
که تو شکست، درین وقت بود
که خدا به دادم رسید نیول اورا
به من دادند از همان روزندگی ام
باتایاتر گره خورد که ناتامی دادم
دارد.

- بزرگه این جساب مالها ی-
زیادی را بست سرگذاشت اید؟
ساید به مرصد مالگی باگذاشت
باشد؟

- از من وصال نبرسیدم مادم که
خداعزیز را دراز کدیدم
مال دارد.

- پس به این حساب من اشتباه
کرد، ام شما خیلی جوان استید؟
بلی بلکی جوان استم.
- شما از کارهای راضی استید؟
البته مقصودم از اجرای نقش تان
نیست بلکه هدف از هنریشی
شدن است.

- بلی بلکه راضی استم، فکر نیکم
که این راه را اشتباه بپنده باشم
حتی به سلک خود افتخاره
میکنم.

- پر ناکون در چند نمایشنامه
کار کرده اید؟

- در پیشتر از (۱۰۰) نمایشنامه
نقش داشته ام.

- نمایشنامه نویسی هم استید؟
نه من یک کار رانکرده ام.

- شما قبل از فلم نیز نقش بازی
میکردید، درین اواخر رفته
دیده نمیشود، چرا؟

- من در (۲۰) فلم کار کرده ام-
بگذر حالا جای ماراد را بجا

بغایه در صفحه (۹۰)

- محترم عزیز الله هدف بالآخره
بعد از تلاش زیاد به مشکل شما را
بید اکرم.

- جرا به مشکل؟
- به تلویزیون رفتم گفتند عزیز الله
هدف را فانفلم می‌باشد. به
انفلام رفتم، گفتند شاید
به روی ستیز کابل تیاترید آیس
کید، به روی ستیز هم نبود یا
بالآخره سرتقسیم کردن نیان
بید اینان کردم.

- یامن چه کارد اشتید؟
- میخواستم درباره کارهای هنری
از همه داروندان ارتباط برایم
بگویید تا نامش را بگذارم مصاحبه.
- باید بگویم که شما آنقدر در-
کارهای هنری بیچیده اید به
اصطلاح گذ خورد، اید کهنیدام
از کارهای سینمایی تان بپرسم
و بازیت از نمایشنامه!

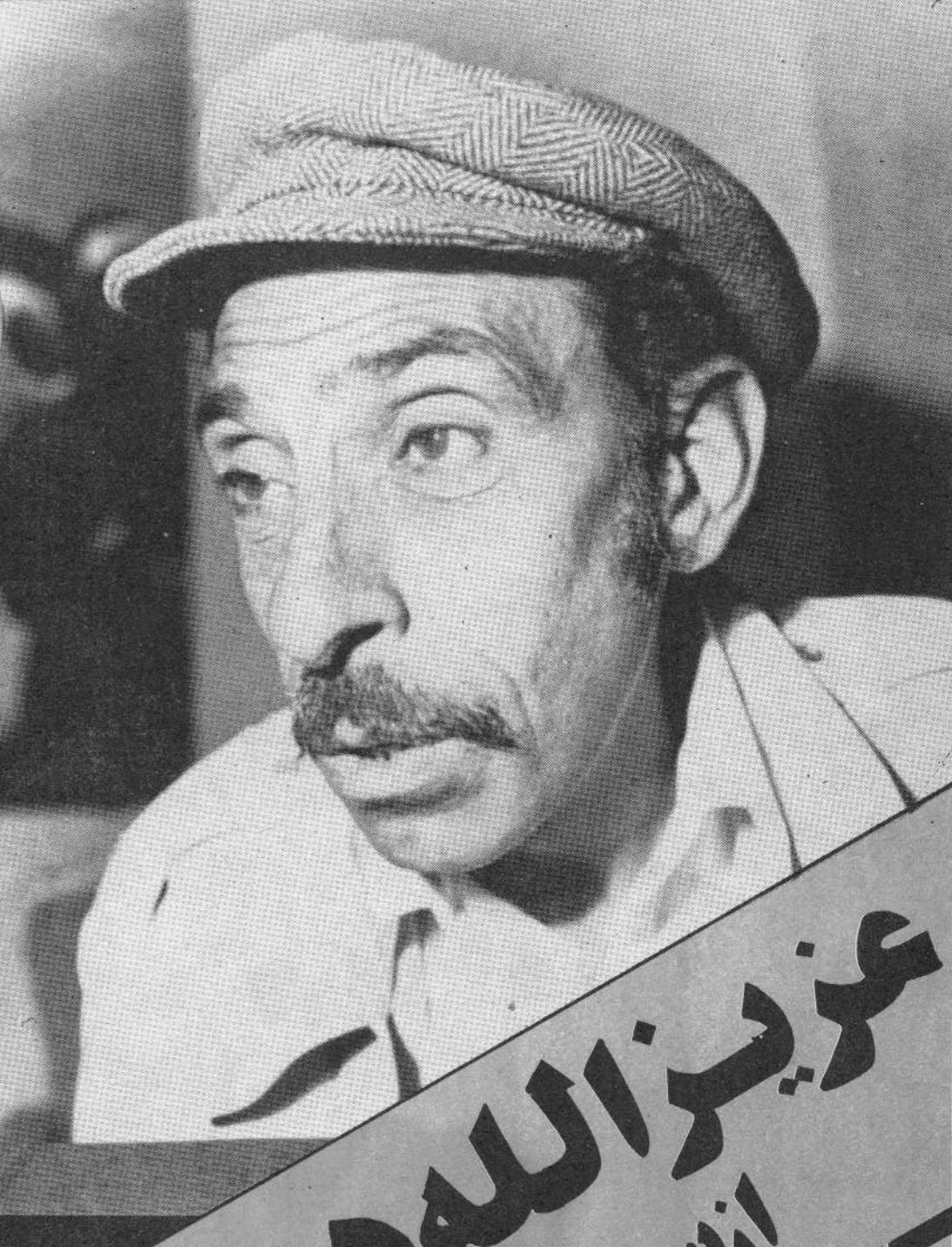
- در هر قالی که هنرمن خوشتان
آمد، از همانجا شروع کید.

- شما هنریشی استید یا در رامه
نویس و نادیر کسر؟
من عنقریب جامع الکالات من

شم!
- من تابه خاطر دام شما در
نمایشنامه هانقش بازی کرده اید،
چگونه هنرمنشی شمارا به طرف
خود کشانید؟

- در آنوقت که من مامور شرکت
برق بودم تعدادی ازدستان
کم رهمت بستند و تیاتر (لشکر نداری)
را ایجاد کردند و من تقریباً یک سال
مشق و تعریف آنان را تمام نمایم کردم،
سید شریف حارت هنرمند توانایی
کشور که جزاین هنرمندان بود -

عزیز الله هدف از نمایشی تا دشیل شد



شیوه: ایندیکو

دنگوا

ادسخار از شخصیت

دشنگ
منزه
بودن

ادسخار
روزگاری دشنگ
دشنگی شوچ فسان

درجستجوی سلامت جسم اند
برای اطاقهای مختلف منزل
تاز احتفال رنگ های گوناگون
رای انتخاب خواهد کرد و یعنی
انتخاب شاند هنده " این
واقعیت است که سعی داشت
خود را با درنظرداشت این امر
ینگهد که هر اطاق ناچه حدتر
زندگی شماش اینها " میگرد.
اطاق شمعی و تاتخونی برای باکریت
خانمها شاند هنده اینست که
میخواهند چکوته در اجتماع ظاهر
شوند " بدین ترتیب ، رنگها را که
شما برای این اطاقها انتخاب من
میخواهند چکوته در اجتماع ظاهر
کنند ، به جراحت میتوان گفت که
نمایانگر این واقعیت است که
آرنو داشت ، دیگران چگونه شما را
درک کنند . رنگ را که شما برای
اطاق خواه تازه من پسندید ،
انعکاس دهنده وضع رمانیک و
جنس شماست . رنگ شنل همین
این امر است که در بور اندسا
تاز چگونه من اندیشید .
شناخت بین استفاده از انتقال
تدبیر و نامحسوس رنگها یا
استفاده از رنگها کامله متلبان
و مشغاد نیز در برای شخصیت شما
گفتی هایی دارد .
زنانه از رنگها در امامتک
وقوی مانند سبز و سرخ یا سفید
و سفید استفاده میکنند ، مایلند
اشخاص حاره جو و احساساتی
باشند و کمتر واهه دارند از اینکه
دیگران در برای شان چنین
قضایتی نمایند . زنانه شکل
انتقال تدبیر و نامحسوس میکنند
پسندند و رنگ را ترجیح می‌هند ، خلق
یعنی دارند از اینکه احقیق جلو
کنند . اینها رسک را تعطیل
نمی پذیرند ، خیلی محتاطانه
و شیوه ای عمل میکنند .

جهله اشخاص مسروق و ذکر بوده و از
متاثر طبع برخورداراند .
داشته و در رطیت اصول موافی
اجتناب سختگیر باشد ، بهمان
یهان به انتخاب رنگها نویسی
مانند بخش ، نارنجی و سبز تابل
پسندید .
دوستداران رنگ سبز در .
جهله اشخاص آماده هر نوع پیش
آمد اند ، بیهوده ، سکس ،
ورزشکار و رقابتی اند .
اشخاصیکه رنگ و گل میخواهند را
دوستدارند ، متعالند افراد .
مالقندان رنگ افرادی مایلند
حسنه ، شهوانی ، دوستدار .
هنرودکی باشند . اینها خوش
سلیقه بوده و دارای مورال هالی
وایده آل های معنوی اند .
دوستداران رنگ کوئی
حافظه کار قابل اعتماد بوده و

قدرتمند شخصیت اجتماعی و شخصی
داشته و در رطیت اصول موافی
اجتناب سختگیر باشد ، بهمان
یهان به انتخاب رنگها نویسی
مانند بخش ، نارنجی و سبز تابل
پسندید .
اشخاص متعال به رنگ سرخ
از جمله اشخاص آماده هر نوع پیش
آمد اند ، بیهوده ، سکس ،
ورزشکار و رقابتی اند .
اشخاصیکه رنگ و گل میخواهند را
دوستدارند ، متعالند افراد .
سالم بار ایند و هوش باری ها ای
سایه شانها باکس یک شخصیت
سالم جهان کنند .
آنانه که رنگ نارنجی را می
پسندند ، طبع آرام داشته و خوش
قلب اند .
افزاید متعال به رنگ زرد از

اینکه بین شخصیت و انتخاب
رنگ در تئمن و نیمهکوشن منزل
رابطه ای وجود دارد . یک
موضوع قابل بحث و مطالعه است .
انتخاب رنگ میتواند نتیجه معلشت
ها و برخورد های پیشمن شماره برابر
سائل زندگی و همینان نمایانگر
وضع شخص تاز میشد . روی -
این مخلوط ، بین رنگها که
برای انتخاب تاز انتخاب میگردند
شخصیت تاز یعنی رابطه ای
موجود است .

هرگاه تথیحات نمیهن سا
حالت شما مطابقت داشته باشد ،
خوب ، در غیر آن برای رد یا تبول
یک رنگ معین بطور تعمیم طبقت
کامله باطنی ماید نزد تاز وجود
داشته باشد . همچنان قابل -
تذکر هاد اویست که بعضی سلیقه
ای راک در انتخاب رنگ و نیمهکوشن
مکار میهم ، میتواند مکن سلیقه -
ای باشد که افلاه از برای آن می
اندیشم . طور مثال ، یک زن
بسیار محظوظ ، ممکن رنگ سرخ
را پسندید و شاند من محظیت خود
انتخاب کرد .

گرچه بطور عموم ، کانیکه
رنگها کرم - سرخ ، نارنجی
زرد را انتخاب میکنند ، مایلند
نمی به اشخاصیکه رنگها سرده
آن ، سبز و بنفش - را پسندند .
اشخاص اجتماعی و فضایل بوده و
صرفه های خارج منزل داشته
باشند و آنانه که مایل به رنگها
سرده اند ، اکثر اشخاص منزه و
مستباط و خوشتن گر اند . مهر
اندازه ای که نز در زندگی
از اراده ساده بین شناخت باشد ،
بهمان یهانه رنگها اصلی - آنی
سرخ و زرد - را پسندند . همچ

پیدا شد. زیلی باد لوابس بر سه: چه خبر است
اندرو؟
بیش خدمت جواب داد: بوزش میطلبم، میخواستم
خبرید هم که آقای توینیوت نیز آمد است.

زیلی: ترین رایرای چند دقیقه به صحبت
دعوت کرد. ترین با پاس های آین که خط های
سپید اشت، هنگان پیاوه و نکات آین، در
برابر زیلی زانوزد. ترین با احترام تمام دستان-
هر دن رایرسه و گفت:

از هر دو بتان غمیچواهم. هم از توینیوت و هم از
خود تپتراء! هر دن بخت زده به مرد چارشانه با کسوه
نگرفتند. مرد مجدد ادامه داد: پیتراتون اکون
باشد بدان که من مد تزیادی رایانه شکن باگرا-
نده ام. زیاد و متضمن داشت. اما اکون آن
محبت وجود ندارد. اکون به توینیوت ام! پیتراء!
و اثناء توینیوت سوی زیلی روپوده گفت: چنانیکه
قبل هم براحتی و آنود ساخت از نکه تنهارهایت
میکم. معد دم بدار! من خیال از دفعه پایتراء
راد ام. سکوت دراناچ حاکم گردید. پیتراء این
سکوت را شکست: تعلق به ماختیات خواهد کرد.
همه اسرار رایه فانیست هاقصه خواهد کرد.



زیلی گفت: من همه چیز را قصه خواهیم کرد. همه
چیزها، اپراکه توجه انتباهاش را مرتفع شده ای.
توینیوت خوش برسید: چرا پنهانه تعددی؟
زیلی جواب داد: برای اینکه درست خوب و هیجان
است.

اثناء توینیوت است پیترارا گرفته، هر دو سوی
تران شافتند: زیلی به دنبال شرجله نموده، سوی
فرن از دز: توینیولطا حرکت نک، لطفاً... اما
توینیو پیداهای اوراناد پد گرفت و دست به دست
با پیتراند از های زنده به بیرون رفت.

.....

رزید بعده زیلی نایدید شد در حقیقت او دیگر به
روم برگشت. چندی بعد ترین و دستانش پیراهن
فرستاده شدند و پیتراند پرورد مردی و چیزی نه شنید.
مجدداً زیلی برای نجات توینیوت در پیال خواهد
ترین و غمیچه گرفت و آنان را پریجن حقیقت نزد
واخشم (ادامه دارد)

باعلاعندی به لبان پیتراجشم د وخت «حاج غربی» -
حرنها پیتراسرا پایشمن جون مطفله این او بود که
مرابه سوی زیلی رهمنون میگشت.

اینبار رسیده: او از تخریست تا پرای وزارت خارجه

ایتالیا کارکری؟

بلی! شما همینظر؟

توینیولطا طرف اعتماد یافته، میخواست خبرها ی
تازه، بلان هاو اطلاعات راد را ختام پنداش، او
پیترو پیترارا مخاطب ساخت:

ملی براي نوشیدن دارد؟

سرویرا تکاندار.

بازهم شامهاین؟

بلی! لطفاً...

به سوی تیلفون عجله کرد، شامهاین و پیکر
طلب کرد. پیتراء حرف آمد: چرا حساساتی به
نظر میرسید؟

گفت: حرف دل من حرف د مرود زیلی است از

او قصه کیه، لطفاً... خانم وند!

من به ایتالیا سفرکردم، آنجا به کاربرد اختیم،

بول خوب سنا نیدم.

با ناراحتی گفت:

این برای من مطر نیست که شما آنچه جاهد پید

او گزارش میدانند. از ۱۹۴۵-۱۹۴۶

سه صد زن به خان المان فرستاده شده بودند.

پیترو پیترارا مخاطب سخاون آیی به شفافی آب داشت.

دعت میکرد، گفت: آقای هولند، درین درنزل

((با ایا)) زندگی میکردم. انشه گلتویر ایرلین

بود و سالون بزرگ دیگر به زیلی

پیتراند برای چندی میگردید که وی نقش زمین گردید.

آن زن به سیله زیلی دعوت شده بود: زیلی -

لورید و پارکن باونشویک درخانه نیمه بلند

((بیسا)) که اطراف آثار رخان کاخ احاطه

نموده بود و آنسو تریکه العروس تراشیده از من

جلب توجه پنهانود.

بلوی زیلی لاس این شمشی سبز به تن داشت. مو

ها پیش از این شمشی رایلانه زده بود. ابتدا هیچکس

به شعل توینیوت نمیداشت که توینیوت منست

زیلی مدن گردید: میدانید که توینیوت نیز از

آشنا زیان منست.

دوشیزه قشتگ، شما زیاد معیران و حسوان

در ریک مغازه کارمیکردم، مستخدمن بول و خانه

قشتگ داشت.

- ادامه بد هید!

سراجمام آجرا مردی عاشق من شد، برام سره

د وست کوکان خوش قلب سرشا رازمیبیت بوده،

همیشه باهم درین آسیختم.

زیلی مگری راروش نموده گفت:

برای من سنا نداشت است که توینیوت توگته که

دوست داشته به تعشق میگزد و یام توبه امشق

میورزی، امایا باید ازین عشق منصرف شوی.

پیتراند بار آزاد:

توکون و پی عقل اشنی من ماموریت پانه ام که

پا اود و ستس بام و همراه گلسا شاماین اش را سرکشید.

برسیده: این توینیوت نیز که عاشقش شدید، کی بود؟

وهم ترا از اینجا دیوار رخواهند و ایمان خواهد یافت.

پیتراند در حرف است و حق در لحظات همبستگی زیان

نمیتواند هنچ راسته که وسیله جان هلموت کاره از دست

ایتالیا رسید. جان هلموت متذکر شده بود:

- ایده وام سفرخوش بگذرد.

- هم... حتمی میدانید رایتالیا هوا گز

است.

بولیزیل راین میان گفت: پیش از این

من ماند.

دوشیزه وند، شما نیتوانید به زودی سفرکرد.

بیش خدمت من که جای راین میکرد، آنجا سرکلعن

باشد.

- چطور؟
- ما اجازه نمیدیم.
- ملتفت نشدم.
- بعد میدانید.

آن صحنه مایه امید واری من مخصوصاً از جهتی

گردید که او بالاخره به ایتالیا سفرکرد، بود و حرف

های کاملاً جدی را رمود زیلی لورید وید ایست،

از پیترارا مخاطب ساخت:

- میل براي نوشیدن دارد؟

سریرا تکاندار.

- بازهم شامهاین؟

- بلی، لطفاً...

به سوی تیلفون عجله کرد، شامهاین و پیکر

طلب کرد. پیتراء حرف آمد: چرا حساساتی در

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیلی من ایم!

نامه ای که توینیوت نیز بود، من شناختم

و این باره بسیار بارگزیده بود.

- چیزی نیزیل

آیا سکریپٹ طبادب کارول کیوں

تجویه ترسه کرده د پیشتوک او سخنور زهرو د مسعودت پیش
حساوسوزنکو پینپنکو د ناریغانو حالت او رفتایا به پرمختک کری دی
دیا یصیزرا یابیدا اتفکوه دهلهونه زیانه هفه وخت لبره گتیوره
اوعلان وبلل شره هیچ به جراحت که د ((مصنوع زه)) او ((مصنوع
پینپنگ)) جوونه ایه کاراچونه باب شو
په (۲۰) کلونوک شورون اکاریمهین ای هم لوکین د هیموسور
ترنولوبه اومکل هیتد چو د هین د جرونکو اجزاوا (یلازم اولشف)
په تصفیه اوتجزش کی بهه گبور واقع کیداچش ، رامنجه کر په
دغه وخت کی د لوهی حل له پاره په شورون اشارکی په نهساوال
پیراکیک کی مصنوع سکاره هیچ د لوهونه زهنو هیموسوره شتونو دینسته
اواسامیه توگه هی خدمت سرته رسماوه دود اویا بشول دندوی
په مرسته د هین تصفیه دگن شعیر هفونارزیویه ملاح کی جن طب
شی په مقابله کی کمزیه بونبنده ، لوهی نیچن تراسه کری خو
د هین تصفیه اولتلریوه ساده اومعمولی جراحت علمه نه ده
دوگونو د سیستم په عطیاتوکی داسن یوه آله کارول کبزی ، چسی
د هین جیمان او دوران ، حجم اوچنکتکا گوندی کوی د یون خاص
سیستم له هخی د سکرو فلتنه هنه دری له پاره برابره اوچمتکوی ،
پی پمچله د چویسته ناولی نه کرپی ۰۰ داهم سنه ده هی دهی
پلید تل د نازاره د هین سره متابقت ولنیه اوکه نه پوندیزی
د هیموسوره شن د معالجی ضربانی ساده شن د اکثرانو د
زهرباتا اوتو کمهمتو نیها موجنونکو کاره بلقی اوگوله ساده بفوت
ستگی په لاری دی

انتراسوريا سونه

پیوشن نومونه د دوچاره گفتونه تیهو ((یوتانی او لاتینی)) خنخه -
اخهستل شوی دی ، او زیاره شن په لاندی دول ده: ((انتسبو -
کولن او سویه و - جذبهم)) ادغه کوچتن گرانو لونه جي ۳۰ - ۲۰ ر .
ملو مته قطربالی او شوریون کیماپوهان شن په ترکم او جو پولو بهالی
شوی دی ، د فجهب او هجرانو تکی خصوصت لرونکی دی . دوی د -
وجود ز هرجند بولن شن او د معدی او کولمو په توله لرن جي له گسدي
او معدی لخفق تیزبزی ، خپل تائیهوات بندلی شن . او د کاربولسن
په یارله او تیهر همیر زر او وی سرهات اشماع کېزی . له دی اړه هفو
د کولموه تیتو اولاندې په خوکی عملا خپل تائیهات نش بندل .
له دی پړه ځنونو انتراسون ښتو نهد کیماون فناصر و د یوشنونو

لہ دیپر پخوا راهیس، درمل جورونکو به طبایت او علاج کی رنگار
شیان کارولی دی ۔ هیپوکرات چی لہ میلاندی پیری نہ میں دیپر کلوہ
پخوا زوند کاوه ۔ اپہے هماگوکلونکو د ((اویسین)) (ھفہ ناروض
جی د ادرار د زیاتیدو سیمہ گرنج) اد علاج په کار بوجت و ۔
اروپایانو بنائی د حصہانو خنچ د لرغونو سکاروہ ھکله ، چسی
د گن شہیر شیانو د جذب اودھنیو محلوتو د رنگو د منہ د ہلسو
قابلیت اوتونانی لرزی ، معلومات انسنے راویں وی ۔ لرغونو صربانو
سکارہ د بدن د داخلی برخی د پیوینٹلوا اود بدن د بدبوی
خنچ وغقولو په ھیله، کارول ۔ دغه سادہ اومعمولی درمندیں
یواخی په ۱۸ یہی کی اروپایانو په طبایت کی دود کرل ۔ د ۔
شلن پھیپی په پہل کی د سکرو استھان په صدمتی دول سره پھل
شو ۔ خوباید زیاء شن ، چھی د سکرو استھان خومہ جی د سکری
او مصولاتو تولیداتو په مقصد ترسوہ کبزی ، ھومر په طبایت
کی نہ لگیزی ۔
د اکترانو په نزورتا سره د سکرود یوپروا استعمال په غذاشی تضمیں
د درندو فلزانو په معمومیت د مزمونو گاستر پتو ((تیزابیں)) اود کللو
د مزمن التهاب په علاج کی ، ترجیحی کاوه او لپیری بس نتیجی شنسی
انسنے رادری ۔

انق بیوچک اوانت باکتیا ، ترکبونه جي به دی وروستیوکی په طمابت کي به پراخه اندازه کارول کېزی ، هیتلکله سکاره دردر مطسو له دلی اوقطار خنځی شن اېسکل ، د اځکه جي هفه د بشري ټولشي د ژوندانه د تقوونی به لاره کي ستر خدمتونه سره رسولي شن .
سکرو د دیزاښن د اړیې دیم په کلوک د هېرو وګړو زوند له پېښش وټغوره . اوډ آسیاڼۍ یامعمولی کلورا او بطنه سرځن خنځه ښه پېښر انسانان بچ اوځوندی وساتل . د سکرو خنځ پولونو اوډ هفو په دله کي منځن د کارهولن د تابلهت په بهه، اوں هم په ګن شمر هیوارد وکی تولیدیزیزی 。

استعاده‌ها شوت...

بچه از صفحه (۲۳)

- چه غافلی؟
- هدف نان؟
- هدم این که گریه اش چه وصف داشت؟
- وصف آنرا نیتوان به سما با کلمات بیان کم. کاش آنوقت متوجه میشدم تا از اثبات میکرد. امایت نکته این که گریه اش حالتی بین گریه بزرگ سالان و اطفال داشت. البته او طفل زیاد آرام بود بسیاره ندرت گریه میکرد.

مادر رض همینه میگفت که طفل ما نظری است. امامن انقدر بشه این گفتند ها توجه نمیکرد، تاکه کودک ما باید به دوستالی گذاشت. درد رسالتی او، متوجه شدم که سید اعظم جان در علوی هشیاری و سرینکاری های طفلانه، خیلی کجگاری باد است. مخصوصاً به قلم و کاغذ انقدر علاقه نشان میدهد که تصویرش را هم کرده نمی توانست. وقت قلم یا کاغذی رامی دید، تا اینجا بشه دست نمی آورد و کاغذ سفید را خط خط نمیکرد، ارام نمی گرفت. این همه علاقه مندی اش به قلم و کاغذ باعث شد تا بیشتر متوجه این شو.

هنوز دو نیم ساله بود که آموزش الفبا را با وی شروع کرد. ولی با تعجب مشاهده نمودم که در مدت کثیر از یکاه نه تنها آلبایرا - کاملاً خوانده و نوشته میتواند، بلکه یکان حملات و کلام را نیز تحریر نموده، میخواند.

برایش کتاب صحف اول خریداری کرد. آنرا در مدت کنtra ز ۲-۳ ماه ختم کرد. در این زمان بسیار به ساده‌گی میتوانست هر متن را از کتاب‌ها، مجله‌ها و اخبار بخواند و تشریح نماید. خصوصیت دیگرش این بود که وقتی پیک موضوع را پیک بارمسی خواند، دیگر ضرورتی به تکرار نداشت. بلکه آنرا کاملاً با تفاصیل جزئیات حفظ کرد و هر وقت که میخواستم، از یاد تشریح میکرد. این خصوصیتش هنوز هم - بارگاه عالیت - در روی وجود دارد. در این جریان که اوسه ساله شده بود، حادثه‌یی جالب رخورداد که موجب جهت یابی اش گردید.

- چطور؟
- طریقی که پیک روز، گروی از کارکاری ریاست مبارزه بایسوساد پنهان خاطر خذاب اشخاص بسیار دیگرها به منطقهٔ ما ((جوی شیوه)) آمد. بودند.

وقتی آنها دروازه را به مدار آوردند، با سید اعظم جان مقابله شده بودند:

- درخانه شماکس بسیار است؟
- اگر یاند، چه کارداند؟

- برایش درس یاد میدهیم، تا خزانه برویم و نوشته بتواند. سید اعظم جان پاچد پیت جواب را داده است:

- تشکر، به کل شما ضرورت نیست، اگر درخانه ماکس خواست. باشد درس یاد نمیکرد، خودم برای شان درس میدهیم و شما هم اگر خواسته باشید، شماره‌ی درس میدهیم.

هیئت سواد آموزی به حنده می‌افتد و آنرا یک شیوه زیانی تلقی می‌کنند، رویش را من بوسند و میگویند:

- خیرا جاره است که داخل خانه بروم و از توامتحان بگیرم. هیئت داخل می‌ایند و کتاب صحف اول سواد آموزی را برایش سی دهند تا بخواند، او با صراحت و بد ون هیچگونه غلطی بقایت های مختلف آنرا میخواند و وقتی برایش املا گفته می‌شود، بی هیچ اشتباهی می‌نویسد.

هیئت با تعجب به روی خیره می‌شوند، در او استعداد سرشار می‌یابند، کارهای شانرا به فرد امیکانه و سید اعظم جان را گرفته باخود به وزارت تعلم و تربیه می‌برند و به ریاست تعلیمات عمومی معرفی میدارند.

در اکبری ورکی توان لری، که به بفسکرها نیاشن دهند و می‌رسند دستخواه اوه حجروکی دسته دمایعاتو لنس اورابریدی شد.

من ورخ کولن شو، له د پاسه د (۳۰) ناروفیو اوپتالوژکی - حالتی مونه واخلو، چی د انتراسویستود داخلمدله لری او - قاعده معالجه کیزی اوضی او لهری رفیقائی نتیجه تری حاصلمزی. د خور و درطه، کیهانی اسایابو سخت او حاد مسمویتنه، سخت - سوئی، د مفصلو همه پرسوونه چی تداوی می‌خواهد اندازه پس سختق ترسو کمیزی. برانهشت سله لتهی، د حمل توکسیکوز، د شراینود حلب اوختن عقلی اوصلی ناروف هم، د انتراسویستونه د پورتن قاعده بده مرسته له منته لخی.

من ورخ د طبایت پوهان انتراسویستونه، د هفو ناروفیو، - چی د روانی پهپی پیورستیولسیزیکی به چاپنیال کی د زیانه مواد و دستیوالی او که کیله بای او منته را غلی دی، هم په برآخه اندازه کاروی. دغه زیانه مواد، که چی د انسان په مدن کی ننونی، لخنی. ناروفی لکه د زره اسکیمک، د معدی اوکولسو پینتیکو اوچنگر ناروف ۰۰۰۰ چی د معاصرتمند د ناروفیو لقب دیگر شوی دی، منته راوری.

د پینتیکو د کبیت مزمنه ناروف یو، نیمه سخنه او خطرناکه ناروف ده. اوس نوموری ناروف د ((صد و پینتیکو)) په مرسته - چی له بیوی خواهی بیوی قیمت آله ده او له بیوی جوا ش پرسودرا و د معالجه طرز هم دیر خطرناک اوپارونکی دی، تداوی کوی.

میکروسفریکی کاربونلرونکی انترا مینتیکو په آسانی او بیکن - هم تا بولیتنه چی باید له پینتیکو لخنی. وایستل شی، راباسی، اود تهولونه ضرور او مفعه داده، چی د انتراسویشن د قاعده په مرسته هم په پولیکانیک کی اوهم د کوره شرایطو کی کولن شو.

خان ترندادی او معالجه لاندی و نیمه د نیمی ۱۵ فیصده و گهی نن رالریکی ناروفیو سره، چی د - نهنجو غیراحتمالی شیانوسره چی انسان نه له هفتو سره په تعاس کی دی، اوس اوگیوان دی. الریکی ناروفی هله له منه تلی ش او هله د نیمی داکتران کولن شی، پهدی برهه کی زورپیلیتیونه تر لسه کری، چی دالرجن دول په دقیقه توکه ثابت کاندی «خوبه دغه حالت کی هم د پوره بیا لیتوبوتوله که لیدله کمیزی.

په ورسیتو دیو، خلوروکلونکی د شورق اتحاد په لخنو طبی مرکزنیک دالریکی ناروفیو په لخیبو بولونکی د انتراسو. یستو دانیزی خونی سرته و رسیدی چی تر ۸۰ او ۹۰ فیصد و پوره - ناروغان له رفیقا خنخ برخن شول، اود علاج اوتدادی موده شی هم رایته شو.

طبی او شیوه هیوتو ثابت کمیزی ده، چی د سکو انتراسو. یستونه، هدارانگه د زره اود شراینود تصلب داسکیمک - ناروفیکی هم اتیکل شوی دی، دا، لخک چی په هنے کی د - کلورستول اندازه برایروی، زره عدیوتاسیمو اوکیزی میود لازم اندانی د شتوالی اوکمبت په صورت کی هم کیدان شی، دایسکیمک د پر مخگ د خطر سبب میشی. دغه حالت همه صنیع سکاره چی - د کچنچو نمکرو عنصری د چار شهونتو بخ منته را غلی وی، سعول او له منه ورلی شی.

خود سکو د بیگنیو په باز خبری لانوری هم دیری دی اوی دی هم هرخه یای ته نه رسیزی، داس شواهد اوستاناد چی په لخیو حواناتو باندی د تجربه او آزاره و نیویه اساس منته را غلی دی، شنه چی په زنست کی د انتراسویشن اینزی تصدیقوی. ایا هفه په د طب په منه کی قولو تالریکی ناروفیو علاج اوتدادی په برهه کی نوی امکانات او سانیا وی رامشته کمیزی؟

پیغام از صفحه قبلی

رازنیها

کل سن: عین آشید مرا
بید پسر.
غنجه گل: براپ نخستین بار
فلم به حاشیه توپید.
گل هنگه: فلم راه تو
هدیه میکنم وس.
گل شفایق: زندگ کم تنهای
به خانه عشق تست.
گل بفتحه: همینه به یادمن
باش.
گل معینه بغار: عشق تو
برای همین درفلم لانه ساخته.
ارسالی: شکری حسین ظفری

باور لند

چند روزه بزرگ رخانواده بود
نوفو که در سایرها سکونت دارد
 طفل قوی الجنه بی متولد گردیده
 که دارای وتن غفت کلوبیک کند
 گرام میانه براپ حلقوکری از خشم
 شدن وضع مادر رطفل تو مسلط
 هیلیکوپتر از قله شمال به زاینده
 مرکزی انتقال داده شد.
 عملیات جراحی مونقامه صورت گرفت
 و فعلاً مادر ریست و هشت ساله
 در سرش هر دو و صحت میباشد.
 ارسالی سپاه کوهستان بازد

- بله بدرجهان؟
 - چار چیزا: آنات، انسان، تاب و مادر رکلام را.
 - آنات را برای این نه سه با روش ساخته بیکد. انسان
 را به حاضری که آنات زین است. تاب را برای آنکه تمام
 نباشد رامعرف میکند و مادر رکلام را به حاشیه که خوب نیزه مرا بمه
 میکند، مادر را به مدرسه می برد و بازوقتی رخص ندم تا حاضر
 میرساند.
 - خوب سید امیل جان، حالا حاضر است که از کتاب هایت چند
 سوال من کم:
 - بلس!
 - چند سوار از بیلوژی، کیما، فرب والجبر از او میرسم، بله
 است لال قوی باش میدند در جانیکه از استدلال و متفقش
 خوش می ایم، به ساعت شاه بیکم، بوره (۱۶) شام است.
 فلم رکاذم راجع تردد در دوشه میدانم، از جا بزم حین خیل
 اصراریکند که نسب انجامات رصحب کنم در رسیما بدر رسیما
 سایت نمایت حسنه مان نوازی، آنچنان که مردم با در رسیما ن
 نوازی شدرو اند، من بینم.
 امام ناگیرم با انداد احادیل کنم.

هر دو تا دهن د روازه حولی بدرقه ام من کند و داده من
 گذام که عزدا به خانه نمایه تبریز از بونخی روشنان و در رسم
 دارالحفاظه بونخی و در رسم نه سید محمد اعظم جان داران در رسی
 میخواند، باعث بینم و صحبت نای با استادان و مسویان آن دو.
 هنچ داشته باشم زم به در رسم اسلامی دارالحفاظه سری بینم.
 لاعتدیدار را در بونخی شنید که از هم جد ام شدم.

خلد دیروز هوا بونی نمود، آنات اشمه اس را به زمین
 فرستاده بود، به نظرها تابوت های روزگارش را آب سازد
 و رکودت مردی را در هم بشکند.
 بوره ها آب مینهند، اب در جویجه کوچک جاده آسمای وات
 در جریان بود. و با این جویجه اسواراهی بود، سوی در رسانی
 شعرما، در رای که سا هاست این از حرکت اینستاده است
 در این حان چشم به کودت ن پنج ساله افتاده که دست
 در دست بید رداده سوی بونخی روشنان در حرکت است.
 کام های اند ترکدم، نزدیکی بوراه بونخی به هم
 پیغام در صفحه ۲۲)

کی قبلی خوش را بازیابد.
 جواب: بفتوتال برآتیل بازهم
 در جهان بی رقب و شماره
 یک خواهد بود. هرگاه همیزان
 کارهار اجدی و تمنیات نوبتال ران
 را باست کیمی تعقیب و ادامه
 دهند.
 سوال: (رو بور تکالس-
 هسبانیه) لطفاً نظرستان رادر
 باره مسابقات جام جهانی فوتیال
 مکسیکو ۱۹۸۶ ارائه نماید.
 چراتم برازیل به درونهای می
 مسابقات راه نیافت.
 جواب: (جام جهانی ۱۹۸۶)
 مکسیکو برای من یکبار دیگر
 خواه سرامون ناشدنی جام
 ۱۹۷۰ مکسیکو را زنده ساخت
 برازیل باید بازهم در دور
 نهایی بایست حضور من یافتد.
 اما باخت آن در مقابل تم ملی
 فراسه غیر عادلانه بوده است
 زیرا تحریات بنالی هرگز راه حل
 درست برای شناختن فاتح
 نیست.

جواب: این یک اندام نیک
 او شر است زیرا جوانان برای
 مسابقات حقیقی جمل جهانی
 فوتیال، تجهیز اندوزی می نیایند.
 سوال: (مر توهینی - الجزایر)
 بوره آیا غیر عادلانه تحواه می
 بود که فوتیال هیئت در سطح نما
 تا حال در کرسی رهبری FIFA
(نهایا) فتوت رکن است: آیا
 تا حال به نیا پیشنهاد هرگز
 فدراسیون جهانی فوتیال شده
 است یا خیر?
 جواب: تا حال از جان FIFA
 کدام بیشنهادی بعن صورت
 نگرفته ولی به نظرمن آنای
(جائزه ها والا ای) رئیس فعلی
 (FIFA) رهبر بزرگ است.
 ارجمنی برای من وظایف
 سپرده شده جام جهانی مکسیکو
 ۱۹۸۶ مم، سترک و طاقت
 فرمایده است.
 سوال: (عمرتانکری - سوریه)
 به نظر شما کن است که فوتیال
 برازیل در مدت کوتاهی در خشند
 نیست.

- درجهان؟
 - بله بدرجهان.
 - چار چیزا: آنات، انسان، تاب و مادر رکلام را.
 - آنات را برای این نه سه با روش ساخته بیکد. انسان
 را به حاضری که آنات زین است. تاب را برای آنکه تمام
 نباشد رامعرف میکند و مادر رکلام را به مدرسه می برد و بازوقتی رخص ندم تا حاضر
 میرساند.
 - خوب سید امیل جان، حالا حاضر است که از کتاب هایت چند
 سوال من کم:
 - بلس!

- چند سوار از بیلوژی، کیما، فرب والجبر از او میرسم، بله
 است لال قوی باش میدند در جانیکه از استدلال و متفقش
 خوش می ایم، به ساعت شاه بیکم، بوره (۱۶) شام است.
 فلم رکاذم راجع تردد در دوشه میدانم، از جا بزم حین خیل
 اصراریکند که نسب انجامات رصحب کنم در رسیما بدر رسیما
 سایت نمایت حسنه مان نوازی، آنچنان که مردم با در رسیما ن
 نوازی شدرو اند، من بینم.
 امام ناگیرم با انداد احادیل کنم.

هر دو تا دهن د روازه حولی بدرقه ام من کند و داده
 خود را آماده می سازد تا به سخنان ماگوس میداد.
 ارض میرسم:
 - به کدام مسامین دلاغه ریاد داری?
 - به ریاض، فرب، کیما، بیلوژی، دری، بشنوانگیم.
 - در آینده بیخواهی چه کاره شوی?
 - من خواهم داکترسم.

- چرا داکتر?
 - به حاضری که انسان با پیغمبراند اوپ نیام.
 - چرا نی خواهی مثله اینجیرشیوی?
 - اینجیرهایشین ها را ترتمی میکند و داکترستان را، شاگویید
 که امش محترماست?
 - هردو.
 - نخیر، نخیر، انسان محترماز جیرهای است، انسان!
 - برا مگر اینجیرهاد رخدت اینجا فزارندارند.
 - دارند، اما به سوی غیر مستقم، در جانی که داکتر مستقمیا
 به انسان آنهم انسان مریض و بحاجت به کم، خدمت میکند.
 - خوب بی پر صورت، میخواست، بدانم به نخیر از مادر جان بیدار -
 جانت چه چیز را در جهان بسیار، وسته اری؟

پالی) ایا این ضعف کار ترینران
 برازیلی نیست که یکتعبداد
 زیاد آنها، در کشورهای هری
 و افریقا می باشند؟
 جواب: من بانشاموافی
 نیست، زیرا برازیل قهرمان سه
 مرتبه می باشد افراد فوتیال است
 و دارای فوتیالیستان و ترینران
 ورزش میباشد و علت استخدام
 مر بین را برازیلی در کشور های
 افریقا و هری اینست که آنها
 خواهان استاده از تجزیه آنها
 جفت رفع عقبمانده گی خوب نش
 در جهان فوتیال اند چنانچه
 ((زالکالو)) که در هریستان سو -
 دی به صفت مری ایگای وظیفه
 میکند، سه بار قهرمان جهان
 کرد پده است.
 سوال: (بلیز گلوبو - سویس)
 نظر نیکید که فوتیال فعلی
 نسبت به عصر شما بسیار خشن
 است؟

جواب: نه، فوتیال بطور
 کلی خشن نیست ولی بعضی
 از فوتیالران از شد و خشونت
 کاری گردند.
 سوال: (ستیوان لانسل -
 سویس) لطفاً نظر خوش را در
 قسم بزرگاری مسابقات جام
 جهانی جوانان، نه های امید
 وزنان بگویند.
 سوال: (دی یادی محمد و
 سینکال) ایا تکان دهنده نیست
 فردی استوار است و نیاید بطور
 و تنهجه ما فقر و گرسنگ جهان
 و خصوصاً ((نور و وسته)) برازیل
 را باعثی بعنی از فوتیالران
 نمایند.
 سوال: (ولی ترار - چه سویی)

سلطان غتیال

پیغام از صفحه ۱۷
 آمریکا جنوب خط ناد رستن
 دویش نگرفته اند؟
 جواب: نه، زرافوتیالران
 آمریکا جنوب، بیرون فوتیال
 منحصر به فرد خوش اند، زیرا
 فوتیال در آنچا تهداب گاری
 شده روحی تکنیک و مهارت
 فردی استوار است و نیاید بطور
 کوکوانه فوتیال اروپایی ران نیاید
 را باعثی بعنی از فوتیالران
 نمایند.
 سوال: (ولی ترار - چه سویی)

فریادی از میان دیوار رنج

نوشتن آدامه دادم و داشتایی
آندهم و به چاپ رسانیدم و تضم
حدی دام که اینکار را تاکه
زنده هست آدامه بد هم و در جا -
مده ادی کشور سهم باشم -
- مخواهم در اخیر این حاجه
در راه زندگی خصوصی شاهجهز
های شنم -

نریمکی خند پد و گفت :
اگر مصد از زنده گی خصوص
دره های درون من بانش، پیک
مقدار در آثار من منعکش شده
است به یقین که خوانده ده تدقیق
چیزهای از اعتماد رمی باشد -

اگر مقصده چیزهای بیرونی
و ظاهري باشد، چندین سال
بین هنگامکه دختر تازه جوانی
بودم خانواره ام مرای شوهر
دادندگون سه فرزند دارم. پیک
صرد و دختر، فرزندان هما ش
د رکب میزند و خوبی خانه اول

نره هستند شوهرم کارمند دولت
است. تغیرها دو سال قبل کار
رسی راترک کردی، فعلایه به حجت
پیک زن خانه به اشیزی و جمع

و جارو مشغول است و گاهی که
ازین کارهای اغشته، دست

به قلم میم و چیزهای را نفشن
کاکدها میکم. از لیسه آرایسا
نارغ شده ام و دشکران بدل،
زاد گاه بدیری ام، دریک خانواره

روشنگری چشم به جهان گشودم
شروع کام در جلسه زنان افغانستان
بود. مدت یک و نیم سال در آنجا

به حیث خبرنگار کارگردان، بعد
به حیث معاون مجله ذکور توظیف
گردیدم، مدتها هم مسول بخش

زنان و جوانان روزنامه امیس بوئم
ولی نسبت حاده تراویکی بیبور
به توک وظیفه شدم. آخرین کار

رسی ام در این حعن نویسنده کان
بود. خیلی توقع هاوایید ها از

انجمن داشتم ولی در آنجا حتی
پیک جای ارم و پیک میز تحریر برآم
میم نشد و پیک کله هم از تو -
بسندگی نیامد.

برای اینکه بیشتر این تغیر

شده رونق ضایع نگردد، ناگزیر

رخصت بدون معانی گرفت و تغیرها

دو سال من شود که معرفیست

رسی ندام -

دارد و مکلف است که به خاطر
دموکراسی به مفهوم و این کلمه
و هنر خاطر آزادی قلم به طور
بیکری و نوشی بخش مبارزه نماید -
 تمام نویسنده کان و شاعران و اهل
قلم را در این حعن گرفت آورده وجا -
مده ادی کشور را هرج -
گشود. تروشکوفنترسازد -

مجله اینجعن (مجله زندون) را از انحصار چند نفر
بیرون کشیده، رد خودت چاپ
و نشر هم نویسنده کان و شاعران
و اهل قلم فرار دهد. در مردم
تمام نویسنده کان و شاعران
واهل قلم کشود که نویسنده کان و شاعران
پاک سازمان صنف است سازمان
صف نویسنده کان و شاعران.
این اینجعن اصولاً مکلفت دارد
که از حقوقی صفت نویسنده و شاعر
دفع و حمایت نماید و به شا -

هنگام سخنهاي توریمکی
قیم نویسنده جوان کشور مادرین
جاریه، ازوی بوسیدم :
- در راه اینجعن نویسنده کان
چی گهذا دارید؟

تربیتیکی قیم او زرفی از دل
برگشید، لحظه هاخاموش
زنگاه هایین به گلرگی که در گلک اتی
بود چسبید، لحظه هاخاموش
بود و اینکار که در راهه "چیزی

من اند پشید، سپس زنگاه هایین
را از گلرگ بر جای از این پیشیدن
بیرون اند و به سخن اغاز کرد :
- اینجعن نویسنده کان اساساً

و اهل قلم کشود و آثارشان بدون
هیچگونه تبعیض و تغضیب از طرف ق
مجله زندون و سایر مجازی
ادبیات جمیع اقدام نماید -
در تمام برنامه های ادی، همه
نویسنده کان و شاعران و اهل
قلم راسهیم سازند -

در این حعن هیبات های ادی
به خان و در راه و نشر انسار
ادی و استفاده از هرگونه
امتیاز باشد نویت و عدالت

را مراجعت کند -
وقتی سخنهاي روی به این
جاریه از لیق بوسیدم :

- در راه رود پگویی برشور د
انجمن نویسنده کان باشما
چگونه است؟ باشتای ای اخون داد:

- بسیاریه! با وجود پیک من
عضو اینجعن میباشم، بامن هیچگونه
کمک و مساعدت نکرده است -
چند وقتی که من در اینجعن کار
میکرم، اشخاص متول هیچگاه
تو شنده مرا نخوانده، حسک
واسطه نکرده و چاپ و نشر نموده
اند، هر وقتی که من نوشته های
خود را به شخص مسول داده ام
با پیشانی ترش و بروخود مایوس

کنده گهت است: قابل چاپ
نیست.

در حالیکه توقع من به حیث
پیک نویسنده جوان و اینم پیک
نویسنده زن این بود که شخص
متول اینجعن که وظیفه اساسی
آن همین است بامن با پیشانی
باز و تشویق کنده برخورد
مینمود و از رهنمای های استادانه
اند رونق نیکردد. مگر من بـ

نویسنده هنرمند همراهی داشت
و «سکوت نکست» کوشیده ام
و رنج و تیره روزی و مصیبت ناشی
از تفاههای زرف طبقاتی و جهره
غمزده کودکان و نوجوانان محروم،
داستان بر احساس و مهارنگ
خواننده تائیر یکاره، این تائیر
که از طوری باشد که جهت
زشت و خصلت مایی زشق انسان

را غصیف نماید و نیری نیکی
و انسانی را در انسان پیدوارند.
انسان را زایبعد اتفاق بیزار
سازد، اور اصلاح خواهی برآرد
از جنگ و جنگ از روزنی

و آدمکنی متفرسازد و اورابه
سی پیک فرنگی والای انسانی
رهمنون شود.

طهارت و نظافت را در این دور
دهد، زدن زیبای بسندیدی
و عدالت بیوری، آزاد
شناز استید و در کشور ماکه
نویسنده زن اینگشت شمار است.
سراپی تمام مردم وه دیزه زنان
بیگرایی خرسندی و افتخار
شناز استید و در کشور ماکه
نویسنده زن اینگشت شمار است.
سراپی تمام مردم وه دیزه زنان
باید اینگونه زن ویکارا تحیرنک
و شنیون نماید.

تغییکی به اندیشه فرو رفت
خواننده با خواننده چند گیسو
خوب جوهر الدینش بیس
زد، نگاهایش را زدن در گردش
و جلایش میباشد و هرچه بیشتر
مطالعه کنده همان اندزاده
نمود - سوی انسان والا شدن گلم
بر میدارد.

ویچه از صفحه ۴۷ همیند پد
و «سکوت نکست» کوشیده ام
و رنج و تیره روزی و مصیبت ناشی
از تفاههای زرف طبقاتی و جهره
یک جامه نایسامان و نهایت
قب مانده است انعکاس بند هم
مجموعه ای از داستانهای کوتاه هم
عنوان «زنجیر گاه» زیر چاپ
است و همچنان اثرهای دیگر
تحت عنوان «اندیشه های تلغیت»
«دیوانه و پرتو بیدر» هم
اما ده چاپ آست امید که روزنی
چاپ شوند.

- همینکه با وجود گرفتاری
های خانواده گی، سولیست
شهرهای ازی واولاد داری با وجود
شوابط ناصاعد تو ایسته اید،
اینقدر داستان بیافسر نمیباشد
و چاپ کید، قابل تحسیس
وقد ردانی است. به خصوص که
شناز استید و در کشور ماکه
نویسنده زن اینگشت شمار است.
سراپی تمام مردم وه دیزه زنان
بیگرایی خرسندی و افتخار
شناز استید و در کشور ماکه
نویسنده زن اینگشت شمار است.
سراپی تمام مردم وه دیزه زنان
باید اینگونه زن ویکارا تحیرنک
از شما بشن.

تغییکی به اندیشه فرو رفت
و بعد از لحظه می چند گیسو
خوب جوهر الدینش بیس
زد، نگاهایش را زدن در گردش
و جلایش میباشد و هرچه بیشتر
مطالعه کنده همان اندزاده
نمود - سوی انسان والا شدن گلم
بر میدارد.

انجمن و رهنمای خانوار

ولاد تهای شیریه شیریاعاست
بلند رفتن و فیات طفل و ماد رمیکار -
دد جهت ایجاد فاصله بین
ولاد تهای خانوار و تامین سلامت
اطفال و مادر زان و تامین سلامت
انها و تقویه بنی اقتضای خانواده -
اده تان میتوانید به نزد پیترین
کلینیک اینجمن رهمنای خانوار د
 محل زیست تان را مراجعت نموده -
واز خدمات این که طور رایگان
عرضه میگرد مستفید گردید -



ازپرنامه کودنی ژوند

در این روزهای خوش با من بسیار مهربانی میکند، نمیدانم چه کنم پسیار پریشام .

جواب: شما هم مهربانی کنید، تا و هم پریشان شود .

نطاق: نامه کردم از برادر عزیز (ج. ل.) :
جوانی استم ۲۰ ساله، دو سال می شود که بادختری دوست است . هر دوی خواهم با هم ازدواج کنم، اما فامیل های ما راض نیستند، نمیدانم چه کنم، لطفاً مارهنهای کنید .

جواب: بعترین راه حل اینست که با هم فرار کنید .

تهیکنده: احمد (یادگار امینی)

نطاق: نامه دارم از برادر گرامی (ن. ک.) :
جوانی استم ۲۴ ساله عاشق دختری ام که یک سال تفاوت سنی بین ما موجود است .

هر قدر برا پیش نامه نوشت، - جوابش را نفرستاد، نمی دانم ملتش چیسته لطفاً مارهنهای بی کنید .

جواب: شاید و شبیه مورد علاقه تان بیسواند باشد، کوشش کنید با فرستادن نواسه های تا ن وی را آگاه سازید .

نطاق: نامه دارم از خواهر گرامی (غ. ع.) :
خانم استم ۳۰ ساله، باشو - هروخشم یک جانزه کی میکنم .



گفتگوی دوتنبل

میکنی؟
اولی: نکنی بچیش، در یک سال جندفعه حمام میکنی؟
دومی: وله میشه یک یا دو (فعه) تو سال جندفعه حمام ارسالی بمحمد نادری

کجا بودی

موتیر از ارتفاعی سقوط کرد .
عدد کشته و دزدی شدند .
یکی از کسانی که زخمی شده بود ناگهان شنید که کسی چیز هایی در گوش او میگوید .
وقتی خوب گوش داد، این

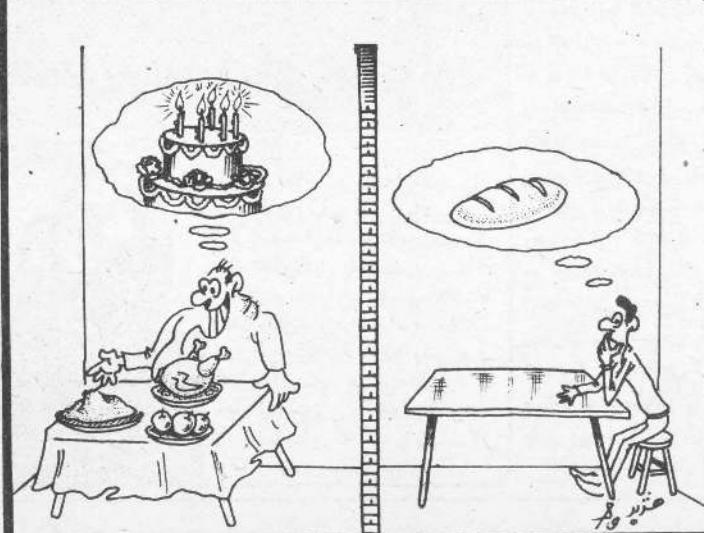
حرف راشنید: بrixیزای مرد، من نجات د -

هنده بتوامن . بینج سال بیش موقع افتادن از اسسه چار سال بیش در حنگ و بالآخر معرفته گذشته از آتش سوزانی تزانجات دادم .

مرد زخمی در حالی که به زحمت از جایش بلند میشد، باناله گفت:

ای نجات دهنده عزیز، بس .
شیم که می خواستم زن بگیرم،
ترکجا بودی؟

فرستند: نبیله کوهستانی



مکس شناس

زن: چند مکررا کشتن؟
مرد: ۱۱ مذکرو ۱۲ نامن .
زن: از جمه فهمیدی که مرنت بودند .
مرد: به خاطری که بیش روی - آینه نشسته بودند .
ارسالی: مسعود و شفیع

موقع متناسب

معلم - احمد پکو هفترين موقع
چهيدن سبب هاچن وقت است .
احمد جواب داد : موقعن که
با غبان از باع بیرون رفته باشد و
سگ او بسته باشد .

آدم پخته

د مجلس صحبت از هر هاي
پخته بود ناگهان شخص پنه
شد و گفت در تمام ملکت ادمى
پخته ترازيده رون يافت نميشود :
گفتند ليلی هم برای گفته
اتداری ؟ گفت چه دلهی
محکم راز این که بهم در مسافر
به جنگ های افریقا بدست
قبه ادم خوران اسیر شد و اورا
در میان دیگر بزرگ پختند و خوب
ردند .

نور جلد دید

خانم به نوکر چند پدشان گفت :
خوب گوش کن ماجای صحیح را به
ساعت هفت صحیح میخواهم که اقامت
بجه های کارشان بعد از صبحانه
میروند .

نوکر - پس از خوب خانم اگرمن تا
آن ساعت بپذیرند شدم جای صحیح را
بجای من نوش جان کنید .

یاسخها فناعت بخشن

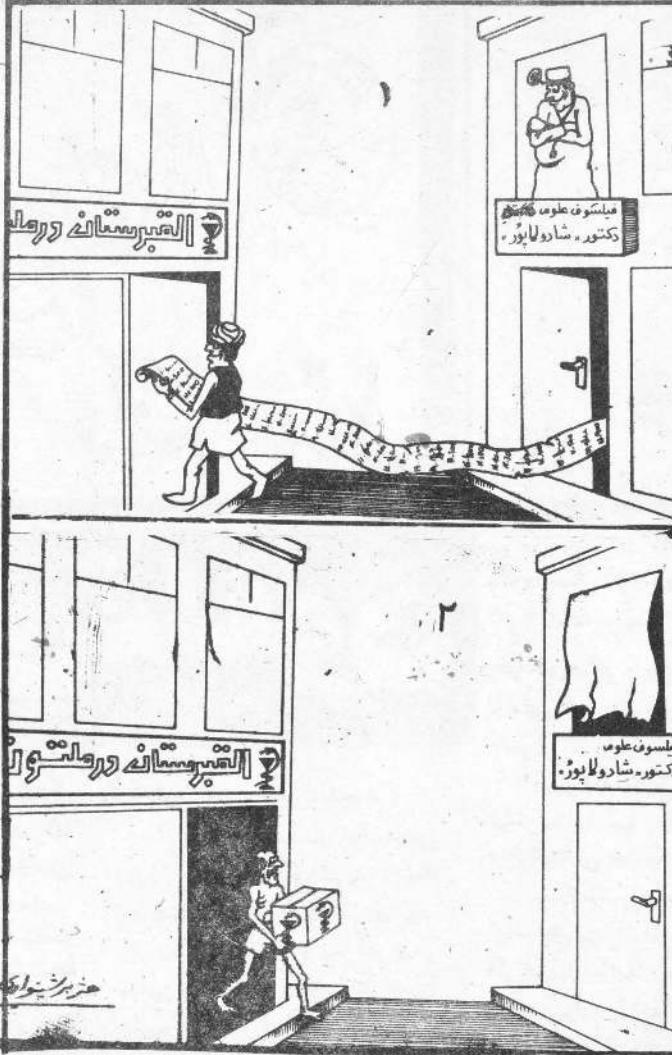
- دختران برای جی به مکتب
میروند ؟

- برای نشان دادن کتابچه
خطارانشان به پک پر .

- پک دختر مکتب با پدش جی صفات
راد را باند ؟

- با پک کلکسیون بستارتها
وthen راد آشته باشد و داند
که ما پک جیکن چند آهنگ
دارد .

- قهرمانان سرکش را فغانستان
به چه کسانی اطلاق میشود ؟
- به آنها که بالای پک با پسل
بنج اعشار فرسوار میشوند .



مرد خوشبخت

خبرنگار روزنامه ای برای تعییه
نیوزنیزی در حاده ای با اشخاص
که ازد واج کرده بودند مصاحبه
میکرد . از مردی که حلقه ازدواج
درست داشت برسید : بیخشید
آقا . . . ای اشما زخانه وزنه گی
خود راضی استید ؟ مرد جواب داد :
این ۰ . . . من پنجمال است که
از زنده گی خود رضایت کامل
دانم . . . دایمنصور معلم میشود
که شما پنجمال است بازد واج کرده
اید . مرد بلا فاصله جواب داد : نه
جانم . . . پنجمال است که
زم فوت کرده و من تعازند گی
میکنم .

د وستاد ارجمند بشفیق حسین

فرد افاقت اتمام خورد

روزی پسری جوان مشر و ب
نوشیده و میست به خانه آمدید رش
پادیدن وضع پسر خود ساخت
ناراحت شد و شروع به لتوکوب
پسر خود نمود . وقتی مادر رش را
موضع باخبر شد، به شوهر خود گفت
به لت کردن اصلاح نمی شود،
جرالت میکن؛ شوهر باعصابی است
جواب داد : اوند تهد اخله
نکن . این پسر امروز شراب خورد .
فرد افاقت اتمام خورد . پس فرد اکولا
کولا میخورد . بازک اصلا حشر
سیکند .

فرستنده: چاهید نظری توخی

رودندان

اولی: با من جنگ نکن والزمه
؟ گندان انت را میشکانم .
د وی: دندان جمله ۲۲ دانه
است پوچطه؛ گندان مرا
می شکن ؟
اولی: بخار طریکه حتمه ۲ دانه
دندان ازین هم از بین
میرود .

فرستنده: عبد الجبار عزیزی

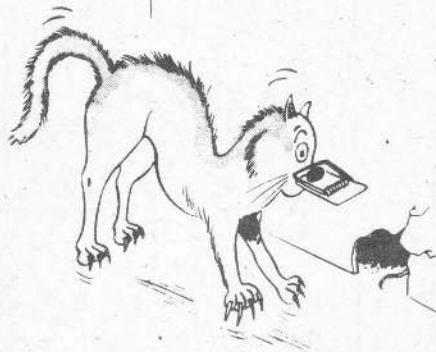
انقاص منظمی

از مسخره می پرسیدند چرا خروج وقت صبح بیدار میشود پک پا ب
خود را بلند میکند .

جواب داد : زیرا گو هر دوی ای خود را پک دم بالا بکند من انته
ماله (من) متعلم امته فدوی

عيادت

شخص که گزید به عیادت یک ازدواستان خود میبرت درین راه
با خود خیال کرد حالاکه میروم انجا بس از سلام و علیکم و تعارف از ادا
می برس . حالتان چطور است آنها داشتند گفت، امریزیک کسی هست
میگویم الحمد لله . من برس غذاچه میل کردید ؟ خواهد گفت: شود
باي رقيق یافوزنی خواهم گفت: نوش جانتان . میرسم طبیعتاً
کیست. لاید پک از دکتور هارالام خواهد برد میگویم دش میاره .
وقتی نزد مردم شروع کرد به برس شفنا . حالتان چطور
است؟ گفت: خیلی بد نزد یکست بسیم، گفت الحمد لله . برسید
غذاچه میل کردید ؟ گفت: زهربار نزد قم گفتند نوش جانتان . بالاخره
برسید طبیعتان کیست؟ گفت عذر اشیل گفت: قد من شماره .
ارسالی بلقین جنبد محصل بوهنگی علم طبیعتی



ترجمه واحد نظری:

مره نمی شناشان

از خانه که برآمد «درینش» سرمه‌ی به تن داشت. داخل خشک شوی شد. بعد از جنده دسته از آن جا برآمد «اینباره زیشی فولادی به تن شد. «علم میشد که درینش قبل رابه خشک شوی داده و درینش شسته شده را گرفته و در همانجا پوشیده است» او خواهای خرامان در جاده به رامانند آهنگ را با اشلاق زمزمه میکرد و فروز بونها پریه گوش میرسید.

اویدون توجه به اشاره سرخ ترا فیک خواسته باده راهبرونا پس ترافیک اشلاق کرد. «اما واعتنای به این اشلاق نکرد. ترافیک جوان و علاوه‌نده به وظیفه باز اشلاق کرد. حس ششم اش بـ هرایش گفت که همشهری رهوای دیگری است. با دو قدم به اخود رارسانده و گفت:

«اشاره سرخ نه دیدین. همشهری با درینش فولادی اشلاق خود را قطع کرد و با فرور وین اعتنای خاص گفت: «(برو یعنی کارت) ترافیک وظیفتاً خود را تحقیر شد. یافت و یافته گفت: لطفاً دلیله جزمه نادیگیرد. همشهری تعجب گردید: «ای کاره نقصت تمام میشه. مـ تو نمیدانی که مـ کی استم. تذکره نـ تازرانشان بد هدـ. بـ قیه در صفحه ۲۹»

چون در فاصله پاییزه مکسله کارهای ماجل رسیدگی کم «بـ» به جلسه آمده نتوانم خواهش مـکم، بعداً برایم تلفون کـید تـاریخ مـورـد پـرسـم صـحت کـم.

چون نراموش کـرد، اـم کـه تـها تـهـنـیـ جـیـ، به رـیـسـ اـمـنـ مرـکـزـ فـرـهـنـگـ تـلـفـونـ کـرـدـهـ مـکـمـ: «ـمـتـاسـفـ، کـهـ نـخـواـهـ تـواـسـتـ بـهـ تـعـاشـایـ نـلـیـشـ بـیـامـ. اـکـرـ زـحـمـ تـهـاـشـدـ مـوـضـعـ آـنـ رـاـبـطـوـرـ مـنـتـصـرـ بـرـایـمـ بـکـشـدـ. حـادـمـ.

ـوـقـقـ آـمـ، اـمـروـزـ بـهـ سـرـکـارـ رـهـاـکـرـدـهـ اـمـ. تـهـاـ کـوشـ تـلـفـونـ رـاـمـ مـدـامـ.

پـنـدـیـ قـوـلـ بـهـ دـکـتـورـمـعـالـجـ

تـلـفـونـ کـرـدـمـ: «ـالـوـ دـکـتـورـمـکـمـ دـینـ

اوـخـرـ چـاقـ شـدـهـ اـمـ. اـیـاـ اـمـکـانـ دـارـدـکـهـ درـهـمـنـ لـحظـهـ توـسطـ.

تـلـفـونـ مـرـاـمـعـلـیـهـ کـهـ ۹ـشـنـدـهـ اـمـ کـهـ درـخـارـ اـینـکـارـ مـوـنـ شـدـهـ اـسـتـ.

کـوشـ کـهـ درـایـنـ اـوـاـخـنـیـارـ حـاسـمـشـدـ، مـصـدـایـ ضـرـبـهـ عـنـ رـاـ کـهـ درـآنـ سـرـخطـ بـهـ گـوشـ تـلـفـونـ وـارـدـ شـدـ شـنـدـ!

نـهـدـانـ بـرـسـدـ کـوـچـیـ آـمـدـهـ کـهـ اـیـنـقـدرـ صـهـانـیـ اـسـتـ؟ دـرـ

حـالـ کـهـ اوـهـمـ مـهـاـیـسـتـ مـانـتـدـ منـ رـاضـیـ بـاـشـدـ کـهـ تـلـفـونـ دـارـدـ.

نـهـدـانـ بـرـسـدـ کـوـچـیـ آـمـدـهـ کـهـ اـیـنـقـدرـ صـهـانـیـ اـسـتـ؟ دـرـ

حـالـ کـهـ اوـهـمـ مـهـاـیـسـتـ مـانـتـدـ منـ رـاضـیـ بـاـشـدـ کـهـ تـلـفـونـ دـارـدـ.

ایـ کـارـهـ نـقـصـتـ تـعـامـمـیـشـ مـهـ

۳۰۰۰ تـوـنـیـدـهـ اـنـ کـهـ مـکـنـ اـسـتـ.

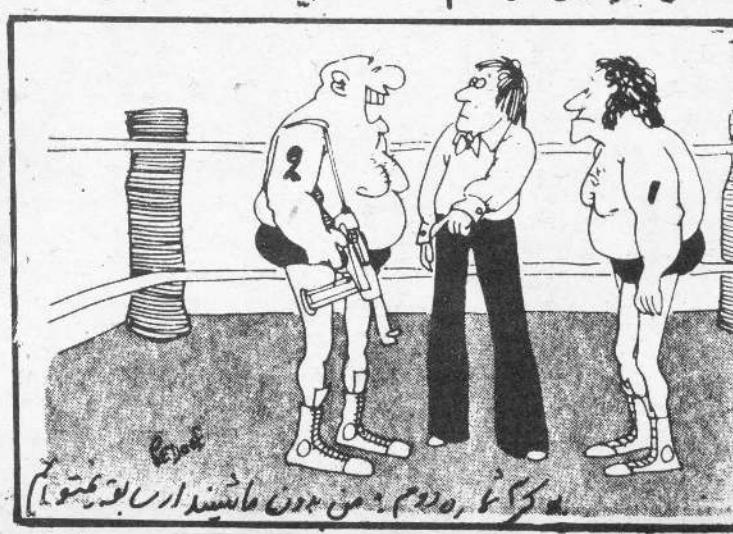
تـذـکـرـهـ نـ تـازـرـانـشـانـ بدـ هـدـ.

بـ قـیـهـ دـرـ صـفـحـهـ ۲۹»



مزایای تلفون

ایـ بـایـدـ قـاصـدـ بـرـایـتـ بـفـرـسـتـ؟ اـنـزـمـانـ کـهـ صـاحـبـ تـلـفـونـ شـدـهـ اـمـ، زـنـدـهـ کـیـ اـمـ بـهـ اـنـسانـ شـماـهـ دـارـدـ. وـقـقـ دـلـمـ نـهـشـوـدـ کـهـ بـهـ سـرـکـارـ بـهـوـمـ، بـهـ اـمـ سـاـ تـلـفـونـ مـکـمـ وـکـ بـهـانـهـ درـیـفـنـ حـادـمـ. وـقـقـ آـمـ، اـمـروـزـ بـهـ سـرـکـارـ اـمـدـهـ نـهـتـوـانـ، تـلـفـونـیـ بـسـانـ تـرـمـ تـلـفـونـ خـواـهـدـ آـمـدـ. تـاـ زـیـلـیـ کـهـ اـمـ وـیـلهـ مـالـیـ اـنـخـنـیـ رـانـدـاـشـتـ شـدـیدـ! اـحـسـ کـمـوـدـ جـمـکـدـمـ. دـایـرـهـ شـناـختـ وـمـعـلـوـتـ مـحـدـودـ بـوـدـ. حـتـیـ تـزـیـمـ تـهـنـ دـوـسـتـ مـتـواـسـتـ مـکـمـدـ: تـلـفـونـ کـهـ نـدـارـیـ چـطـورـهـ بـعـانـیـ هـاـ وـسـافـلـ دـوـتـتـ کـمـ؟



لېخند بىگانە ھم آشنا است



در مورد بعضی چیزهای ظریف را یمان کم، یکی از همکاراتم که در هلم شسته بود، در گوشم گفت:
- تواناموش بشش، بدگار دیگران حرف پزند.
واماکس که جلسه را اداره میکرد، دیده بود که دست بلند کرده ام.
از جایلند شدم و در مورد برخی اشتباها و تقاضاهای رئیس موسسه ما چند کلمه گفت.
روزی یک سکرتر رئیس امرتندیلی را به یک ماموریت پایین ترکه معاش کمتر هم داشته به دست داد و گفت:
- اینجا رسید بد هدید واخدا که کوکه ام به راستی شده اید و بعد زاین بهتر است مکرو خ که نه را بدتر این هم واقع شد، همتوانست.
از آن وقت است که در هر کجا و در هر موردی حتی بدون آن که برایم بگوئم سکوت اختیار ممکن.

به خانم گفت که سپه بی مزه است، او از فهادی خشم نزدیک بود، منفجر شود:
- باید باید آشیز حروفی -
ازدواج میکردی، نه باید
حقوقدان ناکوله پاس. حالایسا
باید خاموش بشش ها این که خودت آشیزی کن!
هار سریک سایقه فوتبال به تنع تم مود نظرم اطمینار احساسات کردم. مردی که یه لعلم شسته بود و از طرفداران تم رقبه بود، با ارجح محکم به قبره هایم کوید و خیار رادر گلهم خنه کرد و گفت:
- اگر مخواهی زنده به خانه بروگردی، خاموش بشش و در جایی بشمن.
بدین ترتیب فهمید که بے خاطر حرف زدن انسان لت و کوب هم نوش جان کرده میتواند.
دیگر جلسه اداری مخواستم

از عقق بدنیا آمد، این
میگهند: خاموش بشش!
تازهانی که کودک بودم، هر باری که میخواستم در صحبت والدینم مداخله کنم، آنها میگفتند:
- گفتن! تواین رائی فهمی!
در مکتب ابتدائیه، زمانی که میخواستم هقطانم چیزی بگشم، معلم با باقهر میگفت:
اوچه حرف نزن!
در لیسه، معلم در میراث توضیحات من، بلند فیض میگردید
- پر جرف نکن! (قتل را برآ)
خودت نگذار!

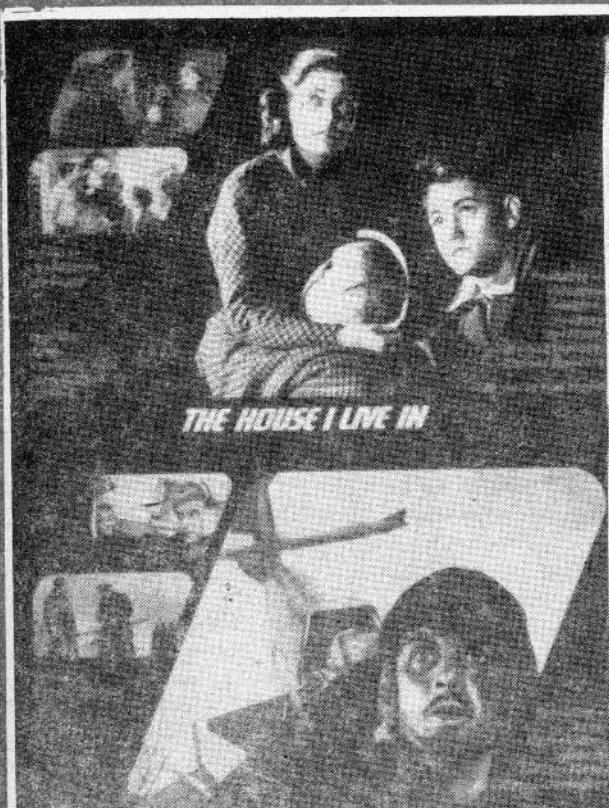
در فاکولته، هنریاری که میخواست چیزی بگشم، اسستانت حرف را قطع میکرد و گفت:
- شما طلاقاً خاموش بششید!
نظرشما را مدام!
زمانی که خواستم ازدواج کنم، مادرم گفت:
- بچه جان تو گفتن! هنوز نی فهمی که عروس یعنی چی!
هنگام خدمت سرمایی، اگر در حرف میزدم، دلگی شر فیوار میزد:

- گفتن!
زمانی که اولین معالم را دریافت داشتم، چشم طلاقت مقدار پول دهانی با آنیه که در جدول معالشات نوشته بود، به تحملدار شکایت کردم اور جواب گفت:

- تو زیاد حرف میزنی! اگر میخواهی معلم بگیری همین بود که برایت دادم اگر نمیخواهی، صحتواني باقی مانده، آن راهم بے من بدهی.
وقتی برای اولین و آخرین بار



لەپەنەرەتەپەنە



جهانگیر دم درباره لینین از طرق در میان فلم های این موسفلم تهیه گردیده است. سالهار باره مبارزه با خاطر سالهای عبور شواره ای : آزادی و جنپش باریزانی کسه ((وقتی توب هابه صد امیانند سراسر مناطق اشغال شده را نرا العه های شعر خاموشند)) این میگفت، فلم های ((منش کمیته وحیزه قدیمی در سالهای جنگک ناچیوی حزب)) توسط ایوان - کبیر میهن ۱۹۴۱-۱۹۴۵-۱۹۴۶-۱۹۴۷-۱۹۴۸- یعنی، ((شام سرزمین مادری)) درست ثابت شد. فلمسازان توسط پرواد و نکن ((تجلیز)) توسط شوروی به خوبی میدانستند که ابرام رم و دیگر فلم ها قرارداده العه های شعر آنها حق اماز فلم های این دهه کسنه نداشتند خاموش بمانند. از نخستین میتوانسته در جبهه و شست جبهه لحظه های جنگ، کارمندان سینما (ماشناک) نام بود. سرگی ایز نیشتاین در المان سینما (موسفلم) یا بصورت -

سرگی ایز نیشتاین در المان آغاز به فلمبر اری نام معروف خود ((ایوان مخفف)) کرد. فلمی که عظمت، زیبایی و فاهیم آن و شخصیت کتف تازه عنصر صوتی (ورتیکال) آن، تمام سینماگران در جبهات جان خود را زدست دادند. جهان را به حریت و آید اشته متساهنه این نام ناتمام ماند. در سال ۱۹۴۳ هنگامیکه دشمن به غصب نشینی آغاز کرد، موسفلم دوباره به ستد پرهیزی پوچشیده که دوسان متول ماسد،

وقتی هیتلری هانزد یک ماسکور سید نمود، سند یونی باست شد. ((لینین در اکتوبر)) ۱۹۲۲ به آسیای مرکزی به شهرهای انتقال داده سود درینجا پر از خصوصیات درین و کرکتر همیسر انقلاب اکتوبر را به نمایش رساند. وقه کوتاهی کارسینمای ازمر گرفته شد: نخست فلم هایی کوتاه از مبارزه میهن بر متن این ((قصه هادر باره لینین)) ۱۹۰۷ و ((لینین در بولند)) ۱۹۱۵ او -

باشد از اینها گفت که بسیاری از فلم هایی که در همس، در

کاهیک تاریخ بزرگ

ترجمه: ع فروغ

کرد و در فلم ((ایرو گراد)) شعری در مبارزه مردم شوروی با خاطر دفاع از گکور عصر نوینی آغاز یافته است. بزرده داشت. در کار فلم های موزیکال شروع به موسیقی و آواز خوانی میکند. امکانات برای تولید یک فلم های داستانی از روی آثار سینما (موسفلم) یا بصورت -

سرگی ایز نیشتاین به گذشته رجوع کرد و فلم ((الکساندر رنسک)) دیگر از جهات کار موسفلم را تشکیل میاد. نخستین باره در تاریخ کلید درک زمان حال را به اوداده بود و فکن نیز در فلم هایین نام انسان بزرگ روس را در خاطر هازنده کرد.

س فلم ((اکتوبر)) توسط ایز نیشتاین، در مژده لینین ساخته شد. ((لینین در اکتوبر)) ۱۹۲۲ به اسیای مرکزی به شهرهای انتقال داده سود درینجا پر از خصوصیات درین و کرکتر همیسر انقلاب اکتوبر را به نمایش رساند. وقه کوتاهی کارسینمای ازمر گرفته شد: نخست فلم هایی کوتاه از مبارزه میهن بر متن این ((قصه هادر باره لینین)) ۱۹۰۷ و ((لینین در بولند)) ۱۹۱۵ او -

باشد از اینها گفت که بسیاری از فلم هایی که در همس، در

را هترین فلم همه زمانه ها در سالهای ۱۹۲۰ گفته میشد. ((کنستانسین بودین)) درین

وهمه مل، شناختند. در سبیده دم عصر صدای

((الکساندر روف روسیه نوینی را برای امریکا کشف کرد. قبل از

((زمانا بو تکن)) امریکای ها موزیکال - فراهم گردیده است. اما با وجود این همه، در اواخر

گرگویی الکساندر روف بسیار شناختند. حال آنها میتوانند

((میری بولیز)) فلم هایی تعدادی که دفع

((سرکس)) ((ولکا - ولکا)) مشهود و روشن بود. بدین

و ((راه روش)) را تهیه کرد. تمام

و نشاط میخندند. این بیرونی بزرگی است. میتواند

به تراز آتش تنگ و سخنران مسردم را تغییر کند.)

((چارلی چاپلین)) این بیرونی بزرگی دارد. این

بیرونی بزرگی میتواند جایزه موسفلم

اینگونه سخنان شاید در مورد

به گونه مثال از فلم ((تراکتور -

چیان)) میتوان نام بود. آثار

از طرق همین فلم ها خود را به متابع هنرمندان با ظرفیت بیان مغلق ترین انکار تبارزد از این صرفه یک شانس و تصادف نبود که نمایش فلم ((زینماوس - تکن)) بعروسی بزرگی را در سطح جهان نسبی شد. با وجود موضع ساتسور، این فلم راه خود را در قلب تماشگران کشید و رهای سرمایه داری بازگرد و سه عامل فعل در مبارزه طبقاتی آن دران مدل گردید.

((زمانا بو تکن)) یک شاهکار هنر عالیست. هنری که از روای آن

میتوان نفس آزادی و میدان ریتم

نوین زنده گی انسان را حساس

کرد. این سخنان تو سند است. فرانسوی هنری بار بوس است.

اینگونه از زیبی ها توسط بسیاری از معاصران ایز نیشتاین اظهار

گردید.

((زمانا بو تکن)) در نمایش

جهانی فلم در باری پرا (۱۹۲۶)

مدال طلای را کمی کرد. این

نمایشی جایزه میتواند

بود. در سال ۱۹۰۸ امتداد

به گونه و شناخته شده سینما

جهانی فلم ((زمانا بو تکن))

استعدادها

شوق ملی

ما



نی برایش مید هند دیگرنه کسی
بالای ساقه کارهای پیشه حما ب
میکند زنه بالای استعداد و لیاقت
او .
- گاهی هم نقد پرداخته اید ؟
- بلى (۵) سال قبل جایزه اصلی
کل تبریزیه دست او در ام و دیلمون
افتخاری اتحاد به نژمند اند را -
برایم داده اند . هجستان مدار
صفاقت ، دال افتخاره دل
دوست افغان - شریوی رانیز
نیکیت نده ام .
- تازه تازه زید متدارد ؟
- عنقریب در تماشانه (امهاتکار
شله) پت نظر کیدی خواهم
دادشت .
- پس اینطور (نامه تکارشله) !
- بلى !
- پسر رفته مثل که پرسنها
خسته تان کرد .

هدف

(شنل گرگول) رانایش مید اید
ازمن بر پرسیدند آیا در لندن تحصیل
کرده اید و باد را من کا ؟
من در جواب گفت ، تحصیلات عالی
من در شوریزار بوده است .
- چه تکمیکید رانخاب نقش
باید حسما بود و با هرچه بین آسد
و خوش آمد ؟
- گاهی شرجه بین آمد و خوش -
آمد زیمانی عم باید نه تنها حساس
بود بلکه باید دقیق هم بود .
شکلات تان صحبت کنیم :
- حق الرحمه روی که ام معچارها
به سریشیه داده میشود :
را دیوی محیث ملک بازی کردم .
خیلی موفق بودم .
- شما همیشه د رنمش های سورد
شده موفق بوده اید . میتوانم از
تحصیلات هنری تان پرسم ؟
ولی شب اول نایش هزار اتفاق -

(من خواستم عیاطف واحصلت
تدریس ام را پذیروییه به مر -
دم بازگشتم . واژه سال به
این سویا به راه پرتوییم -
پاک اشته روتا هنری بازد - آنکه
در آرشه های راد پرتوییم -
نه نموده ام که از ساخته های
شاد کام ، فرهاد را ، نیما زار
الفت آهنگی می باشد .) وقتی
از نواد رامزی گوید : ((موسیقی ما
هم چیزی اراده . هم باشکوهی
و جد وساعده هم برانگزیده هم -
است . امام هم نمایم که بر ا
مردم مایی آنکه بداند . بمبارز
های پیگانه دست و مایی جنابند))
وقتی از نواد رامزی برم که
چرا عده ای از آهنگها را راد و بو
تلوزیون از کیفیت خوب بزرگ از
نمیشند می گوید : ((چون ثبت
آنها های هر هنرمند در راهه قبلاه
قرارداد شده . چون اینکه خود
هزمند به اساس قرارداد قبول باشد
ماهانه . چند آهنگ ثبت نماید .
پس را هنگاهی قراردادی چه
بهینه من آید همچنان نوازنده -
کان نیز قراردادی اند که چندان
دلسته گی نیزه ای به نواختن
سازهایشان دارند . جای -
مساعد و خوب برای تئدن و جسود
ندازد . دستگاه ثبت خوب بیسرا
نمیست و . و دیگر اینکه خود
آوارخوان باشد رعورد آهنگ خود
دقیق و کوشنی نهایت به خرج
د هد نا آهنگ را که ثبت واجرا
می نماید کم سزاوارشند .
باشد .))

یک از نکات که باید روی آن
انتشتند اشت : ((کای خوانی))
است . که دیگر برای عده ای از
آوارخوانان ماحال انتیاد را گرفته
است . تا آنجاکه بعض ها بدن
اینکه کشین سوادی درسور د
آهنگ مورد نظرد اشته باشندیه -
کای خوان آن می برد ازند . وای
برحال آوارخوان اول اکثر آنرا
پارشند . نواد رامزی گوید :
((کای خوان تا جاییکه از اصل
آنکه به دیر نماید بد نمیست .))
نواد رامزی آزارهای مر -
استاد سرا آهنگ و احمد ظاهر
فرهاد دنیا و نیزه رشا آوارخوان
هنری به بعدی حسن «فلام علی
و ایوب جلوتا دلسته گی نیزه ای
دارد . در عورود موسیقی اینگونه
نظردارد :
((موسیقی غزل و کلسان علاقه
مند یوزه ای دام)) من به این
گفته . نواد رامزی دارد .
میق غزل ام است و میگوید که :
((به موسیقی غزل و کلسان علاقه
مند یوزه ای دام)) من به این
شاد بیشتر دلسته گی آوارخوان -
میچار آهنگی از دلسته ای ازرا -
مورد چنین ام است :
((از اینکه بیشتر شد در مراجعت
شاد بیشتر دلسته گی آوارخوان
میزد . دلسته ای ازرا .
ترجیح یید مند . پس ماهی
مخواهم داشته هایان را بابر -
ذوق آنان اند)) (خوانند ملائی
عزیز ! آیا شانزیزرا می نظر استند ؟
ای موسیقی مل و میهن خود مادر -
برا برو موسیقی عرب . پاسخی ندارد .
به اصلاح ((کم آمده)) است ?

باقیه از صفحه (۸۳)

لابهای فلم را «ماری
ملک فادن» دار نمی یار کند زیان
گردد و میتوز موزنک آن از ساخته
های ((راپیچن سکلارتو)) جایان،
برنده جایزه اوسکار میباشد.
هر سیورت، علی با یان غیتیده
ست که هم آمریکای و هم جایان
را پارچه این واقعه مناسب
بینند.

((على)) ایستاد لان بیرامون
کارهای این را کنار گذاشت، میگوید :
((اگر کار او را نمایم به بعثت اندر خواهد
بود)) و من از تایید لکه گزینه
کار ازینها کسب مهرت و امتیازات
را میتوان حوزا ساخت، با اینهم
این امر کاملاً تحرارت نموده
به علومای سایکولوژی نیز دارد.
میکند مرد عادی جاده های نیمیو
یار است به کارمن علاقه نمی گیرد.
بس به خارج بچوب آینه ای
برای کار نیام نامهای بزرگ را
نشتاد بعن کشم به دست آوردن
میزدند از تاریخ تاریخ نیز می استد
بروای آینده کار فلم برآن دشوار
بیاید!
من غرق علی علاوه میکنم :
الله اکبر شفافیت ای خان

اچوت بختانه یا بد بختانه می
بیت نهاد هم عست ، بنای برای
نمیر گزی برا م ارز درجه یک
دارد . هرگاه بشم اندازنا میسی
جیوس شناید ، احسان را حست
حیکم از عین جا مومن نلسم
((ازنی)) فد برس ام ایزد . در
ین نم کمیر با هار نیس ...
از این نم یا پیده که برا م تماشا کسر
نمتر ای ای سوی شده نمیراند .

بیانی شده است .
جلد اخغال هم محل خویش
برای جذب بعضی مواد است از
حمله ترکیبات جیوه بنابراین برای
ضلال کوجا از محل غلیظ مرکوز
زیر استفاده نمکید ^۱ زیرا مرکوز کم
بینی از ترکیبات جیوه است و از راه
بلطف میشاند بد بگزند .

د را خیر یاد اذغان داشت که
کتر مساحات اعماق از قصور
والدین تابی نمیشود و واقعیت
را راحت شنده تراین است که
ین حوارت فائل و قایه استند
رجالیکه مرگ به ثبت عمله قلبی،
کشته و سران چندان نایل و قایه
بیستند. بهر حال «تاریخی که»
ایلان کوک کان ارزق پیه حوارت
آنچه اخواره اندازه افی اثاعی -
دادارند مساحات حدائقی اداره
خواهد داشت و سرعت انتقادی آیان
همکان در حدود بیشتر از میلیارد
الرمی ایشان

هنگام تولد، داشتن دندان، چوچی موی، نرم بودن استخوان
های سر، گردن منحصر به فرد قابل توجه بود.
همچنان از نظر روانی او سیار کجناه، دغدغه و مستجوگر
است، حتی اگر دو شخرمده پکرایم صحبت کند واو آنجا باشد
کاملاً به سخنان شان دقت می کند و متوجه است.
در عمله های معرفتی آن، حافظه اس سیار قابل تأثیر است.
نحوه برداشت و تکذب از طالب و سمعت از عهده انتقال دوباره
سایل در روی سیار قوی است و نکته قابل دقت.

مثلاً وتفتی که او سه سال داشت، روزی خانه شان رفته بودم و تا دوسال دیگر روی راه هیچ دیده نتوانستم، چون به یکی زولایات سفر کرده بودم، ولی بعد از گذشت دوسال، روزی که بسیار محلی به تن داشتم، رش هم گذشت و در یک کارغیر از معمایت درسی، مصروف نقاشی یک تابلو بودم، با روی سر خودم باز ریکید هرگز دیگری که میبود حتی حد س هم زده نمی توانستم از آن استم، همان ادم دوسال بیعنی، ولی سید محمد اعظم جان هم هجردی که به من نگاه کرد، بازگر کتر آرام و مو د ب که خاصه اش است گفت:

استاد شمس‌پیام ^۱ شما گجا بودید ؟
برایش گفت: چطور شناختی، مرا در کجاید ^۲ بودی ؟
او گفت: شماد و سان بین‌خانه ^۳ ما آمده بودیم، آنروز
که خواست برای تان جای بینم اماده ترموز چای نمانده بود و یکسر
ین که همانروز شما برایم یک مجله هم تحقیق آورده بودیم.
وید ین ترتیب تمام جزئیات دید ارنسنستین راکه حتی من فراموش
نمی‌بودم، به یاد آوردم.

خصوصیت دیگری اینست که دارایی کرکت بسیار عالی است،
طوفانی که هنگام ختم درست را بروهنخی، اگر در صحن موسم
کش باشد یا نباشد، او مثل بزرگان متین و استوار قدم برمیدارد
هرگاهات موزون و حساب شده دارد، و یکشنبه را استوار دردست
بدانسته باشد تا از بروهنخی خان می شود ۱۱

هرچند استادان یوهنخی روشان گفتند های زیاد وزیاده
زیاره این کودت پنج ساله داشتند اما می باشد دیداری هم
با امر مدرسه دارالخلافات کابل می داشتند.
بعد از گرفتن اجازه از استادان یوهنخی با انها خداحافظی
کردند، همراه با محترم سید محمد امین پدر کودک پنج ساله
رسید محمد اعظم سوی مدرسه کده ریزد پکی یوهنخی روشان ترا را
دارد، حرکت کرد یعنی :

در حصر یان راه ازیسید افغان برسیدم :
یت سوان که دیروز فراموش شد، آنهم این که نگفته اسلام
زکدام ولایت استیه ؟ بقیه در منته (۱۳)

متلاً کتاب (اپکالویی) راک برای صرف یشم یوهنی
 (صرف شانزدهم) اماده ساخته ایم، اویه خوبی می خوانند
 به حافظه من سپارد و تحلیل میکند.
 - بخشیده استاد، در صورتیکه چنین است و استاد ریاضی
 هم به آن اشاره کردند، یعنی چرا سید محمد اعظم جان را رسمیاً
 شامل صرف اول یوهنی نساخته دیگر که یک دوره گزنه "اماده گشی
 یوهنی" باشد، شد و گذشت ایله؟

رسانی را بازی سری زیر می داشت .
- بله ، حالا هم سید اعظم جان در پوهنچ مشارک است
و رسماً شامل است و به صراحت می کوین که او از عهده هر نوع درس
در فاگوتله " مادر شده " می تواند ، ولی دوره کوتاه " ماقبل فاگولته
را که اداره باوی آغاز کرده " نتیجه دلسوزی می نهایت نسبت به وی
نموده است .

این درست است که توابع مسائل را زودی گیرند و تحلیل
بن کنند، اما مسائل را حداقل یک بار باید مرور گردد باشد تا آنرا
بینواراند از زیاد و ترتیج گیری کند، در حالی که بنای موله منس،
سید اعظم جان نعلاء نو صفت دم مکب شده است و او موضوعات
درس صفت ۱۲-۱، مخصوصاً از صفت ۷-۲ را مطالعه نکرده
هرچند مطالعه آن برای پسیار ساده و آسان است ولی باید
پیش از خلاصه درس تا خلاصه درس از مکتب تا یوهنی دروی وجود
نماید تا خاطر بود که ماموله راجدی گرفتند، تابه
سرعت مسائل درسی مکتب را یک بار با او مرور گیریم و بعد از یوهنی
که از اوست و سخن دیگر این که درس را گذ نعلا هم با او بیس

سی بیم جزی از پرکارم درین است و او محس ماست.
در اخیر من خواستم بگوی که امید و آن مقامات با احلاجیست
از زمینه مسابق مادپ و اقتصادی این کودک نیز توجه نمایند، زیرا
زیبی در شرایط بسیار دشوار اقتصادی زنده گی می‌کند.
من پیشنهادم کم که وزارت تعلیم و تربیه باید به «تلفون‌العما»
برایین معابر مغز نماید و کث های مادپ دیگرهم انجام
نمایند.

وهم آرزو نمدم، ارگان های باصلاحیت دیگری خاطر تدارک پینک سریناه براپی فامیلش کل کنند تا اوستواند به تکرار آزمیخواند و محظاً لله نماید. زیرا او کوکت عادی ببوده، بل کس است که بروان آثار نیو عه وضاحت دیده می شود.

روانشناس ظاهر شص استاد بوهنخی رونان :
 ((من تست های دست داشته) روانشناس را برای تعیین
 درجه استعداد این کودک اجرا کردم . ونا بر حالات بیرونی
 توانیکی ، نزدیکی و روانی سید اعظم حان ، مشاهدات را ترجیم دادم .
 مثلاً "از نگاه مطالعه" بیو لوزیکی ، جسمات بسیار خوب ورد

حایو سیلیاگچیزم است و اغلب
کود - زیرا این بید را استثنای
میکند و بارزات الیه میکند.
این نوع دات الیه در کانادا
بررسی در حدود ۲۰ کود را -
میشند. بنابراین توصیه میشود که
بعد از حمام به یار بید راتالت از
روغن نای پنهان خصوصاً اتفاق آنستفاده
کنید.

مقدمه شدن بوسیله باشیمن
این در روی ارماسیلی است که
واحدین باید مرغاب آن باشند -

معقول است که این سانحه بدین ترتیب
افتاده باشد که در حال گذشت
دستگاه پل در روی روشن است و
کاریکد آمرازخرجه به میکند تا پل
در روشنده را خالی نشند یا اینکه -
باشیں تبل راخاموس میشند یا لیسی
قبل از اینه بره سایر آن متوقف -
شود به آن دستمزد ایکار
تالگون میب قطع استثنان عدد -

تک و میمیاری میکردند. این کار
استخراج ناصل غل و دید موثر
جاذب می شود. کن شه ازان، از
جمهومیت ناشی از آن نه بیاد -
ماه من افتاد هم باید سام برد.
پنج ریا بد نه واد از
آن کود کان به استغاثه شد -
آن میباشد که میتواند
در در حال بیغوشی نباشد - رسید
رugen برای این المفراغی وارد ره
شده جب داد از اینه بیمار
در رانکی خواهد شد.

اگر رانموزد دسرس بیر اموں
موضع معلومات وجود ندارد که
نمیمیش: با پود رنل، و دیگری
دستگم نس پام: این نین درونی
نامد. بیماری از آن دین خوش
برند که پسر از حمل دادن کود -
آن شان به بدان آنرا بود راس
دند، اینکه این بود راس

سخواهیدگوکان
اَنْ . . .
از صفحه (۸۹) **مُعْنَى اَسْتَ بِعَثْتْ مُسَوِّبَهْ ، اَعْفَالْ**
كُرْدْ . . دَارْخَرْ اَرْ دَارْ نَهَيَهْ ، اَسْدْ
نَامَلَكِيْ دَمْ بَادِيْنَامْ بَرْ بَهْ اَيْدَهْ
سَرْ كَاهْ كَاهْ سَبْبْ مُسَوِّبَتْ تُوكْ دَانْ
مُسَيْزَرْ . . دَرَابِنْ مُورْ دَابِيَهْ
تَانَدْ اَعَى تَرِسِهْ بَيْنَاهْ لَهْ مَرْ -
خَارَاهْ بَاهْ بَاهْ جَهَيْهْ يَهْ بُوتْلْ -
شَرِبْ اَبِيَهْ دَرَاخْتَيَهْ اَنْتَهْ
بَانَهْ . . اَبِنْ شَرِبْتْ تَهْ بَاهْ بُونْ دَكْ
سَوَادْ بَسَحْ دَهْ رَاهْ زَعْدَهْ كُودْ لَكْ
خَانْ مَسَارَهْ . . دَرِيقْ دَيْگَرا جَادَهْ
اسْتَغْرَافْ تَحْرِيْجْ نَهَيَهْ مَخَاطَرْ
دَهْ بَهْ بَادْ مَتْ اَسْتَ
عَاملْ دَيْكَرْ مُسَوِّبَهْ اَسْتَهَيَهْ
كَازَاتْ اَرْتَبِيلْ تَانْ مَنْوَارْ كَاهْيَهْ

میخواهید گوکان تات

(٨٩) ملخص

درسترس مردم غوار باشند -
میانند - بطور کلی میتوان ادعا
نمود که عرب آریوی که در دادخانه
و مسومیت ازان بیشتر مددجوییا -
شد - تابلینهای دیگر که بسب
مسومیت کودکان میگردند فرماندهی
حاوی ترکیبات آخن است. این
نوع مسومیت شدید تر و بدتر از
نوع قبل میانند انت بیزتیکعلی
کبسولی هم ممکن است در رهگرا
تفصیل کرد - پند ما نه مسوبیت خفته
شدن او گزند - مسومیت کودک

خوړې خی د مخه د آواز مجلې درېمه ګټه لئه
چاپه واډونه اووه هغه کي بي د هماغي روانسی
میاشتني، یانۍ د جوزا، او راتلونکی میاشتني، یانۍ
د سرطان دراد یواوتلویزیون د خپرونو (نقیضه
اوقات) خپروکړي و هحال د اچن مجله د همدنه
کال د دلوي په میاشت کي د لوستونکو ګونته ورغله
اوشن لوستونکو نه یوهیزی چن د خپروند غه
معرفی دراتلونکی کال د سرطان د میاشتني
(پیش بینی) ده، اوکه دروان کال د سرطان
د میاشتني (پیش بینی)؟

که مجھه هم په خیله مجله په دی هکله چو
خوله یانۍ شوی ده، خود حالاتونکو اومبڑن
په دی نظر دی چن دغه کار د مجله د کارکونکو
یونوشت دی و لدکه چن د نیر سرطان په میاشت
کي د بريښنا وضعه چندان بنه نه وه، اوامکسان
لري چه بیرونید ونکوا اوږيد ونکو هغه وخت دنلو
بزیون او راد بوخروشی نه وي اوږدلى مددې لئه
باره چي خوک په دی برخه کي هم بن مالوماته
یانۍ نه شن، نو دا ټول (پیش بینی) ضرور
بریښنی.



ستي وال کاتب پاڅون



JGMD

پا سپورځاهه وای؟

آ پا په درې زړه کي یېنوي نه
واړو، او سپورت ادمان نه ویل
کېږي و اوس نوبنې له خنده مویلاني
شوچي: پا سپورت یانۍ د پښو
سپورت.

د ما مورېتله

که کم مامور دجا به کاروی، سو
لومړي دی په کورا و د وظيفي په
طهای کي ولیدل شن. که چېرنه
په د غودو هایونکو نه و، سو
حتما په د نانواي، کويونی مغاري
اوئيلو تانک ترمخي ليکه کي ولاړو.
اوکه په د غودو هایونکو هم نه
نود هغه په ماموریت باندي هر موږو
شک به کاردي.

محترک

محترکه نه لخناوردي چن په
د وه یېنوي حرکت کوي طبیعت او
محاز په ټېریچ دی او په ماسان
کي د ټېریچو په لیدلوسره ټېری
ژرمناټرکېزی و چکالی، دلاړو
ښدید، او د بیولوژوالی یوازې
مساعد محیط دی چن د غه
لخناور بکي خونیا و خوشاله وي.
دغه عدیب او غریب ژوندې
موجود بزدې حد ه مرجردې چن
که خلیلر کونه د دنیا عم په خبلو
زیرمو وزیما تکړي، بیاپس هم
سنگی نه مړیزې.

اعلان

نطاق: د غېزې نیټرو په زړه پورې
لویس.

نطاق: هغه لویس جن کلونه
کلونه روانی دی، خود

انلواي جام په چانه
دی ترلاسه کړي.

نطاق: دغه لویس د سهارل
شپږوج و مخه د مانیام تر
اوږجوږوري، ین له مخنده

روان دی.

نطاق: مینه وال کولای شن چن
هره ورخ د دغولوښنداړه
وکړي، اوهم کولای شن
چن برخه پکي واخلي.

نطاق: نوپېړه وکړي او مخانوئه
د سرویسونټرولونیز دی

تم هایونکو هرموږو.
نطاق: د تکتونو په یوازې سو
افغانی.



مدیرکوندل: تاسوهم عجیبی
بوینتنی کوی دامساله به ماخه
اره لری . ملی بتره درش او خل
خواب واخیل دامتل دینه دی .
آورده لی چن وای :
که دی خبل کارهم وی، غلی وسه .
هو .. دادا باید هیرنه کری جس
دامتل هم زما به نویست جو شوی
دی .
اویس که خه ویل نه لری او باید
ع هم ونه لری دامنکه چی زه نور
خوابونه نه لرم . زو سم حکم
د بیو د تینکتست به خاطری سمه
ضروری غرنده لرم .
مرکه کو کی ((خیالی))

د کجا او خیال

یا یه خیالی پیزلى شتوب او وجه خیالی پوچی چی
کیلو په پنهان افغانی وه، نوی یرو مفلسانواوندگ لاسو
هر خومره خور لای شن .
خلکویه چس دیلووس نه درلود ، نو دیلویه خا
دیگ د خیالی شتوب له باسه کیزدی او خیالی غوري
پکی سره کری ، کنه چس عوری سره شون نه هغه
خیالی پیاز جن مخکی له مذکی تیقی شوی دی شر
هغه یوری په غوروکی سورکرپی خویی رنک کلابی شن
وزرسی وچ او خیالی رومیان ددوه دقیقه له بیاره
د پیاز سره یورای سره کری او بیاهه خیالی سی
کچالوجی په خیالی چاقوسین او غفع شوی دی ، -
دیگ نه وروا جوی . له خنوشه لرلور ورسنے یه خشیز
خشخی اویه چم پری وروا جوی . کنه چن دنه یورت -
کارونه یه نریب سره ترسه شون ، نویاد نیم ساعت
له باره انده ارویاسن ، خوستاسی په ذوق اوشنها
برابر خیال کچالو باخه شنی .
د خیال کچالوله بخید و ورسنے پخیالی د ستو .
خوان وغوری او وجه خیالی پوچی یه مزه مزه
درسره و خوری .
خودی نه مویام وی چن له خیال کچال سو
وروسنے که پیبرنه دوهد رسی کیلو نازه خیالی میوه
په خیالی رومیان ، دری فاشوغی یا یوه خمخفی
مه کوی ، لکه چن داکتران واین چن : ((لمه
پوچی ورسنے نازه میوه کیه لرم (. . .)

لارنی دی آیاد اخباره سمه ده ؟
مدیرکوندل: بیشت ۰۰۰ موزد
رام یوتلوبیزیون له لاری داکار کوو
خومره بخیله خان پوچی خونکو
ته هغه وخت ورسیوچی پوچی یوه
کاروی . خنکه له دی میتل سره سم .
((اول خان بیا ارام))
خبریال: مدیر صاحب دا متل
داسی نه دی .
مدیرکوندل: اصل یه راته
مالیم دی خوته یه تغلب د رو اخله
د الحکم چی به هر خه کی تقلب
رغلی . به متلونکی ۰۰۰ دا هم
زمانیست دی .
خبریال: یویه ورسنی بوینته
د ملی بس یه باب خه نظرلری ؟

کار لره کنے))
خبریال: تاسوته هم خنگند .
نه چن به بازارکی د مواد ویمه
له کنکوله وتلی ده . تاسوته دی .
هکله کم تجویزیوی دی ؟
مدیرکوندل: واوا ۰۰۰ واوا ۰۰۰
تاسوله بیری پس مسائی سره
تماس ونیو . باید زمانه اینوستی سه
داهه شوی واپی . هو .. ما به
ادی برخه کی یویشنهد ور اندي
کری دی .
چی متن یی داسی بیل کیزی :
چی بیوسعد تفتیش خه کارونه شو
خه صرورچی ریاست وید تفتیش
خبریال: تاسو واپی است چس
پوچی پخونکی ترسخت کنترول

د مدیرکوندل نو پیشوند

خبریال: لطفاء دوا یاست چس
د گرخنده بلورونکواو ترافیکو ترمنځ
دیلى لاری په سرانجه به خمه
وخت حل شی ؟
مدیرکوندل: که خه هم د امساله
په بناروالی پوری هیچ اره نه لری
خوبیا هم زه یوه طرحه لرم چن به
یوه بیت کی بی خلاصه کم :
((هرس پیسید ادی خبل خبل

از: بیانیه ایجمنجیا بلند
ترجم: ساله

۶ مواد مخدره قراشیدی بزرگ نسل جوان

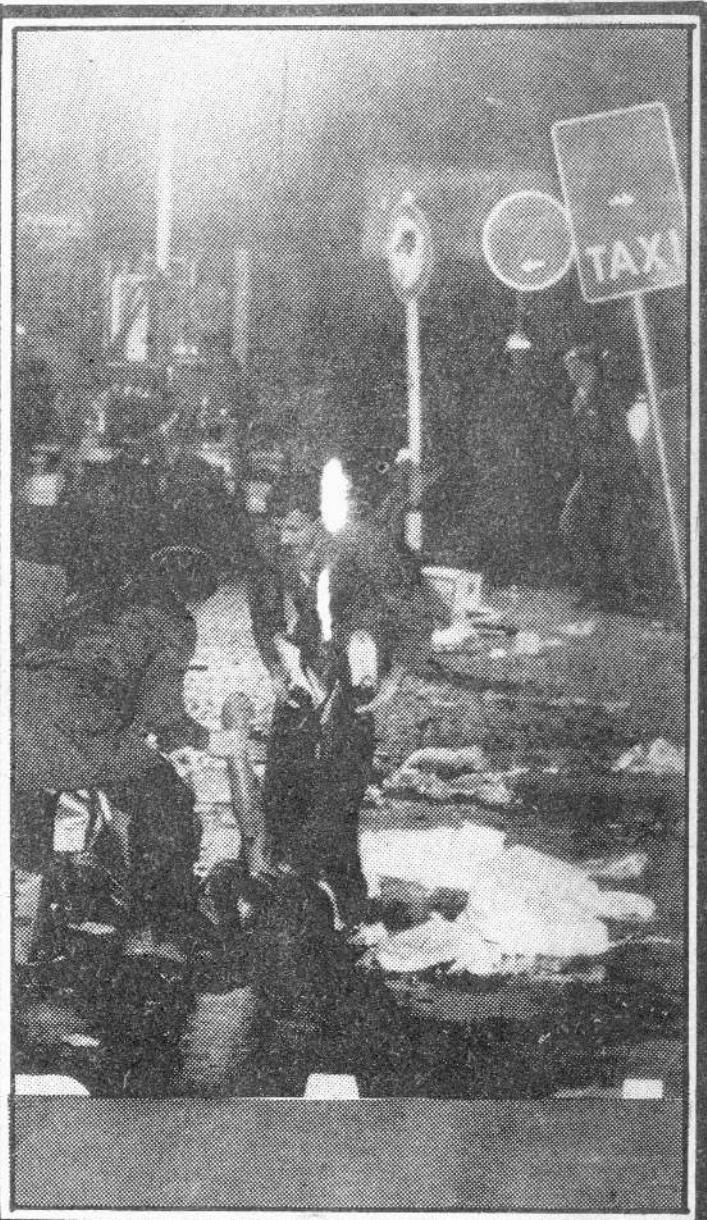
۵ تجارب سویین
این کشور پیشگام
در عرصهٔ مبارزه علیه مواد مخدره
برای جهان آموزنده است

اندامات سه‌den در راه مبارزه جهانی علیه مواد مخدره، از جملهٔ تدابیر موثر و موفق در سطح جهانی است. بر تابهای ایجاد شدن حدات اسراری چهل هزار معتاد به مواد مخدره تاکنون نتوانسته جلو قایق‌سازان و دست اندر کاران این مواد را بگیرد. بنابران تراویثی مواد مخدره خاصتانه میان نسل جوان، هنوز هم در سرخط و قائم روز است. سه‌den که بایرانی‌ها مشابه مواجه است، یک سلسلهٔ اندامات نیشن را سازمان داده و نتیجهٔ چشمکنن از آن بدست آورده است.

سه‌den از روزگاران پیش‌من در معرض تعذیب مواد مخدره قرار داشته است. پار راه (ماهیا)ی سکتم، جاییکه جوانان مشترکه در آن صرف دودکردن مواد مخدره اند، یعنوان چار راه (ما وی جوانا) معروف گردیده است. در حوالی سال ۱۹۸۰ مرگ و چهر ناشی از استعمال مقادیر زیاد مواد مخدره روهه افزایش گذاشت و طبیعیه حق و کلا و مسئولین تعقیب، مقادیر روز افزون کاتایز و امپتاکن هارا برای استفاده شخص خود نگهداری کرده و درجهٔ جلوگیری از آنها به اندامات موثر نیز متصل نیز گردیدند.

ولی مردم خاری سه‌den ناگهانی متوجه خطر گردیده و تصمیم گرفتند که از آن جلوگیری کنند. دولت نیز سه‌است عدم مداخله در امور تجاری مواد مخدره را کارگردانی کرد. از پیش دوم سال ۱۹۷۰ به این‌طرف در تخلفات ناشی از مواد مخدره ۴۰ فیصد کاهش بعمل آمد است (در بر تابهای این ارقام به ۴۰ فیصد افزایش یافته است).

تمداد نوجوانانیکه به مواد مخدره اعتماد دارند به نیمه واژم به نیمه تخلیل یافته است. در جهان جوانان ۱۶ ساله، از جملهٔ ۲ پیکر واژمه شش دختریکی آن در اوائل سال ۱۹۷۰ به مواد مخدره معتاد بودند. اکنون صرف از جملهٔ ۳۳ نفریکی آن باقی مانده است. تغییر در صفحه (۹۰)





ورزش

اختصاصی فتبال

نخستین مسابقات جام جهانی فتبال

- نخستین بار مسابقات جام جهانی فتبال در سال ۱۹۳۰ در مکزیکو سیتی برگزار شد.

- ((یلی)) یگانه فوتbalیست است که سه بار بیغای قدرمانی جهان را بدست آورد.

- کاریحال دروازه بان تیم فوتبال مکزیکو در ((۲)) جام جهانی اشتراک نموده است.

- پله، سیلر آرالمان، ووادی سالو زمودا از پولند هر کدام در چار جام جهانی اشتراک نموده اند.

پرتوول ترین مسابقات

- پرتوول ترین مسابقات جام جهانی هنگری ۸ آلمان فدرال ۳

- در جام جهانی ۱۹۵۴ در چار جام جهانی اسلوادور (۱) در

- جام جهانی ۱۹۸۲



جام جهانی فتبال و کفته میانی از اسنجه او آنها

- ۲۰۰ مین گول توسط واترمن در سهدهن در سال ۱۹۳۸

- ۳۰۰ مین گول توسط شیکو از برانیل در سال ۱۹۵۰

- ۴۰۰ مین گول توسط لیفتراز ترکیه در سال ۱۹۵۴

- ۵۰۰ مین گول توسط ران از آلمان فدرال در سال ۱۹۵۴

- ۶۰۰ مین گول توسط پرس - کوچ ایونگو سلاها در سال ۱۹۷۲

- ۲۰۰ مین گول توسط بامی چارلتون از انگلستان در سال ۱۹۶۶

- ۱۰۰ مین گول توسط جرزنهو از برانیل در سال ۱۹۷۰

- ۱۳۰ مین گل

- بختیں ویبا تین گول جام

- جهانی ۱۹۸۶ توسط ((مانهل -

- نگره)) فوتbalیست مکسیکوی در

- مسابقه مکسیکو - بلغاریا - با

- ضربه قبیحی پای چپ به شمر رسد.

- بابه شمر رسانیدن گول چار

- خوش در مسابقه هسپانیه، دنمار

- در ۱۹۶۶ بوتراگینو مهاجم تی

- نویل هسپانیا نام خوش را ثبت

- نمایی نمود. نیراگول در ۱۹۷۰

- مین گول جام جهانی به شمار

- میورود.

- ۱۰۰ مین گول - توسط جاچسن

- از سهدهن در سال ۱۹۳۴

پرتوول ترین مسابقات

- هنگری ۸ آلمان فدرال ۳

- در جام جهانی ۱۹۵۴ اسلوادور (۱) در

- جام جهانی ۱۹۸۲



خورد سال‌ترین و مسن یگانه بازیکن تیم تماشاگر جام پیش

- بج هرست از تیم ملی فوتبال انگلستان تعا بازیکن در طی سال ۱۹۸۶ مکسیکوییک طفل ۱۳ روزه مکسیکویی بود که مادرش اوراد راسپاچه مکسیکو - بلغاریا با خود آورده بود.

- من تین تماشاگر جام جهانی ۱۹۸۶ مکسیکو پیور مرد ۱۸ ساله.

- برانیل یگانه کویست که در مکسیکو بود که برای تماشا - ۱۲ جام جهانی اشتراک نموده است.

یگانه گشود



صاحب: حسنا

راه طولانی که یک ورزشکار می پیماید

اعنای تیم منتخب نیزبوده اند
شرایط مساعد، امکانات بہتر
وسایل و تجهیزان ورزیده نیز
میتواند باعث شهق ورزشکار
گردیده پنایه شهق تپه
ورزیده کل مامحمد رفیق
 محمودی دریرویش استعداد
های ورزش نقش اساس داشته
که انتخارات افزونی از اعماق
تلاش های نامحدود شده که
گردیده است.

من - گذشته از ورزش فتبال چی
م روایت های دیگری دارید؟
ج - شغل آزاد دارم.

من - از کدام سال عضویت تیم منتخب
ملی را کاین نموده اید؟

ج - در سال ۱۳۵۶ عنوان تیم
جوانان و در سال ۱۳۵۷ اعضا
تیم ملی فتبال کشور را کسب -
نمودم که تاکنون عنوان آنرا
دارم.

من - بجز اعضویت تیم ملی به
شکل آزاد، در کدام تیم هابانی
نموده اید؟

ج - عضو تیم فتبال کل -
اغاق نیز بودم، زمانیکه
محل پوهنتون کابل شدم بدست
چارسال کیتان تیم فتبال -
پوهنتون کابل بودم، که درین
دوره خاعرات بسیار خوش و دله
چشم دارم و همچنان درین -
مدت تیم پوهنتون کابل، همه
ساله در سکون تهرمانی قرار
میگرفت و از طرف مقامات
پوهنتون کابل تحایف، مдал
ها و تقدیرنامه های زیادی نیز
برایم اعطا گردیده است، و
در سال ۱۳۶۱ بحث بعنوان
محل ورزشکار از طرف ریاست
پوهنتون کابل شناخته شدم. بعد
از رفاقت از پوهنتون، به خدمت
سپاهی رفت و مدت چارسال را به
حصت سپاه در کلوب سپورتی ارد و
سپری نمودم. در تیم ارد و واتهم
نظم و دسیلین ورزش خاص وجود
داشت و باعث پیشرفت هنای
شایان ورزش میگردد.

من - چند بار بخراج از کشور

سفر نموده اید؟
ج - بیشتر از ۱۵ بار به جمهوری
های مختلف اتحاد شوروی، دو
بار در مسابقات آسیایی، به بنگاه
دیش، یک بار به مسابقات آسیایی
منعقده چن، یک مرتبه به
کوه و همچنان نظر به قرارداد -
های کلتوری که بین افغانستان
و دیگر کشورهای خارجی عقد گردیده
است. مسابقات دولتی افغانستان
به کشورهای آلمان دموکراتیک
چکسلواکیا و هند سفر نموده ام که
درین مسابقات نتایج و تجارت خوبی
کسب کرده ام.

من - از این سفرهایی رهنوشه هایی
به کشور خود آورده اید؟

ج - مسابقات آسیایی که در سال
۱۳۵۲ در بنگاه دیش بین ۱۲ کشور
آسیایی صورت گرفت، تیم فتبال
افغانستان مقام چارم را حاصل
و دور نهایی این مسابقات راه
یافت.

در مسابقاتی که در سال ۱۳۶۳
در چین دایر گردید، در مقابل

علمایون یوسف کارگیکی از -
چهره های شناخته شده تیم
فتبال و عنوان تیم منتخب کشوری
پرشن های باخترنگار سیاون چنین
پاسخ ها ارائه کرد:
س - در کدام سال به ورزش دل
خواهان یعنی فتبال
رو آوردید؟

ج - از آوان کودکی عالمگرد ورزش
بودم. بخصوص به ورزش
فتبال و سکی سخت دلبندی
داشت، همان بود که در دروره
مکتب عضویت تیم لیسه خود
را کسب نموده و از آن طریق
در مسابقات جوانان و نوجوانان
جهانیکه عضو تیم لیسه حبیبیه
بودم، همه ساله تیم مادر -
میان لیسه ها، قهرمان فتبال
بود.

س - مشوق اصلی تان درین راه کی
بود؟

ج - مشوق اصلی ام خانواده ام.
بوده، نیز راتریبیا -
اکریت اعضا فامیل ما ورزش
کار بوده و چهره های -

شناخته شده ورزش اند
واز طریق کل اتفاق که یکی
از جمله کل های آزاد ورزش

در کسر است و به همکاری
اعضا فامیل ایجاد گردیده
بودکه در آن کل رشته های
فتبال، والیبال و سکی فعالیت
مینمود و بهترین استعداد
های ورزش از دهین کل به
جامعه تقدیم واکریت آنها

کند پایانیه صد سالین ایران نماید
و تمام آنچه را که در زمان اتفاق
افتداده بود افشاء نماید گزرا

در رابر هرگونه اشناهی تکان

د هنده مخالفت میزندند دو

زان گشیت برتری از هر

چند به عهدی من اخراجی

پیانه کس بود که از عده ایکار

متکلات را برای ایندیه باند

و احسان و درسا موارد بدن در

نظیر است مقابله موضع ایکار

خواهد شد و لارا کالتا نویج

(اکریت طرف کیست؟ کس

طرد ازی است آیا بر

در زمان ازی از ایکار

تحمل کرد بود

با اخراج تصمیم

گزرتا همودی دیگر از

علاءه برآیند

از جزویت را

موضعه بتوی از

خرسخت و قعات بزرگ

همان مرحله اول ازاوکارستند.

ولی این بالایی انتقامی -
خوشبود که بخش مدد غایل

استفاده رفیم مای اوراشکل میداد.

اویشه راساساً زنانه را خوشبود -
روش های اداره ازیان کرد ولی

اهمیت رفیم های صیغه و نیمه دی
راکه شرطیکار زنده گی مولده

و سیم زنده تاخت خوشبود را -
اصلی (کارگران) دهقانان و -

حکم خوشبود ازیست منسی
آن روش ازیان کش شخصیت کیم

سیم برگارشود .

هر چند برگاری خوشبود از
بیست منشی عویض داریلاشای

طرف ازیان خوشبود را در ازیان -
مشله هنگامی کاربردی طرح بد

کرام جد خوب روزگار ازیان -
مناشه خلیل زنگی را برگار

همه اینها را خوب سیم خوشبود
شروعی و زیرا اتحاد شریعی -
پیشنهاد گردید بود « شاهد ازیان

ساخته دند این گزارش کش
لای خوب رفیم رفیم رفیم رفیم

و سیم خوشبود ازیان رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

آباد ای زنین رفیم رفیم رفیم
خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و اینها را خوب سیم خوشبود
و اینها را خوب سیم خوشبود

زیاده ای زنین رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم
و خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

مشهودیت فردی خودش لعزیز
و مرتب اشتباه شد عده زبان

اویشه مرکزی برو طالب فوق مجه
میگارد « در حمله (طرد ازیان

خوشبود بود که بخش مدد غایل

استفاده رفیم مای اوراشکل میداد.

اویشه راساساً زنانه را خوشبود -
و سیمیت کارهاد راگان های

اهمیت رفیم های صیغه و نیمه دی
راکه شرطیکار زنده گی مولده

و سیم زنده تاخت خوشبود را -
اصلی (کارگران) دهقانان و -

تغییرمیداد ازیان رفیم رفیم رفیم

آن روش ازیان کش شخصیت کیم

سریعیتی خودی خوشبود را خوشبود

و سیم خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

سازمان داده شود که حداقل
نمایه اند این باند

دی از اعماقی برو طالب فوق مجه
میگارد « در حمله (طرد ازیان

خوشبود بود که ماجنونه این لکه

بد نای را خودش نشتم - بخار

دوشیزه (کارگران) ازیان رفیم رفیم

اهمیت رفیم های صیغه و نیمه دی
راکه شرطیکار زنده گی مولده

و سیم زنده تاخت خوشبود را -
اصلی (کارگران) دهقانان و -

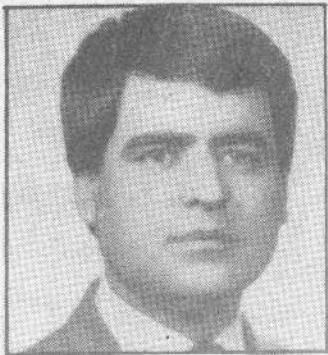
تغییرمیداد ازیان رفیم رفیم رفیم

آن روش ازیان کش شخصیت کیم

سریعیتی خودی خوشبود را خوشبود

و سیم خوشبود ازیان رفیم رفیم رفیم

نمایشی علی



حالات پرستیک لاله

پس پخواند!

خود زنی ساعت میدهد.

آرزو پیرزاد از کاره ۳ و نهاد پیرزاد:

س - چرا ظفرشا مل دین او اخراج در تله‌نیون آهنگ جدید نمی‌خواند آیا از هنر موسيقی دست کمده است؟

ج - خوش بگهاد آدایه مدهم.

س - آیا تیموس نامزد شده است یا کیمی؟
ج - بانامزیش.

مانه عصمت متعلم لیسه ملائی:

س - آیا درست است که ظفری شامل تاج و نیم میباشد؟

ج - به صاحبه ظفری آفل مراججه کرد.

خطوه هاییون پیرزاد از خبرخانه صنه:

س - چرا بعضی از هنرمندان ماهنگ لیست آهنگ های شان در پیش گفته‌نیار گل ها را پیر مسازد، علت را واضح ساند.

ج - چون وارخطا نمی‌شوند.

س - شهروان هنوزند سابقه دارکجاست - زنده است یا اینکه خدا ناخواسته.

ج - شکر زنده است، حالا پیشه تیکه داری را اختیار نموده است.

س - وهم شادان چرا در تله‌نیون ظاهر نمی‌شود.

ج - همگهند چانیکه سگ است دریای لند است.

روی یخک موازنه خود را ازدست داد، باتاسف یک پایش شکست و حالا باد و گوش و دوچشم رادیو را هشند و تله‌نیون رای بیند.

فینده نهایی محمد سعی نهایی:

س - آیا آوازخوان عزیز و محترم ساربان صحت خود را بازیافته؟

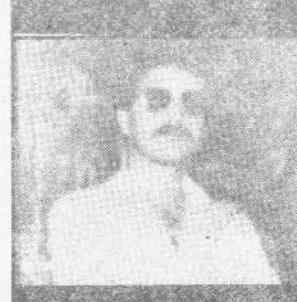
ج - باتاسف تا هنوزد رسنمی‌پس قرارداد است.

سیمرا از بقتل متعلم صفت دهم لیسه منم:

س - چرا دین روزها هیچ کوی از گروه باران در -

تله‌نیون به نشر نمی‌رسد.

ج - نیما دین روزها روزهای برف است.



س - چرا در برنامه های تله‌نیون شمع و نواوری دیده نمی‌شود؟

ج - به حافظی که حالا مردم با همین برنامه همراه شده اند توک خودت موجب مرض است.

س - علت ازدواج نکردن محترم عزیز الله هدف هنر پیشه تیاتر پیش است اما دخترمود نوشش را پیدا نکرد.

ج - پیدا کرد اما وقتیکه اتفاق هدف را دید جایجا سکه نمود، بیچاره! (هدف)

س - اگر امکان داشته باشد با مقتضی سلام سنگس هنر پیشه سینما صاحب نمائید.

ج - اینها را به سلام رفتم حتی صاحب ای - ترقیه خواهیم داد.

از طرف آصفه صدیقیار امید متعلم صفت دهم لیسه عالیه در رانی:

س - آنوقتی که هنرمند خوب گیور فرهاد دین با تله‌نیون خدا حافظ گرفت چرا در راهه های تله‌نیون و رادیو برای همه به روی فرهاد دریا بسته شده.

ج - در راه رادیو تله‌نیون به روی فرهاد بسته نبود، نیست و تا حاضریکه مامید این هفتاد یکان بار در هله لیزهای تلویزیون قدم می‌زند.

س - بایکرا غیر از اینکه گهنه پروگرام آینه است ذیگر په صروفیت دارد؟

ج - مشعل است.

س - چرا پارچه های تعییلی مراقبتم به تله‌نیون ثبت نمی‌شود؟

ج - دریکی از صاحبها هایش با سایرین این ماله را کاملاً توضیح نموده است.

الله رحمت نمود محل سال اول پوشنی انجمنی -

ج - :

س - مجله سهایون یعنی خبرنگار مجله، سن در - موسسات نظامی نمی‌زند.

ج - در نهاره گذشته این کار را کرده اند.

س - چراتیم مجله سهایون دزه رئیسیه که جدید از جا می‌زاید، به کیهان میرسد.

ج - گناه از ایاز ارسیه است.

((پیش)) اثر الکس سالتکوف
((افتبا پمیده دست)) ازولاد -
بیوهوتل ارشاراین فلم ها استند.
در کاراستاد ان جوان، هنر-
ندان نسل گهن سالشیه کارشان
ادامه دادند - میخانیه بدم -
داستان دراماتیک راد رباره -
فریز هسته بی بنام ((نه روز از
یکسال)) والکساندر رازی تلمس
((در اغار غامات)) راد رباره کار -
گران صنعتی ساختند - بولس -
ایزن شکارچر رابام ((کسو -
نیست)) کارگردانی کرد -
دراگازکله بود . . .
گورکی توسط امیل لوتویانو ((کاک -

((ازین گرانده)) بیان زنایقیان
در ((ماله تیاتر)) توسط مرگی -
الکس پف، فلم ساخته شد .
بداء فلم های کوتاه استانی
کارهای بیجیده شرافاگرد پدو -
((سریال های تلویزیونی)) تولبد
شد سریال ((ماروی خود آتش
عشق دارد)) در جای بخش که زائر
سرگی کولوف تعبیه گردید و در
سال ۱۹۶۶ از طرق تلویزیون
بخش شد - نخستین تجریه در
عرضه تولید سریال های تلویزیونی
بود .
بیان زنایقیان

استعداد های جدید ظاهر شدند
وضع جدا تغییر یافت.
اندازگاهی میخانیل شویستر
باتوجه به این زندگی روستا -
پیان شخصی گردید . ایدل ریانوف
بانخستین فلم خود ((شب کار -
نیوال)) بحث تماشایان را به
دست آورد . و در نتیجه به زائر
دلخواه خود - کنیدی - وفادار
ماند . فلم ((چهل ریم)) ظهر عصر
یک هزار منزه بزرگ را با جرخش به
فاسمه از طرف ستد یوهای
موسفل تعیه گردید .
شایر بزرگ بر سینما و سینماگران
خدود را داشت . این شایر هم از
لحاظ دوستیه انسانی و شیری
آن وهم از نگاه زبان تیپین در -
سینما از اهمیت بزرگ برخوردار
است.

((چرا هنوز روس ها در باره جنگ
علم میزانند . این جنگ بسیار
قبل اتفاق افتاده بود . . .))
با سخن اینجا شایر روسیه از
اینست: ((روس هادر باره)) اثر
نیکوکوی چوخرایی، حریت ایگیز
است . وقت میدانیم که او از جنگ
با ت Xiao Heng داشت . تا هرگز زارید یکی از
ها و خصوص جنگ جهانگیر . و
جان و زنده کی شمار بزرگی از
انسان هارا گرفت . در جنگ دم
فلکی اتحاد شوروی بیست میلیون
از افراد خوشواز داد .
این جنگ برای جرمن هایی از
همان فاجعه را اورد . این امر
الم کلیوف بالغ ((خوش امدید))
لار سانشینیکو بالغ ((باله))
((الکساند ریتا)) با فلم ((کسی
زیگ میزند . در را باز کنید)) و فلم
دیگرش ((شیر)) استعداد های
بزرگ بودند که در موسلم ظاهر
شدند .

برای برده تلویزیون
موسلم درده نشسته بود تولید
فلم های برای تلویزیون آغاز کرد و
به زودی نخستین انجمن که
تولید آن مربوط به تلویزیون رقمی
اساسی سینما . بود . ایجاد
عمر یید .
نخستین تولید اند روابط فلی -
سازی اثار تیاتری بود . نه مثلاً

با ((بیا و بیین)) از سینماگران
را که تمام خصلت های انسانی
شان را از دست داده اند و از سوی
دزه و فلم روی این نکه تاکید
صرف میگرد که: ((جنگ نصیلاند
و نیاید در باره اتفاق بیافتد .))
حکایات جنگ برای سینما
گران شوروی ارجحت همروزیم
و شناخت روان انسان ارزشمند -
است . شخصیت اندی سکولوف
را که توسط مرگی باند رجوک
د فلم ((سرنیت پا انسان))
بازی شده است بینند . اوتهم
خانزاده از این رسانیده هد
علم آنچه راد رین جهان دوست
داشته است . او از میان وحشت
و ترس از دوگاه های ناشیتی
عبور میکند، اما در رهایت باوری
راه مردم ازت نمیدهد .
شخصیت ایلوشا سکوروف در -
((حماسه یک سریاز)) اثر
گریگوری چوخرایی، حریت ایگیز
است . وقت میدانیم که او از جنگ
با ت Xiao Heng داشت . تا هرگز زارید یکی از
ها و خصوص جنگ جهانگیر . و
فلم های ((ستاره های روز))
(برو های داع) و دیگران
از شماره هایی نیز میباشند .
کارگردانان ((موسلم))
در باز آفرینی صحنه های جنگ
و رایزنی نفس شخصیت های اند شواری
های فراوان روپرورد . اند فلم
((آزادی)) اثر ((بیوی اونزو))
و ((آنها خا غریبین حنگی دند))
اثریاند رجوت میتواند معونه های
از دشواری کار کارگردانان
موسلم باشد .

کارگردانان و سینماگران
اتحاد شوروی در کارهای همروزیم -
مرد مان اتحاد شریعت روسی
سقوط شخصیت وضع های
اخلاقی ایراکه جنگ بعمیراء
ازدید بود فراموش نکرد . اند در
فلم های مربوط به دره جنگ
خیانت ها و زلزلی های زلکار
میتوسد . الم کلیوف در فلم

موسیقی

بیجیده های انتکیک های جدیده
اندری میخالکوف کجا لوسکی و
((جله)) توسط مرگی پاندر -
چون، فلم ساخته شد . بدین
است که در کارکلایسک هایی اد
بیان روس کلاسیک های ادبیات
تئاتری فراموش شد . بد و فلمسازان
فلم های متعددی از روی آثار
آنها تهیه کردند .
از تئاترین بین الملل موسلم از
طریق تولید فلم های مشترک با
سایر کشورهای جهان تبیانت
کرد . فلم از پوششکن به کارگردانی
همین کارگردان . و همین سیان
فلم های زنده گی نامه بی کاران
شما سریال ((میخانیل لومونو -
سون)) از پوششکن ساخته شد
از شمار سریال های تلویزیونی
ریاضتی ایست . در زیل نام چند
کارگردان و فلمساز معرف جهان را
که با موسلم همکاری مشترک داد
شته اند ذکریمکم : اکیوکروساوا
کارگردان بزرگ سینمای جاپان
در فلم ((در روسا وزلا)) میکولا -
پانجود فلم ((سریان و ستابارما))
و تیودور سینما کارگردان نمود
سینمای ایتالیا و فلم ((غل افتاده))
بریست .

آغاز کار سینماگران تازه وارد
موسلم به خاطر اشتمن . این جمن
بع هنای خود میتواند انتخار کرد
از اخلى در کارهای سینمای توجه
هزاران صورت گرفت و براوراق آن
در راه تاریخ اتحاد شوروی روشنی
و اندکه شد . ((دوسرا زنیتی
هم بودند)) از این اینتیتی کاریلوف
از مایند . این محل نام های

کارگردان یک اثر شاعرانه د
اکشناتا پزشک توپیک به
کوچک بنام ((سریزا)) اغاز کرد
دهه نصف بازم ناما ی
و ((آجودان عالیچناب)) اثر
اینکن تا شکوف پنج فلم از ((آرلخ
مرده گان)) گوگول از میخانیل -
شیوه تهمان ((تاریخ یه های
کوچک)) از پوششکن به کارگردانی
همین کارگردان . و همین سیان
فلم های زنده گی نامه بی کاران
شما سریال ((میخانیل لومونو -
سون)) از پوششکن ساخته شد
از شمار سریال های تلویزیونی
ریاضتی ایست . در زیل نام چند
کارگردان و فلمساز معرف جهان را
که با موسلم همکاری مشترک داد
شته اند ذکریمکم : اکیوکروساوا
کارگردان بزرگ سینمای جاپان
در فلم ((در روسا وزلا)) میکولا -
پانجود فلم ((سریان و ستابارما))
و تیودور سینما کارگردان نمود
سینمای ایتالیا و فلم ((غل افتاده))
بریست .

آغاز کار سینماگران تازه وارد
موسلم به خاطر اشتمن . این جمن
بع هنای خود میتواند انتخار کرد
از اخلى در کارهای سینمای توجه
هزاران صورت گرفت و براوراق آن
در راه تاریخ اتحاد شوروی روشنی
و اندکه شد . ((دوسرا زنیتی
هم بودند)) از این اینتیتی کاریلوف
از مایند . این محل نام های



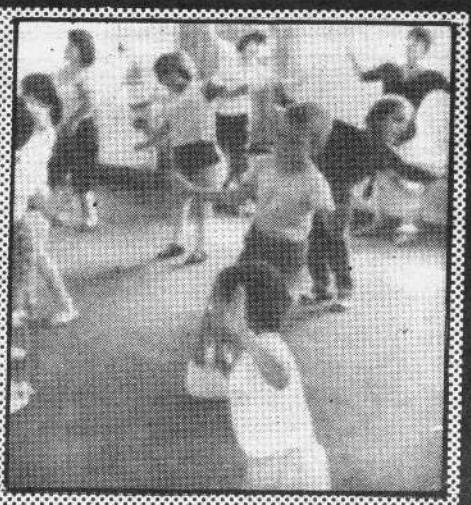
میخواهید کودکان را
باشند و
لذت ببرند

بها نند ؟

در خانه مراقب
اطفال را باشید.

حوادث خطرناکی
که زندگی کودکان را
تهدید میکند.





توجه داشته باشند که ممکن است
برای کودکان شان ایجاد خطر کند
در نتیجه واقعه می‌گردد یعنی پیش
از اتفاق افتادار، بگوئه نونه یا در
دهانی مینبود: در حولی منزل
حوض وجود داشت که بلندی آن
به حدی بود که کودک میتوانست
خود را به آن برساند. روزی
والدین برای ترمیم حوض زنده‌سی
راد رکار آن مذاشتند غافل ازین
که کودک شان میتواند از آن
بالا ببرد. متاسفانه همین طور
هم شد. کودک سه ساله شان
از زنگ بالا شده خود را به لب
حوض رسانید. به حوض افتاد و
غرق شد.

پیاری اطفال ممکن است در
تب شناساب خانه غرق شوند . البته
این حادثه زمانی اتفاق خواهد
افتد که اطفال در رتب تنهائی داشته
شوند . خفه شدن در آب در حد
ود ۹ درصد حوادث مرگ را تشکیل
میدهد که تقریباً ۲۸ درصد این
قربانیان که از سال داشته
میباشند .

علیفم وضع گردید من مقررات
برای ساختن تخت خواب و سا
بانی اطفال از میزان حوادث -
ناشی از آنها کامنه ننده است -
کاهن سانجه های ناشی از -
بیچیدن طناب بدرو گزدن کودک
برخود من آیند .

خانه محل حدوث بسیاری از مسمومیت هاست و میتوان گفت که ۰ ۵ نوع سم در خانه های باشندگان میتواند - یکی ازوارد مسمومیت کوکت کان یعنی اختناق در حفظ ناتایلیت هاست. تایلیت معداً اول بار آورده مسمومیت اسرین است. زیرا این ماده دارک و سیاه بقایه در صفحه (۱۲)

میده ریختاند شود .
آمار سقوط کود کان هشدار -
د هنده است . بنای احتمالی همی
مورد دسترس سالانه یک میلیون
 طفل سقوط میکند که از جمله ۲۶۰
 هزار آنها صدمه من بینند و ازین
 عدد ۲۴۰ آن دستخوش مرگ
 هم میگردند . دکتوران کانادا این
 توصیه میکنند که مادر رهنمای جواب
 دادن تلفون پاد روازه خانه را
 بازگذارند و با کود کان شاترا با خود
 ببرند . چه اکثر سقوط ها هنگام
 اتفاق افتاده که کود کشند
 برای مدت کوتاهی تعاریف
 خود گذاشتند شده اند . شکستن
 جسمجه در اینکه کود کان بیشتر
 حضور داشته و در حدود نیمی از
 حوارث زاده تردد ها بود و میباشد
 کلاهی چنان دیده میشود که
 والدین از کود کان شان بیش از
 حد انتظار داشته میباشند . چه
 چاپیکه کودک تازه آموز راه رفتن
 از خطوات بحیط هنوز آگاهی
 ندارد . بنابران قربانی خوبی
 برای اکثر حوارث خواهد بود .

آتش‌سوزی و مخחתی د ویس
علت مرگ و بیرون رحوادث است -
طبق احتمالیه های کانادا ۲۱۰۰
صد ۱۸۶ مرگ ناشی از انفاس ق
آتش‌سوزی در خانه بوده است -
علن آتش‌سوزی هاد رآن کشی
بیشتر زاده نواعی د رو سایل بر قو
خانه است .

غرق شدن و خنه شدن در آب
حلت سوم حوار ناگوار بسرا
اطفال پیشمار میروند بمبماری از زیر
خنه شدن هاد رحیلی به اتفاق و
من افتاد . مرا قت دایم و آموزش
شنا بکود کان یگانه راه جلوگیری
آنین گونه واقعات است من و همیش
حال والدین باشد به نکات بار یکو

تقریباً نیمی از مقوطه هایی که
منجر به مرگ میشود از زیوی زنیه
های خانه اتفاق می افتد
احصاییه بی که در سال ۱۸۴۱ مدر
کانادا منتشر شده حاکی از آن است که
همان داره شفاخانه که
بی بدت ۶ ماه مطالعه گردیده
۱۰۴۳ نفر سقوط زنیه داشته اند
داستان پایین افتادن از زنیه
معمولاییکسان است. مقصراً اصلی
معمولاییله ایست که از زیر بسا
در میروند بخصوص از زیر بسا
مادر رکلان ها به نظر میرسد که
این نوع پایین افتادن ۲۰ -
پیصد کل سقوط ها را تشکیل می
دهند در مسیری از موارد این
سقوط سبب شکستن لگن خاصره
به علاوه هج دست در همان سمت
بدن میشود و اینکه ۲ شکستن در
پک طرف بدن بوجود آیند مخوب
پنهانی بینهار امشکل ترمیم کند -
برای پیشگیری از این سانحه -
د وکتوران کانادا این توصیه میکنند
که از لب های استفاده شود که
لنز زدن نیستند و به سلطم زیمن

نصب میشوند.
پک از جاهای که اطفال در
انجا زیاد به زمین میخواند و ممکن
است سبب محدود شدن آنهاگرد
میدان بازی است. ۲۰ فیصد از
اطفال مرشدان میشکد و ۷ درصد
در رفاقت خانه بسترهای شوند. بسیاری
از بچه های که از پله ها بزمیں
افتاده اند به علت مدد مات دام غیر
د چار ((بیرونی)) شده اند.
طفل راهرو میتواند در هر تابعی
یک متربه برود. بنابرین والدین
با یافهمیه مراقب جا شنید که در روان
خانه بسته باشد. بعلاوه اگر
میدانهای بازی کودکان هم باشد
به ضخامت حداقل ۲۰ سانتی متر

پس از حمله قلی (سکته) و -
سرطان سومین علت مرگ میر،
حوالث است. و آسیب پذیر
ترین گروه ها اطفال و افراد مسن
استند. به نظر من رسد که کاند ا
از کشورهای باشد که در آن حوا -
دست مختلف خانگی بیش از سا بر
کشورهای غربی روی دهد. حوا -
دست خانگی ۲۱ فیصد تمام حوالث
سبب مرگ را تشکیل میدند و سبب
از آن هر حادث که منجره مرگ می
شود. ۱۵۰ سانحه اتفاق می افتد
که به نحوی سبب ناتوان شدن
محدود میگردد. از این حده ۴۹
نفر در رفاهخانه هستند شوند و افزون
هم تایا بایان عمر معلوم میمانند. به
همین دلیل اخیراً در کانادا اگرا -
رش از طرف صلیب سرخ منتشر
شده است بنام (حوالث خانه) و
اماکن عمومی و در ران. نحوه وقوع
حوالث و چگونگی وفا به از آنها
شده دارند و شده است.

ازیمان حوادثی که منجر به مرگ
میشوند سقوط از پلند یا در رصد
لست قرارداده در میال ۱۹۲۲
۸۱ فیهد تمام سقوط های که
منجر به مرگ شده به افراد میان
اتفاق افتاد از ۱۸۱۸ واقعه
۸۲ قربانی بیش از ۸۰ سال
داشتند در حالیکه فقط تر
از قربانیان را اطفال تشکیل میدند
دند از این نظر و احتمال خطر
برای افراد میان بیشتر است زیرا
قدرت حرکت آنها کم است استخوانهای
شکنند دارند و
همچنان بعد از سترشدن در
شفاخانه معمولاً دچار عارضه
میگردند از طرف دیگر احتمال
خطر برای اطفال به این دلیل
زیاد است که نه تنها اند خود را
نجات دهنند.

پايسکل از کابل به دهشت

الهراحت وسیترو بروگ یکی از زنانی که نوجوانان معتاد به مواد مخدر را
نختار میکرد «منظمه» به همین منظور از دیسکوها بازدید یافع میاید.
بن معرفت بعد از اینکه دریافت داشتیش همراه درسی ۱۴ سالگی معتاد
به خوش است پایه شده میباشد («سازمان ضد مواد مخدر» و
والدین) را سازمان دارد او توضیح کرده «هموا اکنون دیگر سک
مادر خوشمت و جوان است ولی اگر در همان آغاز در رابطه به موضوع
چیزیم، هرگز دخترم به خوش اعتماد نهاده بودند»
نوجوانانیکه اعتماد شدید به مواد مخدر داشتند نخست
ارضخوار والدین شا ان اخطار شدید داده بیشتر که باید راه خود را
بپوش کنند در غیرآن زنده کی شان خلی شکل خواهد شد هرگاه
اعتماد به مواد مخدود را داده دهند مشمولین امور اجتماعی
زنده کی آنها را تامدست یکسان تحت نظرات قرار گیرند بعدها زن
گشت این مدت برای پیشگیری از این همایش از مردم در تماش
نژدیک قرار گیرد اینها شرکت کنند با اخراج اینها از مردم در تماش
این نوجوانان را به آسایشگاه های ((کولکتیف)) معالجه دوست از محل
رسانند بفرستند.
از جمله ۱۶ نوجوان معتاد که بین سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۵
بدام شیکه محافظوی گیر انتاده بودند (۱۲) آنان دور از شهر
فرستاده شدند از جمله (۱۱) نفر که کوس های بروط را تکمیل
کرده اند همه به استثنای دونفر آنان شکل نداشته اند که
آن جوان زنده ساله که برای کار به یک فارم فرستاده شده بسود
محکمده: ((این بیشترین چیز است که برای من در زنده کی اتفاق
افتداده است من حالایک شخصیت چنین جدید هست و دیگر دوباره به
مواد مخدوده رو نخواهم برد)) تداهیر ایلاند و لمیان آنقدر موافق
آخیر بود که بزمایه های مشابه جلوگیری از مواد مخدوده از آن زمان تاکنون
در چهل شهر دیگرتر اتخاذ گردیده و امداد آن میزدگه همه کشورهای
بریتانیا.
پیر لارگستروم تنظیم کننده برنامه ((سریان ضد مواد مخدوده))
که در قوانین مصلح طه استعمال مواد مخدوده مباره میکند، میکند
((قانون هیچگونه تحفظ راضی پذیرد اگرچه مواد مخدوده مغضوب
شود، جنایت است و مجبور برد آنرا ترک کنید))
کم های قانونی:
سند مواظه نسل جوان درسال ۱۹۸۲ ۵ خلی چنگال
برانگیز بود به مشمولین امور اجتماعی اجازه داد که از طبقه محکم
جوانان کمتر از نیم سال را با شش ماه تحت نظرات داشته باشند.
کالین نلم ستروم راهنمای اجتماعی در کلینیک مارکه سالنه با
تقریباً (۱۰۰) واقعه تعایت مشکل ساخته سنتکلم سروکاردارد،
میکند: ((مفهوم قانون ایست که امید همیشه وجود دارد سا
هرگز ناید خود را فت بکنم و هرگز معتادین مواد مخدوده را با خاطره
تحت مواظه قرار گرفته نمیتوانند، تماشاگیم))
شكل است بهرامون اندامات و تداهیر شدید که واضاً اینقدر
موڑ شر اند به مناسه برد اختر اولوهایانگر از سنتکلم درسی
۱۴ سالگی به همین نیم معتاد شد. مادرش، معلمین و قم مارسا
هر آنچه راکه همتوانستند انجام دادند، ولی در زمانه هیچگونه
موڑ فوتی نصیب نشد درسال ۱۹۷۸ تقریباً در حدود (۲۰۰) هیل
طرف شمال به آسایشگاه نوع جدید انتقال یافت.

و استفاده از مواد مخدره در جمله تخلفات جنائی شمرده میشود . در مکاتب ارائه معلومات پیرامون مواد مخدره بخش از مسوار درس اچجاری یا یاختن شاگردان (درستین مختلف) مخصوص گردید . در کتب درس مربوط پرسش هایی با خاطر مباحثه موجود است که جوانان در باره ارشق خود شان و نتایج سوء استعمال مواد مخدره آگاهی کامل کسب نمایند . و بدین ترتیب انتخاب راه برای شان نهایت مشکل است . خارجندی از صفت ها بازدید کرده و به شاگردان توجیه میکنند - « خوب نمکنید ، تخلفات ناشی از مواد مخدره جرم است و نهیه جرم معنی آمرا دارد که شما در کسب اچجاره و پیدا کردن شغل باشگلی مواجه خواهید شد » .

احظار های نخستین : على الرف آنکه والدین رسختین افتخار گری به مواد مخدره مخصوص گردند ولی غالباً تلاش های آنها بسته نبود . لیا نوجوانان تند خوش آنها از جمله معناشین مواد مخدره اند و اصراف مواد مخدره بحرانی بلطف رایشت سر گذاشتند ؟ چگونه میتوانند به شناخت وضع نوجوانان خود موقوف گردند ؟ به طفلی که مناقشه میکند دود کردن دسته جمعی نسبت به نوشیدن بیرخط مکثی بار دیگر میتوانند بگهند ؟

هر سال بیور ملن صحت و رفاه عامه برای والدین که نوجوانان ۱۴ ساله دارند ، شنیده ((حشمتیها جرس)) را فرستند . دین بن شنیده می پردازد و بین تعارف آنده است : ((پس اگرچه کدام خطر جمعی بعمره ندارد ولی جوانان راجعون ، می قل و می فرمود میازد و در نتیجه واقعیت ها را به شکل اشراف شده آن احساس - میکنند

تا شور چرس همین یک تا پیهاره هنر بعده دود کردن درین دود کننده باقی میماند !)

هر آنچه که کودک و نوجوان پیرامون مواد مخدره در مکتب و خانه میآموزد در کل شاهراه اشایه های صفتی ، کل های جوانان و کل های ورزشی مرفتگان آن افزوده میشود . بمنظور مبارزه ملی می افتخار با مواد مخدره در حدود (۳۰) گروپ برش از کنندۀ مواد مخدره تشکیل گردیده است . گود چیزی را هیره بزنگهای گویی در زمینه چشم از هماره نظر میکند ((سعی بشتر برآئست تاصل جوان مقاعد ساخته شود که در زنده گی چیز های نیادی است که جوانان بخاطر آن - زنده گی نمایند و صریحت های سالمی داشته باشند و با این اطمینان دیگر بسیار مواد مخدود رونخواهد آورد))

برای جوانانکه تا هنوز هم با مواد مخدود سروکاردارند پسلان و سمع و شدیدتری جلوگیری از اعتماد سازمان داده شد .

در جوانان صحت عالی و نظم ، شاگرد ۱۴ ساله میکش متوسط به میصر مکتب اظهار داشت که او و هشت دختر دیگر در مصفش مخفیانه حشیش دود میکردند . میصر میگهده ((درینچ صفت دیگر آن مکت و پیچ متوجه بیگ آن شهر معناشین وجود داشت . ما در مورد اینکه این پراهم و اتفاً تاچه حد بزرگ بود ، هیچ نهاد استهم بعد از آن مستولین امور اجتماعی محلی بزوی لکیز نیم روزه می را برای بزرگان مکتب تنظیم کردند . خارجندی در حضور اهالی هشیش راreshن کرد تا بین آن به شام آتما بررسد . در حوالی اخیر سال بکجر های شاهبه برای والدین و رهبران نسل جوان در مکتب سازمان دادند و محسن مکتب ملوار شوندگان کان شد .

تمام بزرگان اینکه با جوانان تعاس داشتند ، اکون دیگر گچ بزرگ بودند و بدین شرایط این شمکه مواظبتی و ملاحظتی شان در -

بچیه از صفحه (۲۷۷) درم دارحدود (۱۰۰۰۰) معناد باشند هیروهن و امیتایمن ها
ثابت مانده و تعداد جوانان روی آوردن به آنها اصلاً صفر است.
راهن راک سهدن بخاطر جلوگیری از احتقار به مواد مخدّره در
پیش گرفته به هیچ وسیله مکلف نبوده ولی از جمله مشویهون مواد
مخدّره پروفیسور کاپرول ناهای اینزو هنتن کلیمان نیهارک در مسورد
جهنم اظهار نظر میکند:
« با اینهم سهدن نسبت به هرگوغرفون نیک پرایبل مواد مخدّره
را تحت کنترول خود قرار داده است»)
هتلکامه مساله زنده کی و بعد از این مطرح بست باشد
جامعه سهدن سخت معتقد است تا مکلفت های منوط به آنرا جامعه
عمل بپوشاند. بالاترک به این امرکه در جامعه سهدن موازنیست
اجتماعی از اراد امیت کاملاً در خود توجه و فضیاب رندردشت اینکه
برای سالیان مقادی زنده کی از اراد معناد به الكول و مواد مخدّره
در معرض خطر مرگ قرار گرفته، سهدن ها نسبت به اکتهت مردم -
نیک جهان در مو قبعتری قرار داشتند تا در برایر استفاده از مواد
مخدّره واکشن جدی شان دهند و آنرا خلیل جدی بگویند.
ناخن آغاز این واکشن به نیمه اهل سال ۱۹۶۰ در
میک چهت قضیه والدین معنادین مواد مخدّره در سهدن در
ضیغی راشکل داده و اولین اسایشگاه را برای معنادین نسل جوان
افتتح کردند و بر طبق روش های غیر مجاز مازره را آغاز کردند. در
راه مبارزه بمنظور حل پرایبل احتقار به مواد مخدّره در سهدن، نقش
بازار ناکر تهیز به یخوت داکتر معرف صحت روانی رانجمندان نایاب شد
ضیغی راشکل مبارزه با خاطر اخاذ تداهیر شدید و پوچ قبورات سنتکن
را رهیون چکرد. او استدلال کرد که بدون معنادین، بازار تجارت
مواد مخدّره بصورت کل به رکود مواجه خواهد شد. نامبرده اظهار
مکررة «مامد ادام آنها استند و در کجا همتوان آنها را جستجو کرده؟
بنابرآن صنواتم عمل کنم و دست به اقدام بنزم»)
ولی درجهت دیگر قضیه، نیک گران به نام آزادی فردی، من
خواستند تمام قربات دولت را نادیده بگویند. او رسن گهنه و نیمس
اداره ملی سهدن بخاطر جامعه غافر از مواد مخدّره اظهار چدارد:
«لینهالهشت های طوفدار سعی یخوت دند نامود مخدّره آزادانه
بدسترس معنادین قرار داشته باشد در حالیکه مانها را از پرشندگان
دروه گرد جمع آوری چکردیم») یعنی راه حل نیمزال بن غشم بود
ولی چگونه هنوز اقسام مردم را به این نظر مقابله سازیم تا اهمیت
وضعی وارد کنند.
بالاخره، همینکه مساله به مرحله حاد خود رسیده،
چشم گش مردم باشید، چنانیه مک مصوب امور اجتماعی اظهار
داشت: «همینکه در جاده ها روزتا ریزی به شمار جوانک های معناد
آنوده هم شد دل ملیحان فرزندان ما هم خوست وهم آنرا داشتم
میار آنها نیز معناد شوند»)
همینکه توجه عالم به مسئله چل شد، همه و خاتم آنرا درک
کردند. رای گیرن هاشان داده تغییه هم از بالیس شدید
ضد مواد مخدّره حمایت میکنند ولی زین راه مبارزه نهیتوانست اتفاق دی
و حالسه کاره تقصیه باشد.
برای آغاز مبارزه، تفاوت های مواد مخدّره (شیده) و -
«خفیه» وجود نداشت. خشیش مانند هیروهن و امیتایمن خطرناک شخوص
گردید و مشویهون تعقیب دیگر همچ نفع حد مجازی رادر زینه لائل
نیوتدند. چنانیه موجودیت خدا راهیت کوچک مواد مخدّره قایاقی
و صفوه منتج به جسم باحضور در مکه چکردید و فرش آن معمولاً
نشاهه هدف خاص بود. پس از وضع قربات تازه در راه جولانی حمل

بیمه د رصفحه (۲۲)

رئیس فبله بعد از آن که سوالاتی ازمن ترد، «نمود
تاماد ریکی از کلبه های چوبی که البته ارجمند
باش رسانید و داده کلبه جستگی باکن ناریال برایم
شام فقط داده کلبه جستگی باکن ناریال برایم
آورند و بیت لرگ علی آب، «شب را به روی ملحف
ها بینه در رک اثاق حسترد» بود. «در این مصل
خد اوند که میم نایستان بیو و گرمه از فرمی
میم ختم - قدم ای آن کس به سرمان نیامد، نایان
که محافظت من دروازه را بازمود و مقداری غذا که
لغعید، جه؟» ناید از حسر حبیبات، باکن
آب برایم آورد، «حکمت مرابه ترد رئیس تان ببرد»
من نایک در اینجا باشم گفت «علاوه» امکان ندارد.
بر سدهم جرا؟ جواب داد، «چون دختر حسوان
رئیس قبیله بخت صیر است و در حالت بدی بصر
میمود - جاد رگ قبیله و شنوت جی مشغول تداوی و
نم و دعا بیانند و رئیس قبیله هم مشغول است و
همه کارهای خود را می‌داشتند. بنابر آن در این
شرایط کسی جراست ندارد که ترد رئیس برود و رسا
حرف بزند - گفت برو به رئیس بگو که من دختر اورا
ند اوی میکنم نایان خوش شد و غیره» خبر را به رئیس
قبیله رساند، چند لحظه بعد من در حوزه رئیس
قبیله نیم و حشش بیود و اطراف مرآ افراد مسلح قبیله
احماعه کردند - گفت امروز خدمت از من سوال کرد
تو بشه راستی د خشم راند اینستی؟ بورا بندون
تردید جواب داد. بلی، «گفت توهم مانند طبیب
و جاد و گز قبیله باخون بزنه، «جزیوی خوت و ناخن
شیر و میوی دم بیل، «تد اوی میکن؟ گفتم: من دوا ی
محظوظ پا خود دارم. گفت امروز خدمت تداوی شد»
بزترکتین جایزه پیخشش را از من خواهی گرفت و
اگر شد اوی کرد، «تو استی بدریتیجه تداوی غلط
توده خدمت تلف شد و این رمت، آن وقت به بزرگترین
حجازات خیاهی رسید یعنی ((ستی)) یعنی ترا
هم باد ختن کجا خواهیم سوزانید تکان خردم از -
گفت خود پشیان بود، «زرابیمار امکان داشتند که
د ختر را تداوی کرد، «تو این وحشیان را میخواستند
خیلی رخیه بود بسیر - پرس... منم باشد از زند -
قی دست می شست و بی پنگ مرگ تجیع محکم میشد -
لحظه عی باخود اند پنه کردم دیدم چا رند ارم
در اینجا باید نیست را قبول کرد - د ختر را به من
بسیارید، رفته که ترد د ختر رفتم بالای یکسر
تخت که از شاخ درختان باش رسانده بود و
در اطراف آن باره سایتارهای ریتین که نایان
از این بن بود بعدها هم نیشد که اینش است
از پیده بود - د رحال تابیه کوما، درین خواب
بیداری و بت شدید، به ترد خود، مرس را تشخیص
کرد. «البته بدون معاینات خون، میاییان دیگر
لایرانواری و اسنری تشخیص منکل است اما انکر
کرد پت مریس انسان باید باند و اغفارانه» چنین
هم بید - باید امپول پنسلین د و میلینه که آسرا
ست بار د رغرف سه بیز تطبیق کرد احتیاط رام
ازدست نمیداد، «زیرا آنها در مقابله اش بیویت
ها حساسیت داشتند وهم زود تر بالای شان تائیز
میکرد - در وقت پیچگاری د ختر جیق زد و همه در -
کلبه رختند، تا انها را قاتعت میدادم که این اراده
از راه سوزن داخل بدن میشود ترد پت مرآ لست و
کوب نموده وجه رفز به حال من بیچاره می آورد د و
محضوصاً تحریکات حاد و گز طبیب قبیله که نکر
میگرد من در قبیله حای اور ارماتیگن ولی بخیرگذشت،
زیرا بندت حق یاملاً قبیله باشناوریه کرد کسی
سرکشند که نتیجه چه میشود - بسی از یک د و ماهه

د خترچشم های خود را گشود ، کن آب خواسته
من بعض تابلیت های مسکن به اوداده که همراه
آب خورد ، همچنان لیوکه برای رفع نشانی ازد هلی
با خرد گرفته بودم توسط ابابا خوارانیده زند یعنی
های شام دختر کی بعترش - فردای آنرا بساز
بسیلین با اوتونیف کرد همچنان یک کپسول کلرید -
من اکول با خوارانیده که وضع صحی دختریاز هم
بعتر شد و من به بھبودی او یعنی حاصل کرد هم -
جنین به زنده گی خود - حالا احترام من در رقبله
زند شده بود ، اما شبهادر اتاق زندان بودم روز
سوم که اداره رلتیبیق میخودم دختریه سخن امد
و قسم میگرد - اما صحتنیه کلی خوب نشده بسود
من دانستم که دارد دورو نقاوت را میگذارند اما
وضع من در رقبله بعترشده بود . کلیه بعتریه من
اختصاص داده شد ؟ زند بی خانه رفیع قبیله و
خوارک خوب هم به من میدادند جاشت همان روز
توشت کتاب آوردن ، البته یت ران کامل بزیمه را
کتاب کرد و بودند همراه بعضی میزی های خام -
جنهل رجند داده کلیه نسب همان ریز گوشت سار
کبرای کتاب کرد بودند (البته شمامید ایند که مار
کبرای مارسیار بزرگ و خطرناک میباشد که مخصوصا
در جنگل های هند و افغانستان بید امیشود) . ریز گوشت
د ختر به کلی صحت یاب تردید و نظریه امر رئیس
قبیله چشی ترتیب دادند که در از جند از این
میمون راشکار نموده وهم چند دانه امور اسربیده
جوانان و دختران قبیله خود را آرایش داده و به
رقص های دسته جمعی و انفرادی برد اختند که طبعاً
شمامید ایند که رقص و اواز از جمله عبارات مذکوب
اهل هنود است مخصوصاً در آن قبیله نیمه وحشی
و دختران نیمه برهنه آن رقص زینا و دلجمی اجرا
شده ، من برای اولین یار بود که رقص زنده هند ی
را میدید به طور کلی از ازاد در طبیعت در جنهل و
بدون مد اخله تدن پیشگیری میکنند -
پیش از کات و ساده ویں الایش ناکننه نماد گشته
د ختران این قبیله ام از جمله دختران زیبا ی -
هند ی بودند مخصوصاً دختر رئیس قبیله که نسبت
به دیگران قشنگ تریوت سرگردان بلند تر بود .
پس سبزه یعنی نمک نیود در تمام هند
گویا که هند را به نمک آب داده اند
سه روز چشون د وام کرد که خوردند و نوشیدند ،
سراییدند و قصیدند با مصالح عیش رو شوش کردند
و در این صحن با هم از رئیس قبیله اجازه رفتن
خواست که در جواب گفت :
چون این چشم با غنچه تو صحت یابی دخترم تر -
تسبیح گردیده بنابر این حقیقت است که باید چشم
را باما باشی و بعداً عم از دخترن ((مالا)) اجاو
مرخص بگیری .
الزوجه من میتوانستم که به نوعی از آنجا فرار نمایم
لیکن از اراده دیگر نمیباشد این امکان را باشکل سرمه
گرفته و جای پنهان کرده بودند که من نمیدانستم
بنابر این مجبوراً در رایام چشم و مژون شاد مانس
با ایشان اشتراک نمودم از شما چه پنهان قلب
چندان بین میل هم نبودم که این چشم محلی
هندي را نادیده برم - در این چشم موقف و مو-
تعیت خوبی داشتم . بعترین خواکها بعترن
سوهه های جنهل هند پی را تهی میگردند و هرچه
میخواستم حاضر بود - و امداد خشن رئیس قبیله که
((مالا)) نام داشت چون سایه مراتع یک میگرد
میمیشه شب و زی با من بود و مرانی چهار دهنه خود
میخواند - پکر زنام را بر سرید - گفتم : ((علو)) گفت :
نام زی باشی است که در زندگی عجیق وقت از از ازرا -
موش خراهم کرد گفت ممکن اس زیبا بشد اما اما -

كالفن

مدوس ترین کلمه خدا، باکترین کلمه وجود ای،
بخت ترین کلمه حنگ، عالی ترین کلمه از ارادی،
رسیاترین کلمه هشی.
ارسالی: مد الحید شفیق از مراد شریعت

برلش فال گونه لرگم

متولدین ماه میزان:

دل به عشق هنری بسته اید . آپنه عی از زیبایی را در برا بر نان آویخته دارید که هرجیز را زیبایی بینید . انسان های چون شما قدر راند خود را در آزمون های بزرگ پیروز سازند . برای زندگی کردن و شجاع ماندن توانایی دارید ، آنرا بکار ببرید .

متولدین ماه حمل:

آمید و آرزو همچون درختی در شما باشاخ و پنجه های بلند و جو د دارد . دیدار با همیتی در پیش رو دارد . بلو آرامش برانی را می بیند امام جبور استید خود را به کار مصروف کنید . خوشبخت شمار در همین است که همیشه مشغول کار باشید .

متولدین ماه عقرب:

تلash شایسته بی برای کسب داشت دارید . واقعه همیشه باشد آموخته . همیشه در مدد استید نازناریکی بیرون شوید . شما با متولدین ماه نور نزدیکی دارید . دیدار تازه بی درینش دارید که برا یقیناً سرنوشت ساز است .

متولدین ماه ثور:

همیشه با صمیعت وصفاً برخورد دارید . خوبیست که در کار نان دوستان زیادی دارید . صحبت نان را پر بادانید . وقتی قیاد ر استید در برابر دیگران از خود گذراشید ، خوبیست بعنی چرا این روحیه را در خود تقویت نمیکنید .

متولدین ماه قوس:

بلی ، اراده وجود یست شما را کم میکند تا همیشه در مقام موقعیت باقی بمانید . تردید دشمن زندگی شماست . به دوستان نان اعتقاد داشته باشید و از خود راضی نباشید ، چرا با حرف های کوچک آزده کی های بزرگی را بجا بینید ؟

متولدین ماه جوزا:

خواب ها و ریها های خوشی که شما را مشغول ساخته است ، واقعیت میشوند . چونکه هر کس همانقدر من باید که به آن آمیدوار است . مشکلات موجود زندگی نان میگذرد ، بعد از هرسما فصل بخاران می آید . صحبت شما با ارزش است .

متولدین ماه جدی:

تشویش هایی که دارید بیجاجاست . پیروزی و موفقیت شما در تفکر درست نسبت به خود نان است . کمترین نظر خانواده نان استید . ر حالیکه آنها به کار عمل فعال شما را خانواده نیازدارند . مشکلات نان به زودی رفع میگردند .

متولدین ماه سلطان:

سحرخیزی برایتان خوبیست . خوبیست که عادت کرده اید بد دست خیرخوبیکی را شنید . احساسات کینه جویانه را از خود دور نمایید ، بزرگی دعفواست . از دوست گله میشود امامکن نیست دوست را به بھای دنیافروخت .

متولدین ماه دلو:

نقش که برآب می بندید ، خیالی است که آنرا در برا بگست و کوشش واقعی می باید . هدفندی شما زندگی کی نازناریام سازد . به دلیل نیست عزیزان و فادار بیاشید . همسر نان به شما با وفا است اور از خود دور نکنید . مجرد ها سعی نکنید که دوستان متعدد را بیازمایند

متولدین ماه اسد:

میکن است برایتان اتفاقاتی بیش بباید که کمی ناراحت شوید اماقابل تشویش نیست . دیدار دوباره و سیار عاشقانه بی که درینش دارید ، شما را به شایسته نزین آرزویتان میرساند . نکر نکنید زندگی برای یک روز است ، حرف یک عمر در میان است .

متولدین ماه حوت:

شما را آستان بھارتولید شده اید ازین لحظه فکر می کنید فرم و - خوش مشترک دارید . یعنی هر وقت خوشی باشید ، ناگمان غمی به سراغ نان می آید و مثل هواي خوب روز بخار ، ناگمان احسان سردی میکنید . دیدار های دوستان شما را کم میکند تا بیشتر آنها را در رکنید . اینقدر خود خواهی که شما را در خوب نیست .

متولدین ماه سنبله:

هر سخن را به آدریس خود نگیرید به اصطلاح دیوار نکش نباشید . انسان بزرگ قلب بزرگ هم دارد . خانواده شما از شما بزرگی و حوصله مندی زیاد انتظار دارد . اگر کمی بدون اعصاب نیت خود را تحلیل کنید متوجه میشوید که چه استعداد بزرگی برای زندگی کسی کردن در شما وجود دارد .

سروی دیوی پول میخواهد

بچه از صفحه (۵۵)

د روزه سروی دیوی میتوان
گفت که: اخود میداند که این

- هرستیا، دامنه خبره باد، نو و ای جن له میلستیا درکلو و
سره زیانه مینه لری؟
- حدای دیباره داحیره مه کوه او و مهدا لارجاته بیه امیستیا
درکلو مه خویسیری اونه مه دایوی میلستیا وی خویل.
- خویسیری مه چی به خیل کرکی له جیانا و سره یومای لوری.
- دخترم به شیره بیا همه خواره چی به خیله می باخه کرم، پیسر
خویل را کشی.
- یان، چی آشیز هم یاست?
- آشیز خونه، مکر بیر به بخل مه زده دی او کله کله به خیل
لاس، هوسانه بخم.
- سره له دی چی ستاس میلستیا وی ارد عوتنه نه خویل زی
خوبیا هم هیله ده چی بیه و رخ ستاس دلاس د هوسانی له خویل
شده خو ند واخلو.

رضا در ملتون

ادویه مورد نیاز شما را به قیمت مناسب عرض می کند
ادویه: خوشحال میشیه مقابل نهاده سین کلیس

بچه از صفحه (۷۲)

- زادگاه اصلی ما، است آباد ولایت کنراست.
- آنهم از سلسله ((سید)) های آن؟
- بلی!
زیگی در دهن توان خود شد و این زنگ، عنین یک سوال دیگر بود
سکته است آباد کر، آنهم از سلسله ((سید)) های آن؟
- بلی!
- بسی خواهم بدمان که باعلماء سید جمال الدین انفسان
ونایخه سید جلال چه فرقی دارد؟
- بلی، ما از سلسله خانواده علامه سید جمال الدین افغان
استیم و سید جلال بیز فرزندی از عینین تبار بوده است.
به مدرسه اسلام کابل (دانه الحفاظ) رسیده و در آنجا
ساده محترم قاری و فشار معرفی شد یعنی وقتی درباره
کودک پنج ساله از روی سوال کرد، چنین گفت:
«بسم الله الرحمن الرحيم»
سید اعظم خان که امتنان بیهودگری اسلام است، از نسبت
سید رکابیات بفرجه گرفته است.
او که کودک بیوی العاده با استعداد است، همه روزه برا ی
مدت یک ساعت به مدرسه آمد و مطمئن اسلام را درآمیز گردید
فعلاً از قرانکریم باری شروع کرده است.
اور درس شش ماهه، سایر شاگردان را در درست یک ماه و درس
یک ساله را درست دو ماه نهاده گرفته و آموخته است.



د اسی ثابت شوید» چی نارینه
کیدای شی بید روحالتونوکی ترا رولری
ولسری.

۱- گوش، ۲- دموده شنی
سره به تولنه کی، ۳- دغیسر
موثی بندخ سره به تولنه.
نیجه به لام راغلی ده، چه
د بکل بندخ به خنک کی نارینه
یخبله خان جذاب احساسی.
د اسی بینه بینی چی سرید بروجا به
ظاهری بنه دست می شن، که
شه هم بوده بینی چی زمانه انتخاب -
د ومه بکلام نه لری اود باطنی
کیمیت شخنه به د ومه لشنه موکی
معلومات نه شی ترلاس کو پی.
د اسی احتمال وجود لری چس
د اسی د اسی ناخه سفله ور

خیل کار طرفداری، یه وسیله،
دلخه همت لری، نایری فعالی
او بیری خوشحاله دی.
هذه تحقیقات چی دانساناند -
خارجی بی د جاذب بالو به مورد
اجرا شوید چی، بیوی نیزی یه
لار اغلى دی مکریه هیچ
یونحقی کی د اسی حالت ند ی
به گونه شوی، چی د هنف ظاهری
به یاد آشی، چی د هنف ظاهری
بیزی د کوکارو لیخول، بیزندل
بیزی د کوکارو لیخول، بیزندل
د اسی انسان نه بید اکبری چس
هرچاهه به بکل نه وی، او بیو -
هیزی چی ولی د بندخ ظاهری
بنه نارینه نه د ومه محمد ده؟ به
نیولو خونه ورسنه یه لاس راغلی
دی، د اسی معلومه شوید چس
پس کرنی زوند کی بینی معمولاد

تمثیل ریاضت . . .

د بنده ویشم بچ باش
- مژ سریت لری چیز مولکلور سان، خل ورسره اشتانه وان
بدرنیو هیرا، ونه بی ویشیزونه داجن بخترنی او بعو له جابریا ل
خچه بردی ابینه ا نایانتنی جنم ی پر، بدی باب نایی
راد یوکی لار یوکیز کی، ارتر یوجد، د ساری به لارول د
مومن حان اوشیز نو، آدم حان اور رخانی او د اس سوی نیس
پس بیه رت هم زیارل شوی د.
خرنکچی به او میشی هخه کیری مخوهر خون یو هاکل خانگه
بریج برس، ایاسی میا پی، بونیا نیانه لیکوئنی ارسی سه
لوبیار ی که، ایرنتر نه دیری واپس ایکه دین؟
- د تشنیل له هنر سره بی ساری او پینه مینه لر، نیارم بدی برجه
ی حان دریج او ریزیا بی بیزی به بیزه شن.
- ناس د خبلو شری دی، ونوا و بترنی سفرنیو عده وغیر بی دی
بووارد کال د مش به شوک و بیزندل شم، د بیاری س مهان د سول
او بیستون مهان بی نیمه علایی، او نقدی بی پیسی می ترمه
که ناسی نه خوی دی وای چی سویون اتجاهه سفرک رنود.
- آنینه نیزی، ایاد احبره ریشیار؟

- نه، ایدا ره به د اسی جبرونه حداشیش کیری، حکم سرخو بیلا
بیل دوی او سلیمه لری، یو نیز به بارکی د مروشاهه تر حنک روان
م، دوب بیبلی م ترشک بیرون سوی، بیو رانه بیبلی: ((خانه
سر مهایا)) ما بیله بیبلی: تشرک بهم، بیو نیسی بیوسته بیا
عنانه بیبلی م مخ ته راعلی، همه یو چی لیزی بی ع خه نه
امخ ته رانله اود هنی بلی له حوای بیوه بشنه وقو -
بنله، بیا هنی چی خبره عی رانه کری و، رانزدی شو -
بد اسی حال کی چی سترکی لی له ایستگو لکی وی، مائے عی لاس
راکه او تکرار تکراری بخینه وغونه -
ما بیله بیبلی: هرخون او علاقه عی، نه ولی به خیل خبری د ی
د ومه مهانه او بینهانه بی، بیوه هنرمند باید پراخه حوصله او دین
تلدی ولسری.
- به او میشی وخت کی یه کوکو کاربو بخت یاست ۶ دیپنتوند نما -
پشناهود بد بیت سرست اوره دیپنتوند نایشناهود د ایرنکر -
ستن او ریزور به شوک دند، ترسه کم او بیه راتلونکی کی یه
تلریزیون پروکرام ترلاس لاندی لم.
- ناس د خیل شخص زوند به بروخه کی خبلو شنیه والونه خه ویل
فسواری؟
- ده زان انم، چی بیوسکر او بلی یه زده کوکونک دی، اود واره
زی د مسلک سره خرابیه او ملأه لری، زه او بیرون او بیجان می
به سیبیت سره زوند کرو، دافعه دیلوه شکر محتاجه نه، که د
حنن عطاوله بکله د هنر د نری نه من زن، تو شواره کورکنیا است
بیاهم نه احتیاج کیم.

نیخه فارینه

د ۱۹ بچ باش
چه اربیاطات یه کورنی کی غیر
نورمال دی، اولدنه دی چه
جلای شروع کیری، هریوه همه
خیل اصلی باطنی خواهان او -
کرکتیوول نه نایی، کوری چی
د بیوه اولی خوبونه لار نیزیلری
اما د اموضع د مخکی نه ورن -
عادی شوی وی.

اشناها تولد واقع کلوبه وخت
کی بیو بیله نه لارنونه وکری.
به باد لری چی بیار بی شنیس
پس کرنی زوند کی بینی معمولاد

قرطاسیه فروشی ناظر ترسن

انواع کارتهای ختم تبریکات
عروض، اقسام بسترهزی و روع
الم مطابق ذوق تازه باقیت
های مناسب و رنایت بخشن
عرصه میدارد.
ادرس: سرای سید حبیب الله
واعج حاده منه وی
نمبر تلفن: ۲۱۳۶۶

آیا آنفلوہای ((نگینه)) ووچت
اند یا)) راضی است با چطربه
با این برسنی آثار سرسری در
سیاه شیرین بد پاگرد به ده گفت : -
((اگر تصرف کنم) می ازد ، مگر
آنچه برای من از همه محترمات
اینست که من برای رضا پای خود
با نزیکم یعنی برایه اید ابرکش
ید و سلطان همایزی خوش که با
بودن آنقدر من هدایت و مصیبت
ایجاد میکرد))

د را خیلی لحظات گفت و شنود
ما مری د بیوی براین گفت نا کیم
صوند

((وقتی دریام که نفس را
به خوبی باری کرده ام خواست
ازک این تقاضا میفرت به جا
آورده ام ، همین رضائیت بزرگتر
بین باد اشی من تلقی شد میتواند))

تاریخ ایران مدتی معم را بیشتر
وقد شفاعم بازم .
— پس شما اگر از خود راضی
استید ؟

— ((هنرمند شدن واقعاً به
تجربه) کافی نیازدارد من نظر
مکنم که تا هنوز مریض داشتی
نیافت ام . بالعم به کام ادامه
میهم متأخرین هرچه بیشتر
حاصل کنم))

در این میان سخن برسر من —
چکشیدیم آند ” گردن یعنی در
آن چند شفوفت ” بعد آهنگ
برآورد و سوسی به مختانش
ادامه داد : ((رشت ها بیرونی
میگردند) به هم حکم مشوند و
از هم میگلند : هم جمیزی برای
همه به یک رنگ میمانند))

برای یورن سازی اواز حالت —
در آنکو خیلی میگردید :

((اساساً من به مخاطر گسب
نیواد و فهرست وارد جهان سینا
لندن))
- آیا شایر بر سینت فلم های تی ان
حساب می کند ؟
- در بود آین بر مشن میگیرد :
((من نمید انم) من خود بر سر
بیشتر فلم های حساب نس کنم
زیرا اساساً توجه چند ای دار -
مورد آنها صریحت نگرفته است -
محمولاً یک نکته نزد من موجود -
بوده و آن اینکه در یک طرف زندگی
من فرار ادارد و رطرف دیگر
فلمهام من کوشیده ام تا بین
این هر دو تناسب درست را -
برقرار نگهداش - اما بعد ها درک
کرد که این امر ناممکن است -
یکسان با خود گفت : اگرچه همیگز نون
به کار آدم بد هم شاید از هر دو
یکسان - همان بود که تصمیم گرفت

مذکور شده تک روی کرد که باز هم این بار از این مکارها نیستند و این خیال اخیر خوش می خورد پدر و شرم می آمد حققت این است که من هم اکنون در اینجا خود همچنان نمیداشتم زیرا رسانه های جمعی شخصیت و زندگی می بینند که بعض ستاره های کان را پیش بینی نموده بودند پر از این آنچه انسانه های بیش معلوم نمی شوند .

ابعد از این سخن نفسم بلند پر برآورده از خود : ((در اواویل یا به مذاق عذر اقبال سیل بجهان می شناد رمن ال کرد . بعد های این اندیشه افتادم که از این راه بول و زنگی نیز کسب خواهم کرد . امکانات تحقیق و اند وخته علمی در بخش مینما برایم مهربان شدم ، به این سبب میتوانید بپرسید که :

از این استاده چی وقت ناگزیر ن آید . و همگوید : ((الگوسوسه ای د رعن ایجاد گردید که گنج همیزی من قصد سو استفاده را دارد . د رعورد خوب نظر میکنم و می آند - یعنی . اگر خود را راضی باشم به میاری ادامه مدهم و به سخنان دایرکتوریوش میگذارم در فری آن معان لحظه از صحنه بیرون می آم . سوال در اینجاست که انسان خود چی را می بیند و از جی بده می آید ، این هم درست مانند قصه زنده گیس است . انسان در هرچهار هرچال و هر موقع که قرار میگیرد بیشتر عالمگر رنگ میگیرد . از سری دیوی می برس : آیا آینده اش را نیز در نهایی سینما می بینید . او خندید و گفت : ((من در

من درد مشترکم . . .

کم برای ما که علی الرف سوزد لام
از مصاہب بھرے کش و ظلم جهان
وعلی الرف دری مان ایامکانا
هنوز صیانت آمده بی پاشد به فرد لی
خود به قدر رسم و ساخت د را برینظام
موجود ارزشند است .
نمیتوان برای نجات انسان در
انتظار ان روز وجود نشست که
انقلاب جهان مه پنهان های
بھرے کش و تحقیق مردم به خاطر
بهماری سلطنه جنی های فرد یا
گروهی را زیمان مده باشد . اگر
به جن آند پش باخوش خیالی
د چارزیاده باشم من بدین کفر
مارزه اجتماعی د راستایی پیانکش
در عالم پیشری جنی این اتفاقات
جهانی است که خود تبلور تماشی
تلشوای طولانی انسان حصرها
خواهد بود .

برای ساروشنگران این کشیده
که همچو جنی برای خود نمیخواهیم،
حتی فرست ایجاده باشون بالایه
های توده باقی نشانه است اند.
دولت های مان سارا خواهی بست
نشانه و دشمنان سلامت فکری
توده های مرد میخواهند کو در روز
حالی که بخوبی شدند توده هایی داشت
د بیرونیک داشته شده سارا خاطر
بیرون پنهانترها چشم به ماد و خفتانه
و مانک بدن باری های پنهانی و -
د گزونی خدن سامان و ساختار -
زنده گی خود بحضور پسره زبان پدره
جوس از سهپوشیں سماقونه
اعلام کشم و دل توده ها را پسند
ارایه آناری ناقد صراحت خوش
دان.

من بصیرت زدن ران مفهوم کامل
ایران معتقد ند استثناء فی ندادم
اطا باکم نیست که این جاد رحصو
شاعر زدان جهانی مشکل بماند
با این عمارت خن اگرچه بدان کنم که :
روشنگر جهان سرم باشد بصیرت زدن
صورت دهد و در کوه فیروز من ها
تو نهانی بزند .

پا خشید با حضور چهار جنمه
دولت های که مدد مجاہده
شان در طرق درینگ داشتن
مردم ازی بودن به واقعیات -
خلاصه م شود چه امده ی برای
رسانایی باقی نی ماند اگر ل -
سورد ن به امده تلاخونه کوشش -
دلسرانه ازموی حکومت ها
حاصلی جزا زایش فاصله
عقل مانده گئی نهاده .
ولی ناگفته بادین سیار این
و اقصیت راهم بگو که ملکت شمار
در پایان حلسم گونه می شده ام
من درست من و چهار سال بیش
از این د رشرعنی نوشته ام .
... و مردی که اکنون با -

د پوراهای اماقش واخراخ من را
 انتظار میکند، از نیزه‌گر کوتاه
 کله بر سهیده ای خشک نظر
 می‌زد و همینه ارشکی که مرقس
 سهاه باران اشیان کرد، است و در
 مردی که بزیر همه بوقایی پس زنجه
 مای حاسمه ای شکار کوچک بد
 اکون پاخوده من گفت: «
 - اگر سهیده ای را بشکند من سهاه
 بروز خواهد کرد.
 - اگر عرب سهانگرد سهید ارسن
 خواهد شدلت.
 مخدوام بگویم تاں زبان که جعل
 است فقرنی است تئافری هاست

پنهان از صفحه (۱۱) بقیه از خاک فقر جه به آسانی
 احتشار غسلت است.
 به جای چیزی باشان جهان سو
 باره ای از عصان گفته نماید بدادر
 است که نظم را مراوسه رن تقدار
 موجود بخش کوچک ازان را در
 شمار توسمه والبته به مرکز تراکم
 سرمهای قرار دیده و بخش های از
 آن را به زیله داشتند چنان پیشرفت
 مبدل میکرد و این بوه از زمزمه
 سیار را لذت برده و عقبه مانده گرس
 به حال خود میکرد.
 حتی اگر که توهین کرد گانه

افزایش بامداد از برای راهی ترسی
فرموده دست کم زینه هی تلقی
بتوان کرد بعده تکن از انسان
جه جایی برای آن باقی میگارد.
ماری ای آن که پیوهود در رهوتی
بن مخاطب فریاد نشیده باشیم
نهایتند رشد آغاز هاست بگیرم
کاره جای رسیده است که دیگر
امروز لازمه چنین رشد یتھادر
اسکات بیرفرازه بزی شد حاکمت
هاست آمان حاکمت ها که بنا
بر خصلت خود کوئی کوشند
تهدیه ها راهزده نایا آلاه ترکی
انتهایی میگردند که اینها

همین حالا از این استعداد این که نباید بود دارد، من
برپایش اجازه داده ام و در غیاب من شاگردانی را که قرانکم می-
آموزند، درس بدیدند و اورده مورث موجود بیکن هم سه شاگرد
دارد که با آنها کاری کند. جالب این که شاگردانش بزرگتر از خود
دشن است که آرزو جمله می باشد، خواهشش که صفت چان مکتب
است و در مدار دارد.

هزاری ظلم بود که از زدره سه دارالحفظ برآمدیم.
در جریان راه، در حلالی که دست کودک پیغام ساله بود سترم
بود، به نظر فروزنتم، «ایا» های زیارت را بخود مشغول میباخت.
از خود من برسیدم.

- آیا باین کودک کلک مادی صرت خواهد گرفت؟
- آیا مسولین توجه خواهند کرد؟
- آیا سرپناهی برپایش خواهند کرد؟
- آیا راه های بعتری، جھت شرش از استعدادش جستجو
خواهد شد؟
- آیا عبارتاً در هله ولی ناکولته، در صرف ۸ مکتب شامل من
خواهند ساخت؟
- آیا معانش ما همار برپایش مقرر خواهند کرد؟
- آیا کتاب، کتابچه، قلم، مواد درسی و علمی در اختیار
کذاشته خواهد شد؟

میتبته مهراو قوی تصورید یه سنه
د پوچا چه خوک خوبش نویسی
د نوموری عکسی زنده کی های نهیسی
خود وخت به تبریه و سرمه دند
خوبش روی مقابله بیچلنه باد
و فی، امامعکسین یه زنگ کی باقی
پاش کهیزی تو لذک نوموری بی
همفه تپه کوم چی هنر عکس نه
دویر شبا هلت لری، خوشی او
د سنت بزی مینهیزی
مثلان رینه یه والرسه د روی بشدنس
لری، که دنزوی شخنه ورنه غیر
شوه گروچه داری سره بشدنی
به خیل منع کی سره مشاهه دی
بسن پوچم بشن دی - کیدای
شی چن نوموری نارینه داموضو
احسان نکری .

از قدستاره های شما

نکته ها

۱- بیرون زیبا :

صورت مردان و زنان زیبای پیر به شمعی میاند که در جای مقدس روشن گردید باشدند.
((جوز مکبی بل))

۲- فاجعه زندگی :

((برنارد شاو)) نمایشنامه نویس مشهور ایرلندی میگوید : زندگی تهداد و فاجعه ترازیدی دارد . یکی از زنیست که داشته ایم و پیر رسمیدن بغاز زیبی است که داریم .

۳- رواجش دهید :

زیبایی سکه طبیعت است . اختناکش نکید رواجش دهید .

((جان میلتون)) شاعر انگلیس

ارسالی عبد السلام رحمانی



دوستی

در جهان درست مانند گل است و بروزها هفته ها موالتها انسان تعالی محبت را در قلب خود آبیاری میکند و ان تعالی بذریع رشد مینماید .
ارسالی بلقیس ((احمدی))

نکته های بالارفته

- کتابخانه ای روح بشر است .

((حضرت علی (ص)))
فرق میان عالم و جاهل مانند تفاوت بین مرده و زنده است .

ارسالی مطیع الله سلطانی

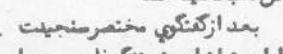
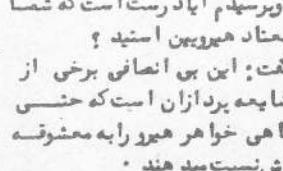
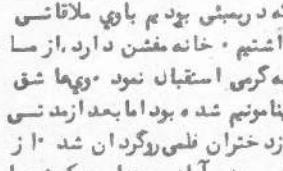
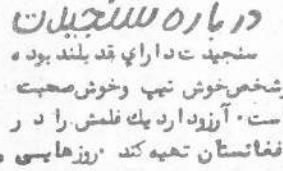
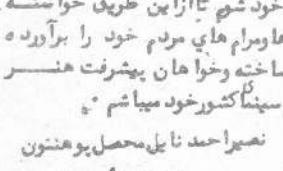
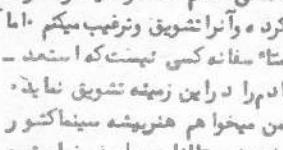
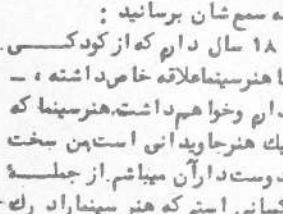
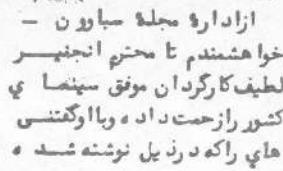
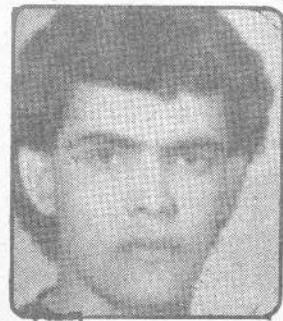
پرستقونی لشگر جهان

در دنیا همه مونم های جهان که وجود دارند روزانه میلیونها فرار از دید میکنند یکی هم مونم منعیر مونم سکرت آلان است که چشم و جراغ آن سکرت برگی بطول ۲۰۰ متر است که اگر بخواهید این سکرت غول پیکر را دود کنید باید بیشرا جهل روز از کار زندگی داشت بکشید و هرچه محکمتر یک سر انراکش کنید آیا رخود چنین قدرت رامی بینید .
ارسالی محمد نسیم نایق

تزوییه ای حقیقی

* بد بخت است کسیکه خود شنید و گاه هنرمند * کم گزین حکمت است ، کم خیری صحت است .
کم خواست عبادت است و کم امیزی عافیت است .
* سکوت عبادتی است بدون رحمت ، هیبتی است بدون قدرت ، قلمه ایست بدون حصار «موقوفیت» است بدون سلاح ، استراحت است برای -
کرام الکاتئن ، حصارست برای مومنین «سیوه» ایست برای مسکنیان ، مخزنی است برای حکیمان هراسی است برای حاکمان و حوابی است برای جاهلان .

ارسالی طوفی هوتکی از یونهنجی فارسی



پاسخ قاطع

حاضر جوابی ریچارد برتون در

هالیوود ، زبانزد هم است .

روزی که او نمایشنامه ((ریچارد

سم)) اثر شکسپیر را روی سینما

پازی میکرد ، در موقع ادای ایام

جله معروف ((من کشید من کنم)) یکی از

ناماها جیان گفت :

آیا حاضر نیست با یک خبر

معامله کنی ؟

برتون بدون آنکه خونسردی

خود را ازدست بدهد ، اما -

که : چرا آقا لطفاً روی

ستیز شریف بیاروند .

فرستند : میشهقه رسا

به جای تلویژن

از قول یک تن از زنان صاحب

چنان و بازیگر شهروسانها حکایت

می کند که گفته است :

من هرگز شوهره نمیگیرم ، زیرا

سه رفیق باوقایی دارم که جای

شوهرها من گیرند :

اولاً سکن دارم که صبح ها

لایقطع تقریب میکند ، تا نیای طوطی

پرگوی است که تمام روزها فحش

میدهد و زیانی میکند و بالاخره

پیشکی دارم که عواماً شب ها به

خانه نمی آیند .

فرستند : امنه گردید

نکته جالب

جه ازدواج کنید چه نکنید ،

در هر دو حال بیشینان استند .

ارسالی : نزیه میرزا

نکته اهورزی

پسر : هنوز ، واقعاً تعماصر ا

دوست داری ؟

دختر : بلی ، برویز جان !

پسر : برویز گیسته من عتیق

است .

دختر : ای واي ، مگاروز جند

شنه است .

ارسالی : مسعود

درخت عجیب دنیا

در ایالات متحده آمریکا

درختی وجود دارد که ساکنی

آن این درخت راینم (نامی کائی)

آن درخت باران یاد می کند .

حیب د رخت استیزیمار

دبل پر شاخ و برگ ، بخار هم را

قدب بنموده و اونرا به دور را دور

موده به باران مبدل بسازنده مخصوصا

و تیکه خشک شدت بیدام ناید

فعالیت آن درخت زاده ترمیشود ،

بطوطی که هموا نیز آن ترکل

گلود و حتی جوی های باریک

روزان می شود ، که برای آبیاری

راضی اطراف کانی است ،

بر طبق حساب هایی که کرده اند ،

علم شده است که هر یک دانه

زاید درخت ها پر مدت ۲۵ سال

ست : لیتر آب می دهد و آنچه لیلیک

در هر کیلو مترب مربع مکن اسه

به اسانی ده هزار دانه ازاید .

درخت کاشت .

(در هر ۵ - ۲۵ متری کدامه

درخت لیمی توان اراضی یهناوی

رابدین و سله آبیاری نموده

علی الخصوص که ((درخست

باران)) در شش و نهای خود

وقوعات زیادی هم نداشتند ،

زحق نمیدند و هر کجا بکار برد

میگرد و گیراوسزایی زیاد نداران

میتر نهست .

ارسالی : امیرحسین وحدت

قصه افون

اولی : هر آنرا خدا بند هد

سرت را جراحت نمایی ؟

دومی : دشمن بازم نمیگردی کوید

او آنها سه را شکد .

اولی : آخر آباد و کفرزه بود .

دومی :

در ارتبا ساطنامه همسا و

دیزیل ندارید، از بیوه اوه استفاده
کنید) پشکه طالبی (فروتاده ها
تان رسید، تناهید روزی از
وزارت عودت کننده گان (امد
وام شما ما را دعوت کنید تا
فرض صاحب بیایم)، لعلما
بارگش (لطفاً) شایمات راجدا
سایند که حیات یک هنرمند را خواه
نمیکند)

عبد الطیف عنیز (سیار خوب خوب
کلمات در راه خانخوانده مشهد
اماگر قهر نب شود بعنای آنرا
نه نهادیم) لعلما عصر (تما
تلش ماینست که از عقیمان یک
شماره بیرون شدم - چنان می
بلشیم که دولتان مخواهد شاد
باشد که دولت سایرین هستند)
تنه میمی از بیوت مایتمان اند
معرف که دولتاش او را عنتا
صد امیر نند، بدست مارسید بطور
خلص التجاکرده اند تا عطليس
را از انتها جای کم و کم که اند
زندگی شان بسی به چاپ همین
تنه و مطلب است ۰۰۰ شیوه
مدانی از دل و جان دولت
دام و القمه پایایان که دولت
تنه دارم خبره، امداد است.

دولت محترم ما خصل تنه مند
که چه مخواهند، سیم احمد از
مزاریش (به چشم گهای دل
شما را در نظر میگم) صاحبه -
صاحب (در صاحبها ها محلان
فارس را در نظر میگم) .

تشاهد رفدا (اینک تنه سو شما
را هم بدون جواب شن کن فهم،
امد وام خنه شده هزار تکه
که از نامه من یاد نکردید) .

تایپ خیل (آیا گاذد دیگری
دانشته - لطفاً) تهرنگیکرد
یحمد توپ از ج - (از نامه تان:
انکس بدیخت است که خودش
بعید و گناهش نه) دوییں الیاس
دادخواه (لطفاً) تحمل داشته
باشید دل تان رانکانه - سوا -
لات تاثرا جواه ب مد هم) تیر زمانی
ازل سریعاً (منظور از کله ادھیت
در آجمله به معنای سیار و سیع
میاشد - چه بساکسان اند که
انسان اند اما آدمیت و اسانیت
را درست درک نکرده اند امید
وام شماره بخاطری بر نامه های
دلیلی ندارد که برق نهست.
بنوایند ان کله را با همه اینماد
آن بد اندیه و از انتخیفر نمی
پندارید) میم داشت (توجه

اختراعات صلحیق متفرق والازتهنون
تمایید از سیار چرا؟ بشاء محمد
احمدی اینی حصار (ما و اغونکید،
بناظرمهله در پای سیع جمله
بعضاً اشتباهاش در مواد صفحه
باقی ها صورت میگیرد)

احمد رضا یا پیرزا
تنه تان پیمار دیر رسید) محمد
فاروق ولیزاده (از نامه تان وجهه
های ذیل را انتخاب کردیم چون
پارا هل است که ارسهل است -

اشخاص ماقبل روم جامعه اند)،
یوسف احمدی از نوزار رفیع
(برادر عنیز انتقاد تان را در همین
شماره پایه باشه خواهید بیان.
اما باید گفت شرات پیشتر در مورد
زندگی کی جوانان قوای سلیمانی
مجله های خارندی وارد و آست،
هترخواهد بود این بحث هادر -
یکللو شرات نظاین مردم های
زندگی کی جوانان قوای سلیمانی
بیرون دوچه تقرار هند (پالاده)
نویسن (از خان) - داشتن عاشقان
ما را ترسانید) إصلاح لطف و درک
از بی نزدیم (دین تقطیع و قیمت نخ
مغ شما فواید آنرا میگرد و شرم
نه شم دوستان را بروی ایگنید)
توضیح معموص و شکلاً معموصی
(دست نکهداند خواهد) (خشش
کی است چرا هنگاری شتره) (بشهه غض،
یک تکاهن ارسال کرد) اید، آنرا
چاپ میکنم، خماری بینوا (از دست
نشاشن نی داشتم به کی داد -
بزمم از خاصه نی کنند و
شما شله هستید که مسامیه کنید
لطفاً) به چای لست شاق تان،
لست کاتی را روان که کده طلاق
شده باشند) همانلای خل -
صاحبه باول یهل را چافشان
کرده اید، اما با پر کرد او را منس
شناهم شایدیه چهره دیده -
باشیم از نامه تان هش و سرفنه
رانه هنون پنهان کرد - حق رست
و تابستان رانی شناسد) (لموی
بزیدن مهد الیل اساق نی افسر
کارد (نظایران، نوریش ماندو -
سایرین هم شائزد و داره
اما باید نظایران بدانند که اینها
شرات اخلاقی خود را دارند -
واما سوالهای منوط به سایرین
تنه داشته باشند) (چا -
از انجاه که برق از متشرقین
می آید اول سر راه خود را روشن
و شود - منظور تان را از پرندنی
غمیدم) (اوله حکمتاره) (چا -
اعلانات در مرحله یک ضرور است،
اعلان دهنده بپاپل میدهد)،
هد العلن محل پوئنی زرامت
(چا سایل مهوطه) (لیست
ها کارمهله طبیت هاست) دستان
هایتان را کارکن بناشده زندون
ارسال کنید، بعترات) (سلمان از
خرخانه تھاضان نایش تله هنون

هزاران سلام، هزاران لبخند
هزاران سیاس به علاقه داشتند و
خوانده می‌کردند می‌دانستند که با سخن
امهای پردازی امانترا میکیم
طفاً دریک باده دریک روی کافد
صرف یک طلب ارسال بدادرد
در صورتیکه چندین طلب را داشت
نامه ارسال کرد، از جمله میانند.
میتوان بین اصر (پیشنهادات
تاثیردار رظرف کیم) استاد -
مشغوف رکاب است (از رعایت رنجیز
الل سلطان رضیه (نهضت)
داستان حق منجی یک هنرمند -
شمسات) بعث نویستانی (قامت
مبله بنابر شکلات تختکس
ازدواش می‌باید، هنوز کلابت)
عبد الرحمن اعظم طیبی (از
تهیمات منح طیبه سیاون دست
بکنیده نظایرات شما را تبلیغ هم
عمل کرده این و در همین شماره
تین) هنگار سیار خوب حیره اصلن
نواین (اما همان طور مکتم که شما
کفته اید) بتویه احمد (در چهار
داستان هنوز نهاده نان معروف،
سیاون سهم لزم مکور) شلا
شما حقته داستان شهر خدا را بایا
توجه خاص باید طالمه کرد و
باشد) پسون بول از پرهنگن -
کابل (طنز ارسال تاریخه طناس
مجله سهیم) پس از از زلیسه حروه
جلان و لایت پروان (از همیت تسان
شکر، اما خط تاثرا خوانده نتوانستم
وقتی بران مجه شان ظلم ارسال
مکید، حتی هنوز مید آواز کجا -
انتساب کرده اید) پسون فروتن
(نکاهات شما را به بوجی خنده
انداختم) محمد همانون حمد
زاده (پنده های که به شعر
شاعران زده اید، به مشیل بخش
سپریم) خواهر خیز قطه نقطه
قطه (اولاً لینه که نام نه نوشتن
شما برای مسوال است بدم اینکه
برای شما کنتم که به دفتر پیامد
که مفتره کامله جیب مرکذشت
زنده کی تاثرا نهاده باز هم -
نکار مکم که تصمیم شما مینم بر
خود کشیک می‌تصمیم غیر ماقله و
اسساتی است، در صورت عدیکس
های ما را کوش نمکید بلطفه -
هنگام خود کش ماراهه خاطر داشته
باشید) پسون سکدری (طلالی
نان رسید) حیره اسد ملکی اسد
(صدقی مخترع یک روایت است پس
واتعیت است) شامه تو نهاده در قسمت
دم جانه هوند اروا ملاقات -

سیره میمها و پرسشها

حل کنندگان

لیلما خرسند، محمد جاوید خرسند
محمد احسان، محمد کبیر شفیق
راضیه زارند، سعید احمد
حیدر زاده، سید رشید مزیدی
زین زیارتی، محمد همایون روزی
شکریه آذر، محمد علی ذاہب
حسین اغزال، وجید پوسفاری
محمد عمر نوری، نظری، احمد جاوید
عزیزی، دینا عزیزی، عادل عابد عزیزی
محمد نعم، احمد داور واحد
بروز امیر، خسرو امیر، هوش انتز
بروز امیر، ستاره برتو، لطف الله
مشانی ورد ک، فیض اللعناتی
ورد ک، فهم افشار، رولیانا نصیری
رونا حیدر زاده، میرزا مسیح اللہ
نویه عطا، سعید احمد حیدر زاده
زهرا جواد، سنا هدید، لیدا بیرون
محمد مصطفی، ناجیه انور عزیزی
سید احمد شاه، سوتا، نوری امین
شعناز راستین، خالد، مصطفی
آذ خشن، ایل میری، ملاوی بھری
تاج محمد آرایی، نور جهان
میرزاده، تاج محمد آرایی، نیپس
شیری، آرایی، میری، دیانتا
نیلوفر نایل، حیدر، هونکی، منجم
حرمت هونکی، شعناز انشی، مهدی
الرزاقي، حسن پار، زهره جواد
نویه عطا، میرجنتی، محمد ملهم
اسفر، محمد قسم، محمد مهدی
سلیمانیان

۲	چشم سیاه	۱	ناخن دراز
۴	چشم ابی	۲	ناخن کوچک
۰	چشم بادامی	۴	موی سیاه
۶	اندام چان	۲	موی بلایی
۰	اندم لاغر	۳	موی خرمای
۲	اندام متوسط	۰	موی سفید
۲	رنگ چله گندمی	۴	قد بلند
۹	رنگ جلد سفید	۰	قد کوتاه
۸۱	رنگ جلد سیاه	۶	قد متوسط

خود را آزمایش کن

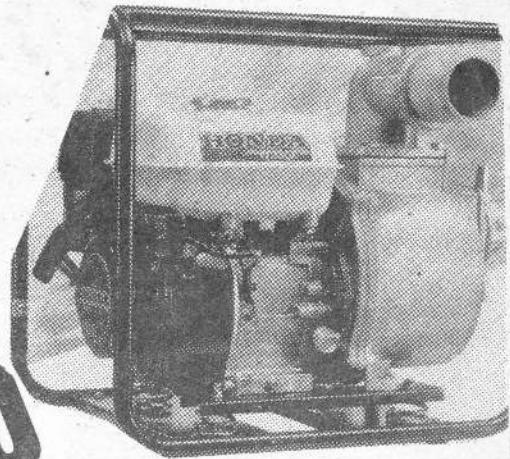
قلم را گفته را بگیرید و هر رفعی
که ناخن، موی، قد و غیره را
مشخصات مایه ای ای سرمیخورد
نموده ای که در علوبی ای داده
شده ای زایاد داشت نمایید:

ناخن بهن

سبز پیش، همچشمی که بین ۱۰۰-۲۰۰
میگیریم، ناخنی که کمتر از ۵۰-۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۷۰-۱۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۰۰-۱۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۳۰-۱۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۶۰-۱۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۹۰-۲۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۲۰-۲۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۵۰-۲۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۸۰-۳۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۱۰-۳۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۴۰-۳۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۷۰-۴۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۰۰-۴۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۳۰-۴۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۶۰-۴۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۹۰-۵۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۲۰-۵۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۵۰-۵۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۸۰-۶۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۶۱۰-۶۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۶۴۰-۶۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۶۷۰-۷۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۷۰۰-۷۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۷۳۰-۷۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۷۶۰-۷۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۷۹۰-۸۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۸۲۰-۸۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۸۵۰-۸۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۸۸۰-۹۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۹۱۰-۹۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۹۴۰-۹۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۹۷۰-۱۰۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۰۰۰-۱۰۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۰۳۰-۱۰۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۰۶۰-۱۰۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۰۹۰-۱۱۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۱۲۰-۱۱۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۱۵۰-۱۱۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۱۸۰-۱۲۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۲۱۰-۱۲۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۲۴۰-۱۲۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۲۷۰-۱۳۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۳۰۰-۱۳۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۳۳۰-۱۳۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۳۶۰-۱۳۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۳۹۰-۱۴۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۴۲۰-۱۴۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۴۵۰-۱۴۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۴۸۰-۱۵۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۵۱۰-۱۵۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۵۴۰-۱۵۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۵۷۰-۱۶۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۶۰۰-۱۶۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۶۳۰-۱۶۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۶۶۰-۱۶۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۶۹۰-۱۷۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۷۲۰-۱۷۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۷۵۰-۱۷۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۷۸۰-۱۸۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۸۱۰-۱۸۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۸۴۰-۱۸۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۸۷۰-۱۹۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۹۰۰-۱۹۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۹۳۰-۱۹۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۹۶۰-۱۹۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۱۹۹۰-۲۰۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۰۲۰-۲۰۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۰۵۰-۲۰۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۰۸۰-۲۱۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۱۱۰-۲۱۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۱۴۰-۲۱۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۱۷۰-۲۲۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۲۰۰-۲۲۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۲۳۰-۲۲۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۲۶۰-۲۲۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۲۹۰-۲۳۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۳۲۰-۲۳۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۳۵۰-۲۳۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۳۸۰-۲۴۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۴۱۰-۲۴۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۴۴۰-۲۴۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۴۷۰-۲۵۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۵۰۰-۲۵۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۵۳۰-۲۵۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۵۶۰-۲۵۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۵۹۰-۲۶۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۶۲۰-۲۶۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۶۵۰-۲۶۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۶۸۰-۲۷۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۷۱۰-۲۷۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۷۴۰-۲۷۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۷۷۰-۲۸۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۸۰۰-۲۸۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۸۳۰-۲۸۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۸۶۰-۲۸۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۸۹۰-۲۹۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۹۲۰-۲۹۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۹۵۰-۲۹۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۲۹۸۰-۳۰۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۰۱۰-۳۰۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۰۴۰-۳۰۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۰۷۰-۳۱۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۱۰۰-۳۱۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۱۳۰-۳۱۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۱۶۰-۳۱۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۱۹۰-۳۲۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۲۲۰-۳۲۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۲۵۰-۳۲۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۲۸۰-۳۳۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۳۱۰-۳۳۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۳۴۰-۳۳۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۳۷۰-۳۴۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۴۰۰-۳۴۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۴۳۰-۳۴۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۴۶۰-۳۴۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۴۹۰-۳۵۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۵۲۰-۳۵۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۵۵۰-۳۵۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۵۸۰-۳۶۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۶۱۰-۳۶۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۶۴۰-۳۶۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۶۷۰-۳۷۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۷۰۰-۳۷۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۷۳۰-۳۷۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۷۶۰-۳۷۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۷۹۰-۳۸۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۸۲۰-۳۸۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۸۵۰-۳۸۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۸۸۰-۳۹۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۹۱۰-۳۹۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۹۴۰-۳۹۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۹۷۰-۳۹۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۳۹۹۰-۴۰۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۰۲۰-۴۰۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۰۵۰-۴۰۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۰۸۰-۴۱۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۱۱۰-۴۱۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۱۴۰-۴۱۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۱۷۰-۴۲۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۲۰۰-۴۲۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۲۳۰-۴۲۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۲۶۰-۴۲۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۲۹۰-۴۳۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۳۲۰-۴۳۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۳۵۰-۴۳۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۳۸۰-۴۴۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۴۱۰-۴۴۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۴۴۰-۴۴۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۴۷۰-۴۵۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۵۰۰-۴۵۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۵۳۰-۴۵۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۵۶۰-۴۵۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۵۹۰-۴۶۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۶۲۰-۴۶۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۶۵۰-۴۶۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۶۸۰-۴۷۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۷۱۰-۴۷۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۷۴۰-۴۷۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۷۷۰-۴۸۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۸۰۰-۴۸۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۸۳۰-۴۸۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۸۶۰-۴۸۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۸۹۰-۴۹۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۹۲۰-۴۹۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۹۵۰-۴۹۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۹۸۰-۴۹۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۴۹۹۰-۵۰۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۰۰-۵۰۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۱۰-۵۰۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۲۰-۵۰۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۳۰-۵۰۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۴۰-۵۰۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۵۰-۵۰۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۶۰-۵۰۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۷۰-۵۰۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۸۰-۵۰۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۰۹۰-۵۱۰۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۰۰-۵۱۱۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۱۰-۵۱۲۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۲۰-۵۱۳۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۳۰-۵۱۴۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۴۰-۵۱۵۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۵۰-۵۱۶۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۶۰-۵۱۷۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۷۰-۵۱۸۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۸۰-۵۱۹۰
میگیرد، ناخنی که بین ۵۱۹



واترپمپ هوشما



کم مصرف واترپمپ هوشما Water Pump

واترپمپ های عوند ا در روین پترولیس ۲ انجه جاپانی که در فن دنیه
یکهزار لیتر اب میدهد هد . حنراتور های تیل خاکی و پترولی جاپانی به
قوه های مختلف جدیداً وارد گردیده . همچنان اموال ذیل از مشهور
ترین کمپنی های مالک مختلف جهان نیز موجود است .

واترپمپ های یک انجه برقی برای منازل آسیاب های ارد مختلف -
النوع ، سنگ های آسیاب ، غلبلیل که در هر آسیاب نصب میشود
وارد راه سه قسم میده ، سوچی و سبسوس میدهد .

برونج باکی های مختلف النوع دبه های مختلف کمپرسور هوا ، بمبه
های تیل (اهنی و پلاستیکی) برای کشیدن مبلایل و تیل از بیلران و انسواع
مختلف بزرگ جات مائین های ریختی و آبیاب ها .

ادرس: تجارتخانه احمد ماه هسبن هوشکی و براذران حمه ادم
جاده هولند - متصل حمام نیلیون ۲۶۱۱۲ کامپل .

تجارتخانه

حسبن هوشکی

قرطاسیه فروشی جمشید

قرطاسیه فروش جمشید که تازه به فعالیت اغاز نموده بر علاوه قر -
طاسیه باب ، اخبار هفته ، مجله سباون و سایر جراید و مجلات را
بد ستون مشتریان گرام قرار میدهد .
ادرس: هارکیت جوار مکتب ابتدایه من .

یمارامین ویدیوکست

یما رامین ویدیوکست
فلم های مرد علاقه ویدیوی شما را عرضه میدارد از محافل
خوشی و سرور شما فلیپر داری می نماید . لحظه ها ی
ش نرا برای همیشه حافظان من سازد .

آدرس: مترال ادل نسخه بزرگ ففن
تیلفون: ۳۵۷۰۴ و ۲۶۷۷۶

فروشگاه روشن

اجاگر لوکس، لوازم آرایشی و دستیار مورد نیاز
خانواده ها را عرضه می کرد
آوردن: زرغونه میدان

حیریداری از شرکت

عییدیان پیش

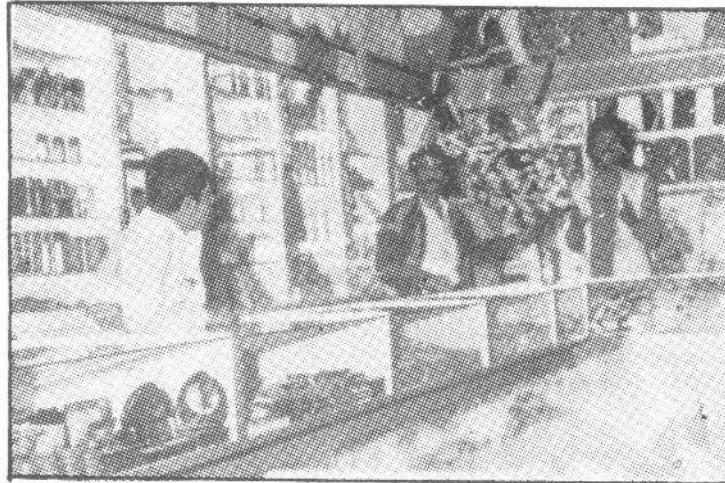
معنی آمیزان و صرف جویی

لشکر: نزدیکی سنجار تخته حاجی سفراش عده
دویست و نهم دوم سرای خود هزار گل متعاقن سمجھیں خشتنی

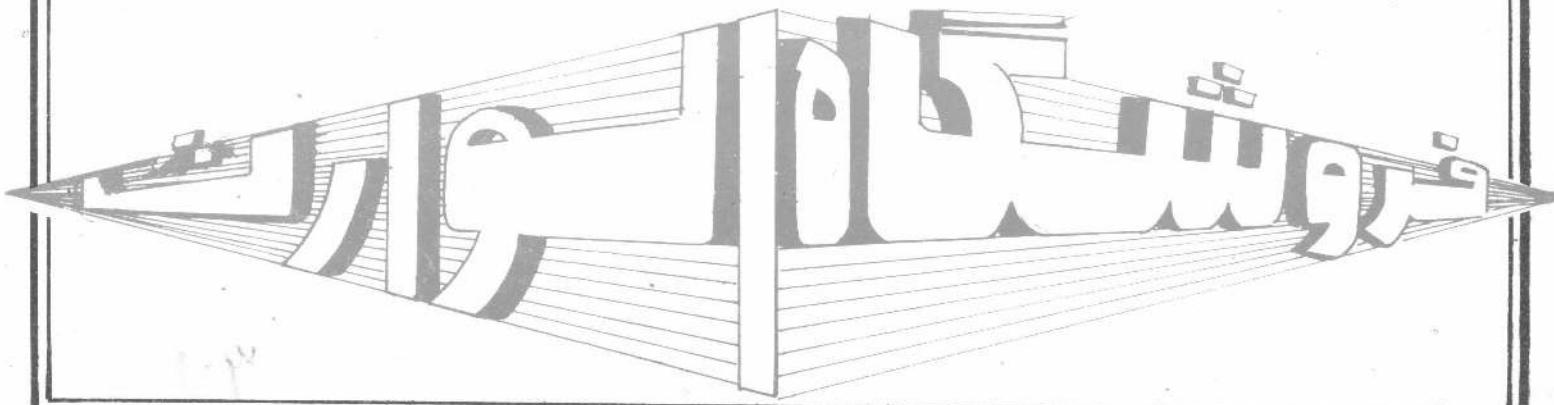
اتواع جنرا تند و داری سبب های بترولی
و دیزلی موتورهای انتخابی، گیوتینیان مار
کمپنی های از با انتبار ترمه
مناسب برای جهاز نیز بودند به قیمت عالی
میباشد.

آرس: شرکت عییدیان لست دهن
دوم جاده میوند، مقابل حمام جاده

دلیل: هنر
بلل: بزرگ و
بلل: بزرگ و
بلل: بزرگ و



لر لیلام تازه ترین
اجهادی میان مورد
شیازمان استفاده
نماییده ارزان و به
مفاهیم



صنایع ملی را نقویه نمایند

فروشگاه

بزرگ افغان

بزرگترین مارکیٹ فروش بوکھ ساخت وطن

۱۰۰ هزار افغانی جائزه

فقط با خرید یک جوره بوت

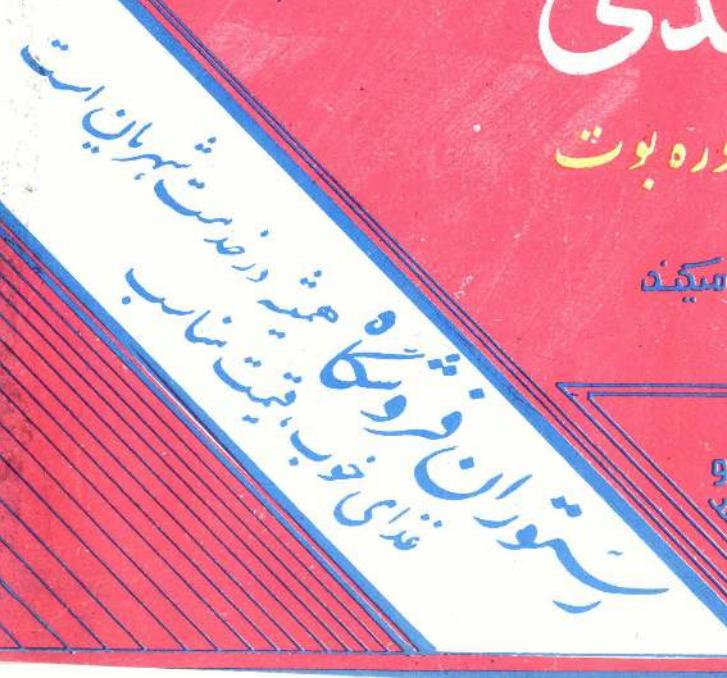
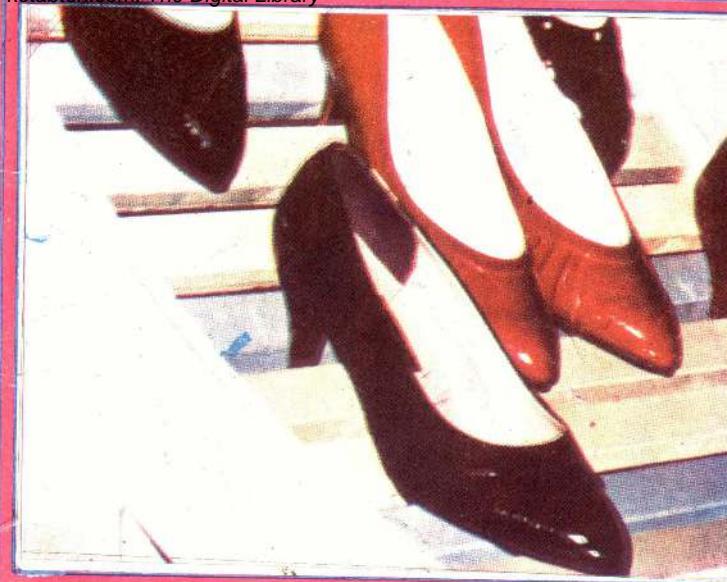
و باز هم

۵۰ هزار ۳۰ هزار ۲۰ هزار افغانی جائزه نقدی

هر ف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکند
خرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بلهای خرید را تکمیل کنید و
در روز قرعه کشی که بعد اعلان میگردد آنرا در آن روز در آن روش



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library